

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

גימטריה حساب חروف אבجد

حروف عبری نام و تلفظ و شماره عددی آنها از این قرار است:

י	ט	ח	ז	ו	ה	ד	ג	ב	ב	א	حروف عبری
ی	ط	ح	ز	و	هـ	د	گئ	و	ب	ا	حروف فارسی
יוד	טֵט	חֵט	זֵיז	וָו	הֵה	דַּד	גֵּיג	בֵּיב	בֵּיב	אֵי	نام حروف
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۲	۱	اعداد ابجد
ל	ס	ז	נ	מ	מ	ל	ל	ך	כ	כ	حروف عبری
ع	س	ن	ن	م	م	ع	ل	خ	خ	ک	حروف فارسی
עֵי	סַס	נֵנ סוֹפִית	נֵנ	מֵמ סוֹפִית	מֵמ	עֵי	לַל סוֹפִית	כַּכ סוֹפִית	כַּכ	כַּכ	نام حروف
۷۰	۶۰	۵۰	۵۰	۴۰	۴۰	۷۰	۳۰	۲۰	۲۰	۲۰	اعداد ابجد
ת	ש	ש	ר	ק	ץ	צ	ך	פ	פ	ת	حروف عبری
ت	س	ش	ر	ق	ص	ص	ف	ف	پ	ت	حروف فارسی
תָו	שֵׁי	שֵׁי	רֵר	קֵק סוֹפִית	ץֵץ	צֵצ	כֵּכ סוֹפִית	פֵּפ	פֵּפ	תָו	نام حروف
۴۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۸۰	۴۰۰	اعداد ابجد

تذکره: به احترام نام خد-اوند (י-ה-ו-ה) استثنائاً شماره ۱۵ را به جای (י-י) ۱۵ و شماره ۱۶ را نیز به جای (י-י) ۱۵ نوشته می‌شود.

'א' = ۱۱	'ד' = ۱۷	'צ' = ۹۹	'ת' = ۹۰۰
'ב' = ۱۲	'ה' = ۱۸	'ש' = ۳۹۸	'א' = ۱۰۰۰
'ג' = ۱۳	'ו' = ۱۹	'ת' = ۵۰۰	'ב' = ۲۰۰۰
'ד' = ۱۴	'ז' = ۲۱	'ת' = ۶۰۰	'ג' = ۳۰۰۰
'ט' = ۱۵	'ח' = ۲۲	'ש' = ۷۰۰	'ה' = ۵۷۶۶ = תשסו = تاریخ عبری
'י' = ۱۶	'ט' = ۲۳	'ת' = ۸۰۰	'א' = ۱۳۸۴ = שפד = تاریخ فارسی

مثال:

$$\text{انگ'מן} = ۱۴۴ = (۱+۵۰+۳+۴۰+۵۰ = ۱۴۴)$$

$$\text{אהרן} = ۲۵۶ = (۱+۵+۲۰۰+۵۰ = ۲۵۶)$$

$$\text{רחמן} = ۲۹۸ = (۲۰۰+۸+۴۰+۵۰ = ۲۹۸)$$

تبصره: حروفی که در زبان عبری وجود ندارد طبق قرارداد، حروف و شماره عددی آنها بدین صورت می باشد.

حروف عبری	'ט'	'ג'	'ד'	'ז'	'ג' یا ('ע')	'צ'	'ג' یا ('צ')	'ת'
حروف فارسی	ظ	ج	ذ	ژ	غ	ض	چ	ث
اعداد ابجد	۹	۳	۴	۷	۳ یا (۷۰)	۹۰	۳ یا (۹۰)	۴۰۰

حرف	اسم	کتابی	دستخطی
آ	آلف	آ	آ
ب	بِت	ب	ب
و	وِت	و	و
گ	گیمِل	گ	گ
د	دَالِت	د	د
ه	هـ	ه	ه
و	واو	و	و
ز	زین	ز	ز
ح	حِت	ح	ح
ط	طِت	ط	ط
ی	یود	ی	ی
ن	کاف	ن	ن
ر	خاف	ر	ر
ا	خاف سُوفیت (آخر)	ا	ا
ل	لامِد	ل	ل
م	مِم	م	م

حرف	اسم	کتابی	دستخطی
ه	مِم سُوفیت (آخر)	ه	ه
ن	نون	ن	ن
ا	نون سُوفیت (آخر)	ا	ا
ه	سامِح	ه	ه
ع	عین	ع	ع
ط	پ	ط	ط
ط	ف	ط	ط
د	ف سُوفیت (آخر)	د	د
ز	صدی	ز	ز
ز	صدی سُوفیت (آخر)	ز	ز
ق	قوف	ق	ق
ر	رِش	ر	ر
ش	شین	ش	ش
ش	سین	ش	ش
ت	تاو	ت	ت
ت	تاو	ت	ت

عبری بیاموزیم

درس اول

در دنیای امروز که پیشرفت و توسعه از ابعاد متفاوت مورد توجه ملت ها است و ارتباطات از نوع جهانی رمز موفقیت بشر به شمار می رود ، مطلبی که در برقراری ارتباط ، بیش از هر موضوع دیگر قابل تأمل می باشد ، همانا زبان است . زبان اولین پل به سوی رابطه بین ملل مختلف و موثرترین وسیله در جهت برقراری ارتباط با علم ، فرهنگ ، دانش و گامی در راستای آشنایی با وجوه گوناگون یک ملت است .

لزوم به دانستن زبانی به غیر از زبان مادری – هر روز از روز گذشته بیشتر احساس می شود. دانستن زبان دوم نه فقط جهت برقراری ارتباط با انسان ها از راه کلام بلکه در جهت برقراری ارتباط با فرهنگ ، تاریخ ، علوم و اجتماع یک ملت با مطالعه کتب مختلف و با توجه به مواد دیداری – شنیداری که تعداد آنها روز به روز افزایش قابل توجهی پیدا کرده ، امکان خواهد یافت .

همانطور که می دانید زبان عبری از گروه زبان های سامی و یکی از قدیمی ترین زبان های دنیاست که هنوز متکلمینی دارد . از آن جهت که این زبان ، زبان قدیمی ترین کتاب تاریخ – تورات (کتاب آسمانی یهودیان) است ، یادگیری این زبان برای محققین در تاریخ و فلسفه ادیان امری اجتناب ناپذیر می نماید ولی این گروه از پژوهشگران برای یادگیری این زبان منابعی به زبان فارسی که امر آموزش عبری را برعهده داشته باشند، یا پیدا نمی کنند و یا به سختی به آن دستیابی پیدا می کنند.

الفبای زبان عبری دارای ۲۲ حرف است که تعدادی از این حروف با صدا و تعدادی دیگری بی صدا می باشد. در ابتدا طرز استفاده از حرکات و حروف مخصوص لاتین و معادل های فارسی و عبری آن را ارایه می دهیم.

الفبای زبان عبری به ترتیب عبارتند از :

عبری	א	ב	(ב)	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט
فارسی	ا	ب	و	گ	د	ه	و	ز	خ	ط
لاتین	A	B	Y	G	D	H	V	Z	H	T

عبری	י	כ	(כ)	ל	מ	נ	ס
فارسی	ی	ک	خ	ل	م	ن	س
لاتین	Y	K	KH	L	M	N	S

عبری	פ	(פ)	ק	ר	ש	ש
فارسی	پ	ف	ص	ق	ش	س
لاتین	P	F	TS	R	SH	S

عبری بیاموزیم

درس دوم

طرز ترکیب کلمات:

عبری همانند فارسی از سمت راست به چپ نوشته و خوانده می شود . حروف از یکدیگر جدا بوده و دارای دو گروه با صدا و بی صدا هستند . هر حرف صامت عبری به واسطه یکی از حروف باصدا و یا اعراب که در زیر یا کنار و یا بالای حروف قرار می گیرند دارای صدا می شوند.

تلفظ مصوت ها در زبان عبری :

مصوت ها در زبان عبری به صورت زیر تلفظ می شوند:

BI	بی	در کلمه فارسی	ای	برابر است با	בִּי
AB	آب	در کلمه فارسی	آ	برابر است با	אֵב
UR	اور	در کلمه فارسی	او	برابر است با	אֹוּר

(شکل دیگر صدای فوق بصورت בִּי با همان تلفظ می باشد)

BOZ	بز	در کلمه فارسی	أ	برابر است با	בּוֹז
-----	----	---------------	---	--------------	-------

(شکل دیگر صدای فوق بصورت בּוֹز با همان تلفظ می باشد)

AZIZ	عزیز	در کلمه فارسی	أ	برابر است با	אִזִּיז
------	------	---------------	---	--------------	---------

EMAM	امام	در کلمه فارسی	ا	برابر است با	אִמָּם
------	------	---------------	---	--------------	--------

ELHAM	الهام	در کلمه فارسی	ا	برابر است با	אִלְהָם
-------	-------	---------------	---	--------------	---------

בִּי در فارسی برابری ندارد و با توجه به مکانی که می آید به تناوب صدای א یا ساکن به خود می گیرد.

یادآوری :

الف - باید توجه داشت که صدای فوق اگر در بین دو حرف صدا دار قرار بگیرد ساکن است و صدای آن خوانده

نمی شود.

ب - این صدا اگر در یک کلمه دوبار پشت سرهم بیاید اولین حرف با صدا و دومین حرف ساکن خواهد بود .

در این جا ذکر چند نکته را لازم می دانیم :

الف - کلمات عبری مانند کلمات در زبان عبری یا مذکر و یا مؤنث هستند .

ب - کلمات مذکر با אָ (ایم) و کلمات مؤنث با אִ (اوت) جمع بسته می شوند .

ج - در زبان عبری صفت از حیث نوع (مذکر یا مؤنث بودن) و تعداد (مفرد یا جمع بودن) با موصوف مطابقت

می کند.

د - در جمله سازی در زبان عبری ، برخلاف فارسی ، فعل در ابتدای جمله () به کار برده می شود و نه در انتهای جمله .
 ه - در زبان عبری برای مخاطب ، به طور کلی ، دوم شخص مفرد (تو) به کار برده می شود (و نه لفظ شما) . در مواردی که بخواهند شخصیت بزرگی را مورد احترام فوق العاده قرار دهند از سوم شخص مفرد استفاده می نمایند .
 حال برای آشنایی هر چه بیشتر شما خوانندگان گرامی با کلمات ، تعدادی از کلمات واصطلاحات متداول در زبان عبری را که در مکالمات روزمره از آنها بیشتر استفاده می شود ؛ به عنوان نمونه می آوریم .

لازم به ذکر است که کلمات داخل پرانتز فرم مؤنث کلمات نوشته شده می باشند .

فارسی	عبری	تلفظ	لاتین
من	אני	آنی	ani
تو	אתה	آنا	ata
تو	(את)	(آت)	at
او	הוא	هو	hu
او	(היא)	(هی)	hi
ما	אנחנו	(آنחנו)	anahnu
شما	אתם	آتم	atem
شما	(אתן)	(آتن)	aten
ایشان	הם	هم	hem
ایشان	(הן)	(هن)	hen

در زبان عبری کلماتی که در بالا آورده شده اند ، به غیر از معنای اصلی کلمه به معنای من ، تو ، او و ... معنی مستتر ((هستم ، هستی ، هست و ...)) را نیز در خود دارند به این معنی که اگر کسی بگوید אני یعنی «من» ، یا «من هستم» .

سلام (خدا حافظ)	שלום	شالم	shalom
خیلی متشکرم	תודה רבה	تودا ربا	todA rabA
ببخشید	סליחה	سلیخا	sliHa
بفرمایید	בבקשה	به وکاشا	bevakAshA
خیلی خوب	טוב מאוד	طوو مه اُد	tov meod
خوش آمدید	ברוך הבא	باروخ هباء	bArukh habA

عبری بیاموزیم

درس سوم

در زبان عبری، فعل «بودن» در زمان حال به صورت **הָיָה** - **هُوּוֹה** - می باشد که معمولاً در جمله مستتر است و عنوان نمی شود، بلکه از شکل کلمات، «بودن» در زمان حال مفهوم می گردد. در اینجا، چند کاربرد از بودن در وضعیت یا حالت خاصی در زمان حال ارائه می شود.

1- معرفی اسم:

אָנִי יֵלֶקֶב

من یعقوب - **יַעֲقֹוב** - (هستم). شکل کامل این جمله می توانست به این صورت ذکر شود:
אָנִי (הָיָה) יֵלֶקֶב که فعل "بودن" پس از فاعل (**אָנִי**) آمده است اما همانگونه که ذکر شد در کلیه جملات زمان حال این فعل حذف می شود.

אַתָּה יֵצְהָק تو اسحق - ییصحاق - هستی	אַתָּה יְהִי تو (مؤنث) راحل هستی
הוא אֲבִרָהִם او ابراهیم - اوراهام - است	היא לֵאָה او (مؤنث) لئا است

2- معرفی وضعیت

- کلمات جدید:

عبری:	1- יָלֵד	2- יָלְדָה	3- יָלְדִים	4- יָלְדוֹת
تلفظ فارسی:	یلد	یلدا	یلادیم	یلادوت
تلفظ انگلیسی:	yeled	yalda	yeladim	yeladot
معنی:	پسر	دختر	پسرها	دخترها

عبری:	5- אִישׁ	6- אִשָּׁה	7- אֲנָשִׁים	8- נָשִׁים
تلفظ فارسی:	ایش	ایشا	آناشیم	ناشیم
تلفظ انگلیسی:	Ish	isha	anashim	nashim
معنی:	مرد	زن	مردها	زن‌ها

- جملات نمونه :

אֲנִי יָלֵד	אֶתָּה אִישׁ	אֶתְּ יְלֵדָה	הוּא אִישׁ	הִיא אִשָּׁה
من پسر هستم	تو مرد هستی	تو (مؤنث) دختر هستی	او مرد است	او (مؤنث) زن است
אֲנַחְנוּ יְלָדִים	אַתֶּם אֲנָשִׁים	אַתֶּן יְלָדוֹת	הֵם אֲנָשִׁים	הֵן נָשִׁים
ما پسر (ها) هستیم	شما مرد (ها) هستید	شما دختر (ها) هستید	آنها مرد (ها) هستند	آنها زن (ها) هستند

* در زبان عبری، مطابق موصوف و مضاف الیه مطابق مضاف ، جمع بسته می شود.

3- معرفی موقعیت مکانی :

- کلمات جدید:

عبری:	1- בַּיִת	2- חֶדֶר	3- כֶּתֶה	4- רְחוֹב	5- עִיר
تلفظ فارسی:	بیت	حدر	کیتا	رخوو	عیر
تلفظ انگلیسی:	bait	Heder	kitta	rehov	ir
معنی:	خانه	اتاق	کلاس	خیابان	شهر

عبری بیاموزیم

درس چهارم

در درس گذشته با شکلهایی از جمله سازی ساده آشنا شدیم که فعل "بودن - הָיָה" در زمان حال در آن ها مستتر و حذف می شود. در این بخش مثالهای دیگری به همراه حالات جدید سؤالی کردن این نوع جملات ساده ذکر می شود.

جملات عبری را می توان به دو صورت سؤالی نمود. در نوع اول، جمله به همان شکل عادی (خبری) باقی می ماند و تنها با نحوه بیان (لحن سؤالی) به شکل پرسشی تبدیل می شود. در نوع دوم یک حرف یا یک کلمه پرسشی مناسب در ابتدای جمله اضافه می شود. برای منفی کردن این جملات می توان کلمه לֹא - لو - به معنای "نه" را پس از فاعل ذکر کرد. کلمه לֹא به تنهایی (و بدون همراهی با دیگر عوامل جمله) به معنای نفی یک موضوع نیز به کار می رود.

4- معرفی اهلیت:

מַאֲיִן אֵתָהּ יַעֲקֹב ? אֲנִי מְשִׁירָאז
 מַיִין אָתָּה יַעֲקֹב ? אֲנִי מִי שִׁירָאז
 یعقوب تو از کجا (اهل کجا) هستی؟ من از شیراز (شیرازی) هستم.

<p style="text-align: center;">הֲאַתָּם מְכֶרְמָאן ? אֲנַחְנוּ לֹא מְכֶרְמָאן شما (مونث) کرمانشاهی هستید؟ بله ما از کرمانشاه هستیم</p>	<p style="text-align: center;">הֲאַתָּם מְכֶרְמָאן ? אֲנַחְנוּ לֹא מְכֶרְמָאן آیا شما کرمانی هستید؟ ما کرمانی نیستیم.</p>
<p style="text-align: center;">הֲאֵם הוּא מְטֵהֲרָאן ? לֹא הוּא מְאַסְפֵּהֲאן آیا او تهرانی است؟ نه او اصفهانی است.</p>	<p style="text-align: center;">מַאֲיִן הֵן ? הֵן מְאִירָאן آنها (مونث) اهل کجا هستند؟ آنها ایرانی هستند.</p>

5- معرفی مشاغل:

* کلمات جدید:

1- מורה مُورِه معلم (مرد)	2- מורה مُورا معلم (زن)	3- תלמיד تَلْمיד دانش آموز (مرد)	4- תלמידה تَلْمידا دانش آموز (زن)
5- רופא رُوفِه پزشک	6- רופאה رُوفئا پزشک (زن)	7- פועל פּוּעַל کارگر	8- פועלת פּוּעַלת کارگر (زن)
9- פקיד פּאָקיד کارمند	10- פקדה פּאָקדה کارمند (زن)	11- זבן זְבָן فروشنده	12- זבנית זְבָנית فروشنده (زن)
13- נגר נְגָר نکار	14- נפה נִפָּה نفاخ	15- מסگر מַסְגֵּר مسگر	16- טבח טָבַח طباخ
17- גם גָּם همچنین	18- אבל אָבַל اما	19- כן כֵּן بله	20- לא לֹא نه

جملات:

אני מורה	האם גם את מורה ؟	אני לא מורה	אני תלמידה
من معلم هستم ، آیا تو هم معلم هستی ؟	من معلم نیستم ،	من دانش آموز هستم .	
אני רופא	וגם היא רופאה	אנחנו רופאים	
من پزشک هستم ، او نیز پزشک است ، ما پزشک هستیم			
אנחנו זבנים	אבל הם פקידים		
ما فروشنده هستیم ، اما آنها کارمند هستند			
הם פועלים	ראובן נגר	שמעון מסگر	ילי נפח
אנחנו کارگر هستیم	رئوبن نجار است	شیمعون مکانیک است	لوی آهنگر است و אשר آشپز است

تمرین:

1- جملات زیر را به عبری ترجمه کنید:

من کارمند هستم - تو کارگر هستی - او (زن) فروشنده است - ما دانش آموز هستیم - شما (زنان) پزشک هستید - آنها (مردان) معلم هستند - آیا تو تهرانی هستی؟ نه، من کاشانی هستم. - اسحق کجایی است؟ او ایرانی است.

2- جملات زیر را به فارسی ترجمه کنید:

הן זכניות - אנחנו פקידות - אתם רופאים - הוא טבח - אתן פועלות

אני מורה - האים אתה ממשקד ? כן אני ממשקד

*** تمرین ریشیמה : קרא ודבר بخوان و صحبت کن!**

איפה נרד ? הוא עכשו לא פה , הוא לא בבית .
איפה הוא עכשו ? עכשו הוא ברחוב , הוא שם בעיר .
איפה אוטובוס מספר שלוש ?
אוטובוס מספר שלוש פה ברחוב השני .
איפה אתה גר ? אני גר ברחוב גישה , מספר קמש .
מספר הבית ? שתים ? שלוש ? ארבע ? קמש ? אקח
איפה רחוב גישה ? פה הרחוב הראשון . הבית הראשון .
מה שם המדינה הזאת ? זאת מדינת אירן.

کلمات جدید :

۱- מה ؟ مه چطور - چگونه است	۲ - שלומך شلومخا سلامتی - احوال تو (مرد)	۳ - שלומך شلومخ سلامتی - احوال تو (زن)	۴ - אל ال خدا
۵ - תודה تودا تشکر - شکر	۶ - لا لا برای	۷ - ברוך باروخ مبارک است	۸ - השם هشم آن نام (اشاره به خدا)
۹ - עכשו عخشاو اکنون حالا	۱۰ - פה פו اینجا	۱۱ - איפה افو کجا	۱۲ - גר گار زندگی می کند (مرد)
۱۳ - גרה گارا زندگی می کند (زن)	۱۴ - מספר میسپار شماره	۱۵ - רחוב رخوو خیابان	۱۶ - בית بییت خانه
۱۷ - שם شام آنجا	۱۸ - משפחה میشپاحا خانواده	۱۹ - משפחת میشپخت خانواده	۲۰ - ברכה براخا برکت
۲۱ - להתראות لهیتראوت به امید دیدار	۲۲ - שיחה سیحا صحبت - گفتگو	۲۳ - מדינה مدینا کشور	۲۴ - אוטובוס اتوبوس

اعداد ترتیبی			اعداد اصلی מספרים יסודיים				
			מונח		מזכר		שמה
רישון	ראשון	אול	אחַת	אַחַת	אחַד	אַחַד	יֵק
שני	שני	דומ	שְׁתֵּי	שְׁתֵּי	שְׁנַיִם	שְׁנַיִם	דו
שלישי	שלישי	סומ	שָׁלוֹשׁ	שָׁלוֹשׁ	שְׁלוֹשָׁה	שְׁלוֹשָׁה	סֵה
רביעי	רביעי	چارم	אַרְבַּע	אַרְבַּע	אַרְבַּעַה	אַרְבַּעַה	چار
חמישי	חמישי	پنجم	חַמֵּשׁ	חַמֵּשׁ	חַמִּישָׁה	חַמֵּשׁה	پنج

عبری بیاموزیم

درس ششم

א	ב	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ך	ל	מ	ם	נ	ן	ס
א	ב	ו	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ך	ל	מ	ם	נ	ן	ס
ע	פ	פ	ץ	ק	ר	ש	ש	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת
ע	פ	פ	ץ	ק	ר	ש	ש	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת	ת

<p>הִנֵּה יוֹסֵף וְהִנֵּה חָנָה</p> <p>هينه يُوسف و هينه حنا</p> <p>این یوسف و این حنا است .</p>	<p>יוֹסֵף יוֹשֵׁב עַל יַד הַשְּׁלֶחָן</p> <p>يُوسف يُشوَ عِلْ يَد هَشولحان</p> <p>یوسف در کنار آن میز نشسته است .</p>
<p>יוֹסֵף כּוֹתֵב בַּמַּחְבֵּרֶת</p> <p>يُوسف كُوتُو بَمَحْبِرَت</p> <p>یوسف در دفتر می نویسد.</p>	<p>הוא יושב על כסא</p> <p>هو يُشوَ عِلْ كِيسه</p> <p>او روی صندلی نشسته است .</p>

<p>עַל יַד יוֹסֵף יוֹשֶׁבֶת חָנָה . גַּם הִיא כּוֹתֵבֶת בַּמַּחְבֵּרֶת</p> <p>کنار یوسف ، حنا نشسته است . او هم در دفتر می نویسد.</p>
<p>חָנָה עֲבָדָה הַשְּׁעוֹר הַשְּׂשִׁי - הִנֵּה אֲנִי כּוֹתֵב עֲבָרִית - אֹמֵר יוֹסֵף</p> <p>" حنا! اکنون درس ششم (در مقابل من است) - و من اینک عبری می نویسم " ، یوسف می گوید.</p>
<p>גַּם אֲנִי כּוֹתֵבֶת עֲבָרִית - אֹמֵרֶת חָנָה .</p> <p>" من هم عبری می نویسم " - حنا می گوید .</p>
<p>בֶּן - אֹמֵר יוֹסֵף - אֶת כּוֹתֵבֶת יָפָה , חָנָה .</p> <p>"بله" - یوسف می گوید - "تو زیبا می نویسی ، حنا" .</p>
<p>نکته : به تفاوت صرف فعل زمان حال برای مذکر و مؤنث توجه کنید :</p> <p>יוֹסֵף יוֹשֵׁב , כּוֹתֵב , אֹמֵר .</p> <p>חָנָה יוֹשֶׁבֶת , כּוֹתֵבֶת , אֹמֵרֶת .</p>

מה זה ? אין چیست ؟	
<p>אתה יושב על כסא הזה تو روی این صندلی نشسته‌ای.</p>	<p>זה שולחן . זה כסא . זאת מחברת . این میز است . این صندلی است . این دفتر است.</p>
<p>מה אתה כותב ؟ تو چه می نویسی ؟</p>	<p>המחברת הזאת על השולחן این دفتر روی آن میز قرار دارد .</p>
<p>מושא השם , טהראני-שם-המשפחה موسی ، اسم است و تهرانی ، نام خانوادگی.</p>	<p>אני כותב : מושא טהראני من می نویسم : موسی تهرانی.</p>
<p>מושא בעברית - משה . موسی در زبان عبری «مُشه» است .</p>	<p>עכשו אתה יושב כותב עברית . اکنون تو نشسته‌ای و عبری می نویسی .</p>
<p>מה השעה ؟ שבע - השעה שבע ساعت چند است ؟ هفت . ساعت هفت است .</p>	<p>כן , משה הוא שם עברי . بله ، مُشه هم نام عبری است .</p>

מילים חדשות

کلمات جدید :

4 - הנה هينه این - اینک	3 - זאת زوت این (مونث)	2 - זה زه این (مذکر)	1 - מה مه چه
8 - כותב کوتو می نویسد (مذکر)	7 - יושב یوشو نشسته است - می نشیند (مذکر)	6 - כסא کیسه صندلی	5 - שולחן شولحان میز
12 - יפה یافه زیبا (مذکر)	11 - אומר أومر می گوید (مذکر)	10 - שנה شاعا ساعت	9 - מחברת محبرت دفتر
16 - שעור شيعور (کلاس) درس	15 - מספר ميسپار شماره	14 - על - יד عل - يد کنار	13 - על عل روی
17 - ה - ه ...			
این حرف که در اول اسم می آید : اسم را معرفه و شناخته شده می سازد (השולחן - آن میز)			

اعداد اصلی : מספרים יסודיים				اعداد ترتیبی : מספרים סדוריים			
شماره	مذکر	مؤنث	شماره	مذکر	مؤنث	مؤنث	مؤنث
شش	شیشا	شش	ششم	שישי	ששית	שישית	שישית
هفت	شيوعا	שבוע	הفتم	שבועי	שבועית	שבועית	שבועית
هشت	شموנה	שמונה	השמי	שמני	שמנית	שמנית	שמנית
نه	تسعا	תשע	נهم	תשיעי	תשיעית	תשיעית	תשיעית
ده	عسارا	עשר	دهم	עשירי	עשירית	עשירית	עשירית

شماره	مذکر	مؤنث
اول	ראשון	ראשונה
دوم	שני	שנייה-שנית
سوم	שלישי	שלישית
چهارم	רביעי	רביעית
پنجم	חמישי	חמשית

*** تمرین : רשימה :** קרא ונדבר بخوان و صحبت کن !

מה השעה עכשוו ? השעה- שש- שבוע - שמונה - תשע - עשר .
מה זה ? מה זאת ? זה הבית , זה רחוב , זאת עיר .
זה בית יפה . כן, זה בית יפה , גם רחוב הזה יפה , טהראן עיר יפה .
אני גר בבית היפה הזה . גם שרה גרה בבית הזה . הבית מספר תשע .
איפה את יושבת ? בשעור אני יושבת על יד יצחק .
מה הוא כותב ? הוא יושב ולא כותב .

عبری بیاموزیم

درس هفتم

<p>המורה והתלמיד המורה והתלמיד מعلم و شاگرد (دانش آموز)</p>	<p>שלום חבר שלום حاور سلام ای دوست! سلام ای دوست!</p>	<p>שלום חברה שלום خورا سلام ای دوست (مونث)!</p>
<p>הנה תמונה این تابلو (تخته سیاه) است</p>	<p>בתמונה שיעור בכיתה . روی تابلو (تخته)، درس کلاس (نوشته شده) است</p>	
<p>המורה עומד על יד הלוח معلم کنار تابلو ایستاده است</p>	<p>הוא כותב על הלוח او روی تابلو می نویسد</p>	
<p>התלמידה יושבת دانش آموز (دختر) نشسته است</p>	<p>היא כותבת המחברת מן הלוח او از تابلو در دفتر می نویسد</p>	
<p>על יד תלמידה יושב תלמיד کنار آن دانش آموز (دختر) دانش آموز (پسر) نشسته است .</p>	<p>הוא קורא , הוא קורא בספר עברי او می خواند . او کتاب عبری می خواند.</p>	
<p>התלמיד לומד עברית شاگرد (پسر) عبری می آموزد</p>	<p>גם התלמידה לומדת עברית וקוראת בספר עברי شاگرد (دختر) هم عبری می آموزد و کتاب عبری می خواند</p>	
<p>בשעור המורה שואל בעברית در (کلاس) درس ، آن معلم به عبری سؤال می کند.</p>	<p>והתלמיד עונה בעברית و شاگرد به عبری پاسخ می دهد .</p>	
<p>עכשיו רמין יודע מעט עברית اکنون رامین کمی عبری می داند .</p>	<p>וגם חנה יודעת מעט עברית و همچنین حنا نیز کمی عبری می داند .</p>	
<p>עכשיו רמין שואל את חנה حالا رامین از حنا سؤال می کند</p>	<p>וחנה עונה לרמין בעברית و حنا به عبری به رامین جواب می دهد .</p>	
<p>רמין מדבר פרסית رامین فارسی صحبت می کند</p>	<p>וחנה מדברת עברית و حنا عبری صحبت می کند .</p>	
<p>חנה שואלת עברת حنا عبری سؤال می کند</p>	<p>ורמין עונה לחנה בפרסת و رامین به فارسی به حنا جواب می دهد .</p>	

نکته: به تفاوت صفات و اسامی در زن و مرد توجه کنید. در بسیاری از موارد با افزودن **ה** به آخر صفت یا اسم یا برخی افعال، تغییر حالت به مونث صورت می گیرد.

אִישׁ מֵרֵד		אִשָּׁה זֵנ
זֶה דָּוִד	این داوید است. این حنا است.	זֹאת חַנָּה
זֶה חָבֵר	این، دوست است.	זֹאת חֲבֵרָה
זֶה תְּלָמִיד	این، شاگرد است.	זֹאת תְּלָמִידָה
זֶה מוֹרֶה	این، معلم است.	זֹאת מוֹרָה
תְּלָמִיד טוֹב	دانش آموز خوب	תְּלָמִידָה טוֹבָה
סֵפֶר יָפֵה	کتاب زیبا – تابلوی زیبا	תְּמוּנָה יָפֵה
הוא גֵּר	او زندگی می کند (ساکن است).	היא גֵּרָה
הוא עוֹנֶה	او جواب می دهد.	היא עוֹנֶה
סֵפֶר רֵאשׁוֹן	کتاب اول – دفتر اول	מַחְבֵּרַת רֵאשׁוֹנָה
אִישׁ יָפֵה	مرد زیبا – زن زیبا	אִשָּׁה יָפֵה
לוּחַ חֲדָשׁ	تابلوی تازه – کلاس جدید	כַּתָּבָה חֲדָשָׁה
שְׁעוֹר שְׁנִי	درس دوم – گفتگوی دوم	שִׁיחָה שְׁנִיָּה

کلمات جدید: میلیم חדשות

1- אולפן	2- מורה	3- מורה	4- תלמיד	5- תלמידה
اولفان	مُورِه	مُورا	تَلْمִיד	تَلْمִידָה
(آموزشگاه زبان)	معلم (مرد)	معلم (زن)	شاگرد (مرد)	شاگرد (زن)
6- כיתה	7- لوح	8- ספר	9- קורה	10- קוראת
کیتا	لووُخ	سِفֵר	قُورِه	قُورֵת
کلاس	تخته سیاه – تابلو	کتاب	می خواند (مرد)	می خواند (زن)
11- لומد	12- لומדת	13- יודע	14- יודעת	15- מעט
لُومِد	لُومِدֵת	يُودِع	يُودَعَت	مِعَط
می آموزد (مرد)	می آموزد (زن)	می داند (مرد)	می داند (زن)	کم

16- שׂוֹאֵל שׂוֹעֵל מי پرسد (مرد)	17- שׂוֹאֵלָה שׂוֹעֵלָה מי پرسد (زن)	18- עֹנֶה עֹנֶה جواب می دهد (مرد)	19- עֹנֶה עֹנָה جواب می دهد (زن)	20- תְּמוּנָה תְּמוּנָה عکس - تصویر
21- מְדַבֵּר מְדַבֵּר صحبت می کند (مرد)	22- מְדַבֵּרָה מְדַבֵּרָה صحبت می کند (زن)	23- עֹמֵד עֹמֵד می ایستد - ایستاده است.	24- עֹמֵדָה עֹמֵדָה ایستاده است (زن)	25- פְּרִסִית פְּרִסִית فارسی
26- חָבֵר חָבֵר دوست	27- חֲבֵרָה חֲבֵרָה دوست (زن)	28- אֵת אֵת از - را	29- לְ- לְ- برای	

*** اعداد 20 الی 90**

20	עֶשְׂרִים	عِسریم	60	שִׁשִּׁים	شیشیم
30	שְׁלֹשִׁים	شَلوشیم	70	שִׁבְעִים	شیوعیم
40	אַרְבָּעִים	أرباعیم	80	שְׁמוֹנִים	شموتیم
50	חֲמִישִׁים	خمیشیم	90	תְּשַׁעִים	تیشעیم

*** تمرین רשימה קרא ונדבר بخوان و صحبت کن!**

את מי אתה שואל ?	- אני תלמיד - בבית אני לומד את השעור בכתה אני שואל את המורה, ברחוב אני שואל את האיש :
למי אתה אומר ?	- אני אומר ליעקב : שלום חבר לאסתר אני אומר : שלום חברה
מה אתה יודע ?	- אני קורא מעט, אני כותב מעט, אני גם מדבר מעט עברית , היא מדברת לא מעט

عبری بیاموزیم

درس هشتم

<p>בְּחֶדֶר הַיּוֹהָ גַּר גֵּם יוֹסֵף בְּחֶדֶר הַזֶּה גַּר גֵּם יוֹסֵף در این اتاق زندگی می کند همچنین یوسف</p>	<p>רָמִין גַּר אֶצֶל מִשְׁפַּחַת אִימָנִי בְּחֶדֶר גְּדוֹל رامین گار اصیل میسپخت ایمانی بحدر گادول رامین زندگی می کند نزد خانواده ایمانی در اتاقی بزرگ.</p>
<p>רָמִין וְיוֹסֵף לוֹמְדִים עֶבְרִית . הֵם לוֹמְדִים יַחַד בְּאוּלְפָּן رامین و یوسف اکنون عبری می آموزند ، آنها با یکدیگر در آموزشگاه بزرگسالان ، می آموزند .</p>	
<p>בְּשַׁעוֹר הֵם יוֹשְׁבִים זֶה עַל יַד זֶה در (کلاس) درس آنها یکی کنار دیگری می نشیند .</p>	<p>רָמִין וְיוֹסֵף חִבְּרִים טוֹבִים رامین و یوسف دوستان خوبی هستند .</p>
<p>עֶבְרִית הֵם יוֹדְעִים מְעַט עֶבְרִית اکنون آنها کمی عبری می دانند .</p>	<p>בְּבֵית הֵם כּוֹתְבִים וְקוֹרְאִים יַחַד در خانه آنها با یکدیگر می نویسند و می خوانند .</p>
<p>לֹא – לֹא כָּל אִישׁ יוֹדֵעַ אֶת הַשָּׁפָה نه ، هر کسی این زبان را بلد نیست .</p>	<p>הֲאֵתֶם מְדַבְּרִים רַק עֶבְרִית בְּשַׁעוֹר ? שׂוֹאֵל אִמָּה آیا شما در کلاس درس فقط عبری صحبت می کنید؟ مادر می پرسد.</p>
<p>בְּמִשְׁפָּחָה אִימָנִי יֶלֶד קָטָן פָּיִם וְיִלְדָה קְטָנָה נוֹשִׁין در خانواده ایمانی پسر کوچکی (به نام) پیام و دختر کوچکی (به نام) نوشین (زندگی می کنند).</p>	
<p>הַיְלָדִים הַקְּטָנִים הָאֵלֶּה לוֹמְדִים בְּבֵית-הַסֵּפֶר . הֵם לוֹמְדִים עֶבְרִית این بچه های کوچک در مدرسه تعلیم می بینند . آنها عبری می آموزند .</p>	
<p>אַתֶּם יְלָדִים קְטָנִים ? مگر شما بچه (پسران کوچک) هستید ؟</p>	<p>נוֹשִׁין שׂוֹאֵלֶת אֶת רָמִין וְיוֹסֵף : نوشین از رامین و یوسف سؤال می کند .</p>
<p>לֹא עוֹנִים רָמִין וְיוֹסֵף אֲנַחְנוּ לֹא יְלָדִים קְטָנִים . אֲנַחְנוּ גְּדוֹלִים رامین و یوسف جواب می دهند : نه ، ما پسران کوچکی نیستیم ، ما بزرگ هستیم .</p>	
<p>לֹא . אֲנַחְנוּ לוֹמְדִים בְּאוּלְפָּן نه ، ما در آموزشگاه درس می خوانیم</p>	<p>אָבֵל אַתֶּם לוֹמְדִים בְּבֵית הַסֵּפֶר اما شما در مدرسه درس می خوانید !</p>
<p>בְּאוּלְפָּן ? - בֵּן הָאוּלְפָּן הוּא בֵּית-הַסֵּפֶר לְגְּדוֹלִים در آموزشگاه ؟ - بله ، آموزشگاه ، مدرسه ای است برای بزرگسالان .</p>	

عبری بیاموزیم

درس نهم

<p>יִצְחָק פּוֹעֵל , הוא עוֹבֵד בְּבֵית-הַרְשָׁתוֹ, יִיִּסְחָק פּוֹעֵל . הוּא עוֹוֹד בּוֹת חֲרֻשֶׁת . אִסְחָק קַרְגֵר אֵסֵת . אוּ דֵר קַרְחָנֵה קַר מִי כֵּנֵד .</p>	<p>גַּם חֲנָה פּוֹעֵלֶת , גַּם הִיא עוֹבֵדֶת בְּבֵית-הַרְשָׁתוֹ, גַּם חָנָה פּוֹעֵלֶת . גַּם הִי עוֹוֹדֶת בּוֹת חֲרוּשֶׁת . חָנָה נִיִּז קַרְגֵר אֵסֵת . אוּ נִיִּז דֵר קַרְחָנֵה קַר מִי כֵּנֵד .</p>
<p>יִצְחָק קָם בְּבֹקֶר בְּשַׁעַר שֵׁשׁ , אִסְחָק סָבִיחַ דֵר סָאֵת 6 בְּרִמִי חִיִּזֵד .</p>	<p>בְּשַׁעַר שֵׁבַע הוּא הוֹלֵךְ מִן הַבַּיִת אֶל בֵּית הַהֲרָשָׁת לְעִבּוּדָהּ, אוּ דֵר סָאֵת 7 בְּרַאי קַר אִז חָנֵה בֵּה קַרְחָנֵה מִי רוּד .</p>
<p>חֲנָה קָמָה בְּשַׁעַר חֲמִשׁ , חָנָה דֵר סָאֵת 5 (אִז חּוּבָב) בְּרִמִי חִיִּזֵד .</p>	<p>הִיא נוֹתֶנֶת לִילָד וְגַם לִיצְחָק אַרְוִיחַת-בֶּקֶר . אוּ בֵּה בֵּיִּה וּהַמְּיָנִין בֵּה אִסְחָק סָבִיחָנֵה מִי דֵּהֵד .</p>
<p>אַחֲרֵי-כֵן הִיא הוֹלֶכֶת עִם הַיָּלָד לְבֵית-הַיְלָדִים. פֶּסֶס אִז אִיִּן אוּ בָּא בֵּיִּה בֵּה מֵהֵד קוּדֵק מִי רוּד .</p>	<p>בְּשַׁעַר שֵׁבַע הִיא הוֹלֶכֶת לְעִבּוּדָהּ, דֵר סָאֵת 7 אוּ בְּרַאי קַר מִי רוּד .</p>
<p>יִצְחָק עוֹבֵד שְׁמוֹנֶה שָׁעוֹת בַּיּוֹם, אִסְחָק 8 סָאֵת דֵר רוּז קַר מִי כֵּנֵד .</p>	<p>הוּא גוֹמֵר אֶת הָעִבּוּדָהּ בְּשַׁעַר אַרְבַּע אַחֲרֵי-הַצְּהָרִים , אוּ קַר רָא דֵר סָאֵת 4 בַּעַד אִז זֶהֱרַח חָתֵמֵה מִי דֵּהֵד .</p>
<p>אַחֲרֵי הָעִבּוּדָהּ הוֹלֵךְ יִצְחָק הַבַּיִתָּה, פֶּסֶס אִז קַר , אִסְחָק בֵּה חָנֵה מִי רוּד .</p>	<p>חֲנָה עוֹבֵדֶת שֵׁשׁ שָׁעוֹת בַּיּוֹם , חָנָה 6 סָאֵת דֵר רוּז קַר מִי כֵּנֵד .</p>
<p>אַחֲרֵי הָעִבּוּדָהּ הִיא הוֹלֶכֶת מִבֵּית הַהֲרָשָׁת אֶל בֵּית הַיְלָדִים פֶּסֶס אִז קַר אוּ אִז קַרְחָנֵה בֵּה מֵהֵד קוּדֵק מִי רוּד .</p>	<p>הִיא גוֹמֶרֶת אֶת הָעִבּוּדָהּ בְּשַׁעַר שֵׁתִים , אוּ קַר רָא דֵר סָאֵת 2 חָתֵמֵה מִי דֵּהֵד .</p>
<p>עֶרֶב , יִצְחָק יוֹשֵׁב בְּבֵית וְקוֹרָא עֲתוֹן , שֵׁב אֵסֵת . אִסְחָק דֵר חָנֵה נִשְׁשֵׁתֵה אֵסֵת וּרוּזנָמֵה מִי חּוּוּנֵד .</p>	<p>הִיא בָּאָה הַבַּיִתָּה עִם הַיָּלָד בְּשַׁעַר שְׁלֹשׁ, אוּ הַמְּרָא בֵּיִּה דֵר סָאֵת 3 בֵּה חָנֵה מִי אִיִּד .</p>
<p>רַחֵל וְשָׂרָה עוֹבְדוֹת בְּבֵית-הַהֲרָשָׁת , הֵן פּוֹעֵלוֹת, רָאֵחַל וּסָרָא דֵר קַרְחָנֵה קַר מִי כֵּנֵד . אֵנְהָ קַרְגֵר הִסְתַּנְד .</p>	<p>חֲנָה עוֹבֵדֶת עִבּוּדוֹת-בַּיִת , הִיא עוֹבֵדֶת בְּבֵית-הַהֲרָשָׁת וְגַם בְּבֵית , חָנָה קַרְהָי חָנֵה רָא אִנְיָא מִי דֵּהֵד . אוּ הַמְּ דֵר קַרְחָנֵה וּהַמְּ דֵר חָנֵה קַר מִי כֵּנֵד .</p>
<p>בְּשַׁעַר אַרְבַּע הֵן גוֹמְרוֹת אֶת הָעִבּוּדָהּ וְהוֹלְכוֹת הַבַּיִתָּה, דֵר סָאֵת 4 אֵנְהָ קַרְחָנֵה מִי דֵּהֵד וּבֵּה חָנֵה מִי רוּד .</p>	<p>הֵן קָמוֹת בְּשֵׁשׁ בְּבֹקֶר וְהוֹלְכוֹת לְעִבּוּדָהּ , אֵנְהָ דֵר סָאֵת שֵׁשׁ סָבִיחַ בְּרִמִי חִיִּזֵּנְד וּבְּרַאי קַר מִי רוּנְד .</p>
<p>הֵן מְדַבְּרוֹת , כּוֹתְבוֹת וְקוֹרְאוֹת מַעֲט עֵבְרִית, אֵנְהָ קָמִי בֵּה עֵבְרִי סָבִיחַת מִי כֵּנֵד , מִי נוֹיִסֵּנְד וּמִי חּוּוּנֵד .</p>	<p>בְּעֶרֶב הֵן הוֹלְכוֹת לְאוּלְפָּנִית וְלוֹמְדוֹת עֵבְרִית , הַנְּגָאֵם עֵסֶר אֵנְהָ בֵּה אִמּוּזִשְׁגָּה (קוּדְיָק) מִי רוּנְד וּעֵבְרִי מִי אִמּוּזֵנְד .</p>
<p>אֵתֵן תְּלִמִּידוֹת טוֹבוֹת – אוֹמֵר הַמּוֹרָה לְרַחֵל וּלְשָׂרָה , «שָׁמָּה שָׂאֵגְרָדָאֵן חּוּבִי הִסְתִּיד» מַעֲלֵם בֵּה רָאֵחַל וּסָרָא מִי גוֹיִד .</p>	<p>אֵתֵן עוֹבְדוֹת וְגַם לוֹמְדוֹת «שָׁמָּה הַמְּ קַר מִי כֵּנֵד וּהַמְּ דֵר מִי אִמּוּזֵיִד .»</p>

- ערב טוב	- شب بخیر!	- ומה אתה עושה הערב? ו خود تو امشب چه می کنی؟
- ערב טוב חבר	- شب بخیر ای دوست!	- אני לא הולך לתיאטרון, - من به تئاتر نمی روم،
- לאן אתה הולך בערב?	- تو امشب کجا می روی؟	יש לי חמשה ילדים - من پنج فرزند دارم،
- הערב אני הולך לתיאטרון	- من امشب به تئاتر می روم	יש לי תיאטרון בפית, - من در خانه تئاتر دارم!

*** کاربرد شماره ها מספרים**

נקבה	مونث	مذکر	זכר
1 תלמידה אחת	یک دانش آموز		תלמיד אחד
2 שתי מחברות	دو دفترچه	دو کتاب	שני ספרים
3 שלש תמונות	سه عکس	سه دوست	שלושה חברים
4 ארבע כתוב	چهار کلاس	چهار درس	ארבעה שעורים
5 חמש ילדות	پنج دختر بچه	پنج پسر بچه	חמשה ילדים
6 שש תילות	شش سرباز		שישה חיילים
7 שבע חברות	هفت دوست		שבעה חברים
8 שמונה תלמידות	هشت دانش آموز		שמונה תלמידים
9 תשע שיחות	نه گفتگو	نه مبحث درسی	تسעה שעורים
10 עשר פועלות	ده کارگر		עשרה פועלים

*** کلمات جدید :**

1- יום روز	2- בוקר بُوقر صبح	3- צהרונים صاهوريم ظهر	3- ערב عرو عصر - شب	5- פועל بُوعل کارگر
6- עבודה عُودا کار	7- בית-חרשת بِت حروشت کارخانه	8- ארוחה أروحا غذا - خوراک	9- עתון عيتون روزنامه	10- קם قام برمی خیزد (بلند شد)
11- הולך هُولخ می رود	12- עובד عُود کار می کند	13- בא با می آید (آمد)	14- עושה عُوسه انجام می دهد	15- گومر گُومر خاتمه می دهد
16- نותן نُوتن می دهد	17- לאן? ل آن? به کجا?	18- אל ال به (سوی)	19- עם عيم با (به همراه)	20- آخري أخره پس از
21- آتن أتن شما (زنان)	22- هن هن آنها (زنان)	23- הביתה هبيتا به خانه	24- آخري-כן أخره - خن پس از این	

עברי ביאמוזימ

דנס דהמ

השעון מצלצל	השאעון מצלצל	שעת זנג מי זנד.
השעה שיש ורבע (6 1/4)	השאעא שיש ואדוע	שעת שיש ו ריע אסט .
רבקה קמה והולכת לעבודה	ריוקא קאמא והולכת לאעודה	ריוקא ברמי חזיד ו סר קאר מי רוד.
היא עובדת במשרה	הי עוות במיסראד	או דר אדארע קאר מי קנד.
היא פקידה	הי יקידא	או קארמנד אסט .
רבקה מתחילה את העבודה בשעה שבע וחצי בדיוק	היא באה למשרד עשר דקות לפני העבודה	או דע דקיפע קבל אז שרוע קאר בע אדארע מי איד .
והולכת מן העבודה עשר דקות אחרי העבודה	המנהל וכל הפקידים אומרים רבקה היא פקידה טובה	רئيس ו تمام קארמندان מי گویند ריוקא קארמנד חויבי אסט.
רבקה עושה את כל עבודות המשרד	היא כותבת במכונה היא כותבת חשבונות	או מאשין נויסי מי קנד . או חסאב הא רא מי נויסד
לפני הצהרים באים למשרד הרבה אנשים ושואלים הרבה שאלות	ורבקה עונה לכל האנשים	ו ריוקא בע تمام אפראד פאסח מי דעד .
קבל אז ظهر، افراد زیادی به اداره مراجعه می کنند و سؤالات بسیاری می پرسند.	ורבקה עונה לאנשים בטלפון	و ריוקא בע مردم בא تلفن פאסח מי דעד.
רבקה יודעת הכל , ועושה הכל		
ריוקא همه چیز را می داند و همه کارها را انجام می دهد		

הטלפון מצלצל	שלום . פה בית-החרושת "פרדס"
- تلفن זנג מי זנד .	- سلام , اینجا کارخانه «پردیس» است.
שלום . אדון גדעוני במשרד ?	לא . מי מדבר ?
- سلام, آیا آقای גידעוני در اداره هستند ?	- نه , چه کسی صحبت می کند ?
פה חיים צור מדבר . מתי הוא במשרד ?	אדון גדעוני בה למשרד בשעה שתים-עשרה (12)
- این حیم صور است که صحبت می کند. او چه وقت در اداره خواهد ماند?	- آقای گیدעוני در ساعت 12 به اداره می آید .
עכשו הוא בבית- החרושת , מספר הטלפון :	ארבע , שבע , שלש , שתים (4732)
אکنون او در کارخانه است, شماره تلفن او این است :	چهار , هفت , سه , دو , (4732).
תודה, אני יודע את מספר הטלפון	אבל עכשו הוא לא שם
متشکرم , من شماره تلفن را می دانم .	اما او اکنون آنجا نیست .

<p>אָנזי מ'צולל פֿל יום מן هر روز زنگ می‌زنم .</p>	<p>אָנזי מ'צולל פֿל השבוע מן تمام هفته زنگ می‌زنم .</p>
<p>אָנזי מ'צולל וְשואל : אַיפה עכשו אָדון ג'דעוּני ? בְּבית-הַחַרְשֶׁת אומרים : הוא בְּמשך מן זنگ می‌زنم و می‌پرسم، آقای گیدעוני אַכּוּן כּגאסט? در کارخانه می‌گویند : او در اداره است .</p>	<p>אָנזי מ'צולל פֿל היום : בְּבקר מ'צולל , בְּערב מ'צולל מן تمام امروز را زنگ زد، صبح זنگ می‌زنم، عصر זنگ می‌زنم</p>
<p>אַיפה אָדון ג'דעוּני ? אָנזי שואל آقای گیدעוני כּגאסט ? מן این را می‌پرسم .</p>	<p>בְּמשך אומרים : הוא בְּבית-הַחַרְשֶׁת در اداره می‌گویند: او در کارخانه است .</p>
<p>אָדון ג'דעוּני לא פה ולא שם . וְאָנזי שואל וְשואל: אַיפה ג'דעוּני ? אַיפה ג'דעוּני ? آقای گیدעוני نه اینجا است و نه آنجا. و מן مرتب می‌پرسم: گیدעוני کجاست ؟ گیدעוני کجاست ...</p>	<p>סליחה, אָבל אָדון ג'דעוּני עכשו לא פה معذرت می‌خواهم ، اما آقای گیدעוני אַכּוּן اینجا تشریف ندارد .</p>

הימים בשבוע : روزهای هفته

יום ראשון	-	יום א' (אָפֿ)	یکشنبه
יום שני	-	יום ב' (בֵּית)	دوشنبه
יום שלישי	-	יום ג' (גִּמְל)	سه شنبه
<p>שבת (מוצאי-שבת) (ערב שבת)</p> <p>שבת (שבת) (آدینه شبات)</p>			
יום ד' (דָּלַת)	-	יום ה' (הָא)	چهارشنبه
יום ו' (וּו)	-	יום ז' (זָו)	پنجشنبه
	-		جمعه

מה השעה ؟ ساعت چند است ؟

שבע פחות רבע	שש וחצי	שש ורבע	שש (בדיוק)	שתיים-עשרה	אחת-עשרה
یک ربع به هفت	شش و نیم	شش و ربع	شش (دقیق)	دوازده	یازده

کلمات جدید :

1- مَظَر	میسراد	اداره	6- اَدُوْن	آدُون	آقا	11- شَبُوْع	شاووع	هفته	16- بَدِيُوْق	بديوق	دقیقا
2- مَنَهَل	مَنْهَل	رئیس	7- تَوْدَا	تودا	تشکر	12- رَبْع	روع	ربع - 1/4	17- پَاحُوْت	پاخوت	حداقل
3- فִקִיד	پاقید	کارمند	8- سَلِيْحَا	سلیحا	ببخشید	13- هِصِي	حصی	نیم 1/2	18- هَرَبَه	هربه	زیاد
4- مَحُونَا	مَحُونَا	دستگاه تایپ	9- شَاعُون	شاعون	ساعت	14- مَتَحِيل	متحیل	شروع می کند	19- لִפְנֵי	لیفنه	قبل از
5- حִשְׁבוֹן	حشبون	حساب	10- دَقَا	دقا	دقیقه	15- مַצְלָצֵל	مصلصل	زنگ می زند	20- מָתִי	ماتی	چه وقت

קרא ודבר - بخوان و بنویس !

לפני - אני לומד בבית לפני השעור - אנחנו עומדים יחד לפני האוטובוס (אויבוס). אני לומד אחרני יצחק ולפני גדעון - סליחה ! אני לומד לפני האיש הזה .
 מתי ؟ - מתי בה האוטובוס ؟ מתי אתה הולך לעבודה ؟ מתי אתה לומד ؟ מתי אתה מתחיל בעבודה ؟ מתי אתה גומר את השעור ؟
 הרבה - הוא לומד הרבה ויודע הרבה . אני עובד הרבה .
 פחות - הוא יודע מעט - הוא יודע פחות מכל התלמידים .

عبری بیاموزیم

دس یازدهم

המשפחה – خانواده

<p>הבית הגדולה, גילה בת עשרים ואחת (21). دختر بزرگتر، گیل، 21 ساله است.</p> <p>הבן הצעיר, אבנר, הוא בן שש – עשרה (16). پسر کوچک، اونر، 16 ساله است.</p> <p>הבת הקטנה שולמית, היא בת חמש והולכת לגן הילדים. دختر کوچک، شولمیت، 5 ساله است و به مهد کودک می رود.</p> <p>האם עובדת בבית, مادر در کارخانه کار می کند،</p> <p>יורם - בצבא, ושולמית הקטנה בגן – הילדים یورام در ارتش و شولمیت کوچک در مهد کودک.</p> <p>יורם בא הביטה וכל המשפחה יושבת יחד. یورام به خانه می آید و تمام خانواده کنار هم هستند.</p> <p>בשבת גם הם באים למשפחה. در شبات، آنها هم نزد این خانواده می آیند.</p> <p>והדוד דוד בא עם הדודה בת – שבע. و عمو داوید با عمه «בֵּת שׁוֹעַ» می آید.</p>	<p>למשפחה גדעוני שני בנים ושתי בנות. خانواده گیدعونی دو پسر و دو دختر دارند.</p> <p>גילה היא מורה ועובדת בבית-ספר. הבן הגדול, יורם בן תשע – עשרה (19). گیل معلم است و در مدرسه کار می کند. پسر بزرگ، یورام، 19 ساله است.</p> <p>יורם-חיל, הוא בצבא. یورام سرباز است، او در ارتش است.</p> <p>הוא לומד בבית – ספר, בכיתה ו. او در مدرسه و در کلاس ششم درس می خواند.</p> <p>האב עובד כל השבוע במשרד ובבית - החרשת, پدر تمام هفته در اداره و در کارخانه کار می کند.</p> <p>גילה עובדת בבית – הספר, گیل در مدرسه کار می کند،</p> <p>אבל ביום השבת לא עובדים ולא לומדים. اما در روز شبات (شنبه) نه کار می کنند و نه درس می خوانند.</p> <p>לשלמה גדעוני הורים זקנים וגם אח צעיר דוד. شلومو (سلیمان) گیدعونی، والدین کهنسال و همچنین برادر جوانی به نام داوید دارد.</p> <p>סבא בא עם סבתא پدر بزرگ با مادر بزرگ می آید</p> <p>יום שבת הוא יום שמחה למשפחה גדעוני. روز شبات، روز شادی برای خانواده گیدعونی است.</p>
--	--

ארוחת - בוקר – صبحانه

<p>גילה, הבת הגדולה, יושבת על - יד האם. گیل، دختر بزرگ، کنار مادر نشسته است.</p> <p>הכל אוכלים ושותים. همه می خورند و می نوشند.</p>	<p>בקר כל המשפחה יושבת אצל השלחן ואוכלת ארוחת- בקר. صبح است، تمام خانواده کنار میز نشسته اند و صبحانه می خورند.</p> <p>אבנר, הבן הצעיר, יושב על - יד האב, اونر، پسر کوچک، کنار پدر نشسته است،</p> <p>גם שולמית הקטנה יושבת אצל השלחן. شولمیت کوچک هم کنار میز نشسته است.</p> <p>על השלחן – לחם, גבינה לבנה, מרגרינה ורבה. روی میز نان، پنیر سفید، مارگارین (کره) و مربا قرار دارد.</p> <p>- אבא, אני שותה קקאו עם רבה, – אומרת שולמית הקטנה. شولمیت کوچک می گوید: پدر من کاکائو را با مربا می نوشم.</p>
---	--

- למה את שותה עם רבה ? אין סכר בקקאו? - שואל האב.
 پدر می پرسد: چرا تو آن را با مربا می نوشی؟ مگر در کاکائو شکر نیست؟
 לא - עונה הקטנה, - יש סכר בקקאו.
 دختر کوچک جواب می دهد: نه، شکر در کاکائو هست.
 ולמה אבנר שותה תה עם רבה ?
 و چرا او نر جای را با مربا می نوشد ؟
 - אינדבר, - אומרת האם, -יש סכר ויש רבה.
 مادر می گوید مسئله ای نیست، هم شکر هست ، هم مربا.
 אבנר אוהב לשותות תה בלי סכר
 او نر دوست دارد جای را بدون شکر بنوشد
 כן , אמה, - אומר אבנר , גם בבית - ספר שותים בארוחת - מנחה בשעה ארבע תה בלי סכר
 او نر می گوید: بله مادر، در مدرسه هم در عصرانه در ساعت 4، جای را بدون شکر می نوشند .
 ואוכלים לחם שחור ברבה עם תה,
 و نان سیاه را با مربا و به همراه چای می خورند .
 ואני אוהב את זה מאד , מאד.
 من این را خیلی زیاد دوست دارم.

אבנר אנה אוהדת קקאו עם רבה.
 اما من کاکائو را با مربا دوست دارم.
 גם אני אוהבת רבה.
 من هم مربا را دوست دارم.
 שולמית אוהבת לשותות קקאו עם סכר וגם עם רבה.
 شولمیت دوست دارد کاکائو را با شکر و نیز با مربا بنوشد.
 ואוהב לאכול לחם ברבה עם תה
 و دوست دارد نان را با مربا و به همراه چای بخورد.
 כן , אמה, - אומר אבנר , גם בבית - ספר שותים בארוחת - מנחה בשעה ארבע תה בלי סכר
 او نر می گوید: بله مادر، در مدرسه هم در عصرانه در ساعت 4، جای را بدون شکر می نوشند .
 ואוכלים לחם שחור ברבה עם תה,
 و نان سیاه را با مربا و به همراه چای می خورند .
 ואני אוהב את זה מאד , מאד.
 من این را خیلی زیاد دوست دارم.

אבות ישראל - پدران قوم بنی اسرائیل

אברהם אבינו הוא העברי הראשון אברהם (أبراهام)، پدر ما ، اولین عبرانی (عبری) است. לאברהם אשה, שרה. יצחק בן אברהם ושרה. ابراهیم همسری داشت ، به نام سارا. ییصحاق (اسحق) پسر ابراهیم و سارا است. ישמעאל-ל בן אברהם והגר. یשמاعیل (اسماعیل) پسر ابراهیم و هاجر است . יעקב הוא בן יצחק ורבקה. یعقوب (يعقوب) پسر اسحق و ریوفا است. שם יעקב גם ישראל. ליעקב שנים - עשר בנים ובת. نام یعقوب، «اسرائیل» نیز هست. یعقوب دوازده پسر و یک دختر داشت יששכר, זבולون , בנימין , יוסף , דן , נפתלי , גד , ואשר. ییساخار، زوولون، بینامین، یوسف، دان، نفتالی، گاد و אשר، וنام دختر، دینا است. یعقوب و تمام آن فرزندان به مصر آمدند.	הוא גר בארץ - כנען. او در سرزمین کنعان زندگی می کرد. לאברהם גם אשה אחרת, הגר. ابراهیم همچنین همسر دیگری داشت به نام هاگار (هاجر). רבקה אשה ליצחק. ریوفا همسر اسحق است. ליעקב שתי נשים: רחל ולאה. یعقوب دو همسر داشت: راحل و لئا שמות הבנים: ראובן, שמעון , לוי , יהודה, نام پسران چنین است: رتوبن، شیمعون، لوی، יהودا، ושם הבת דינה. יעקב וכל הבנים באו למצרים. و نام دختر، دینا است. یعقوب و تمام آن فرزندان به مصر آمدند.
--	---

کلمات جدید :

1 ארץ	ארص	سرزمین - کشور	21 גברת	گورت	خانم
2 צבא	صاوا	ارتش	22 גן - ילדים	گن یلادیم	مهد کودک
3 אב	آو	پدر	23 שומחה	سیمحا	شادی

4 א	אִם	מادر	24 מָדַשׁ	حاداش	تازه
5 ה	הוֹרִים	والدين	25 וְהִיק	واتيق	کهنه – قدیمی
6 ב	בֵּן	پسر	26 פָּעִיר	صاعير	جوان
7 ב	בֵּת	دختر	27 יָקַן	زاقين	پير
8 א	אָח	برادر	28 נְכוֹן	נאخن	آراسته
9 ס	סָבָא	پدر بزرگ	29 כְּמָה	כמא	چقدر
10 ד	דָּד	عمو (دایی)	30 בָּן-תְּשַׁע(שָׁנִים)	بن تَشَع شانیم	مرد 90 ساله
11 ל	לֶחֶם	نان	31 אוֹכֵל	אוֹחֵל	می خورد
12 ג	גְּבִינָה	پنیر	32 שׁוֹתֶה	شوته	می نوشد
13 ר	רֵיבָה	مربا	33 אוֹהֵב	אוֹהוּ	دوست دارد
14 ד	דָּבָר	مطلب – چیز	34 בְּלִי	בְלִי	بدون
15 ק	קוֹלְנוֹעַ	سینما	35 פְּלוֹם	פְּלוֹם	هیچ چیزی
16 ש	שָׁנָה	سال	36 מְאֹד	מְאוֹד	زیاد
17 ל	לָבוֹן	سفید	37 יָשׁ	יָשׁ	هست – وجود دارد
18 ש	שָׁחוֹר	سیاه	38 אֵין	אֵין	نیست
19 ל	לְמָה?	چرا	39 אֵין – דְּבָר	אֵין דָּוָר	مسئله‌ای نیست
20 ת	תְּלַמֵּיד מִתְחִיל	دانش آموز مبتدی			

קָרָא וְדַבֵּר (בְּחוּן וּסְבִיב):

מְאֹד- יָפֶה מְאֹד. טוֹב מְאֹד. גְּדוֹל מְאֹד. הֶרְבֵּה מְאֹד.
 בְּלִי- תֵה בְּלִי סָכָר.
 לְמָה?- לְמָה אֶתְה אוֹכֵל מְעַט בְּבִקְרָה? טוֹב לְאָכוֹל
 וְלִשְׁתּוֹת אַחֲרֵי הָאֲבוֹדָה - לְמָה אֶתְה עוֹמֵד פֹּה?
 פְּלוֹם- יִצְחָק יוֹדֵעַ מְעַט וְיִצְעֵק לֹא יוֹדֵעַ פְּלוֹם - אֵין
 דְּבָר.
 הוּא תְּלַמֵּיד מִתְחִיל, וְתְּלַמֵּיד מִתְחִיל לֹא יוֹדֵעַ פְּלוֹם.
 דְּבָר- כֹּל דְּבָר הוּא יוֹדֵעַ - אֵין דְּבָר הָעוֹמֵד בְּפָנָי
 הֶרְצוֹן.

בֵּן- יִצְחָק בֶּן אֲבִרְהָם וְשָׂרָה. יִצְעֵק בֶּן יִצְחָק וּרְבֵקָה.
 בֵּת- דִּינָה בֵּת יִצְעֵק וְלֵאָה. לֵאָה בֵּת לֵבָן הָאֲרָמִי.
 אַח- רְאוּבֵן אַח לְשִׁמְעוֹן. שִׁמְעוֹן אַח לִיהוֹדָה.
 רְאוּבֵן, יְהוֹדָה וְשִׁמְעוֹן-אֲחִים . הֵם בְּנֵי - יִצְעֵק.
 אַחֲוֹת- דִּינָה אַחֲוֹת רְאוּבֵן. יֵאָה אַחֲוֹת רַחֵל.
 אַב- אֲבִרְהָם אָב לְיִצְחָק. - יִצְחָק אָב לְיִצְעֵק וְלֵעֶשֶׂן.
 אִם- רְבֵקָה אִם יִצְעֵק. שָׂרָה אִם יִצְחָק.
 הוֹרִים- אֲבִרְהָם וְשָׂרָה הוֹרִים לְיִצְחָק.

עברי ביאמוזימ

דנס דוזהמ

גם בעבודתה שמחה – דר קר קרן שادی ו לזת وجود דארד

- מה אתה עושה בעיר? שואל חיים את עזרא.
 - אני? מה אני עושה? אני לא עושה כלום. אין עקשו עבודה.
 חיים אז עזרא מי پرسד: תו דר שר חקאר מי כני?
 - לא טוב בעיר, עזרא! אומר חיים - בוא אל המושב!
 חיים מי גויד: שר חוב ניסט עזרא, בה דהקדה (קשאורזי) ביא.
 בעיר, יום יש עבודה ויום אין עבודה.
 דר שר, יק רז קר חסט ו יק רז קר ניסט.
 כל השנה אני עובד. פה יש עבודה ויש גם לחם לאכול. ולא רק לחם יש הכל.
 מן דר טמא סא קר מי כנמ. אינא חמ קר חסט ו חמ נאן פראי חורדן. ו נה קקט נאן, חמ חזי חסט.
 - בן, דוד, אני יודע. במושב יש עבודה ויש גם אכל טוב. אבל שמחה אין פה.
 בל, דאוויד, מן מי דאנמ. דר דהקדה חמ קר חסט ו חמ גזאי חוב.
 אין מוסיקה אין בית - קפה אין קולנוע. אין פה כלום!
 מוסיקי ניסט, קהוה-חאנה ניסט, סינמא ניסט.
 -מה אתה מדבר? אין פה שמחה, אתה אומר?
 חזי מי גווי? תו מי גווי אינא שادی ו תפריח ניסט?
 אין מוסיקה? הנה הרדיו! יש מוסיקה כל ערב. אבל אני אומר: השמחה הגדולה
 מוסיקי ניסט? ראדיו חסט! חר עסר, מוסיקי דארד. אא מן מי גווימ: תפריח ברזק,
 היא העבודה במושב. בן גם בעבודה שמחה.
 חמאן קר דר דהקדה חסט. בל, דר קר חמ שادی חסט.

בבית - קפה - דר קהוה-חאנה

יורם בא הביתה. בערב בא חבר אל יורם והם הולכים יחד לבית-קפה. יורם אומר אל האחות גילה:
 יוראמ בה חאנה מי איד. בעד אז זפח דוסטי בה זרד יוראמ מי איד ו אנהא בא חמ בה קהוה-חאנה מי רונד. יוראמ בה חואח - «גילה»- מי גויד:
 - אני הולך עם חבר גד אל בית הקפה. בואי גם את! בבית-הקפה יושבים הרבה אנשים.
 - מן בא דוסט - «גאד»- בה קהוה-חאנה מי רומ. תו חמ ביא! דר קהוה-חאנה עדה זיאדי נחשטה חנד.
 - בבקשה לשבת - אומר יורם, פה טוב לשבת. - אין דבר, אומרת גילה, פה אושם.
 - יוראמ מי גויד: לטפא בנשינדי, אינא פראי נחשטן חוב חסט. גילה מי גויד: חמ ניסט, אינא יא אנא.
 חמלצר בא ושואל: מה אתה רוצה לשות, אדוני? יורם: תנלי, בבקשה, קפה, אבל קפה טוב.
 פישחדמט מי איד ו מי פרסד: אקאימ, שחא חזי מי חואחיד בנחשיד? יוראמ: לטפא בה מן קהוה-בד, אא קהוה-חוב.
 חמלצר: בבית-הקפה הזה יש רק קפה טוב. איזה קפה אתה רוצה? קפה שחור או קפה בקלב?

پیشخدمت: در این قهوه‌خانه فقط قهوه خوب هست. شما چه نوع قهوه‌ای می‌خواهی؟ قهوه سیاه یا شیر قهوه؟
 یورم: تـنـגـלי קפה שחור. מְלַצֵר: וּמָה אֶת רוֹצֵה לְשִׁתּוֹת, גִּבְרֵתִי? גִּילָה: אֲנִי רוֹצֵה מִיץ.
 یورام: به من قهوه سیاه بده. پیشخدمت: و شما برای نوشیدن چه می‌خواهی، بانوی من؟ گیلّا: من آب میوه می‌خواهم.
 מִיץ-תַּפּוּזִים או מִיץ-אֶשְׁכּוּלִיּוֹת. אֶבֶל מִיץ קר. מְאֹד. גַּר: וְאֲנִי רוֹצֵה תֵּה.
 תֵּה חֵם. חֵם מְאֹד.
 آب پرتقال یا آب گریپ فروت. اما آب میوه سرد. خیلی سرد. گاد: و من چای می‌خواهم. چای گرم. خیلی داغ.
 מְלַצֵר: בְּבִקְשָׁה, הִנֵּה הַמִּיץ, הַקֶּפֶה וְהַתֵּה! סְלִיחָה, לְמִי הַמִּיץ, לְמִי הַקֶּפֶה וְלְמִי הַתֵּה?
 پیشخدمت: بفرمایید، این آب میوه، قهوه و چای! ببخشید، آب میوه برای چه کسی، قهوه برای کی و چای برای کدام؟
 یورم: تـنـגـלי אֶת הַקֶּפֶה, לָה תֵּן אֶת הַמִּיץ וְלוֹ אֶת הַתֵּה. גִּילָה: הִזְמִינָה לָא קר. הוּא חֵם.
 یورام: قهوه را به من بدهید، آب میوه را به او بدهید و چای را به ایشان. گیلّا: او! این چیست؟! آب میوه خنک نیست. آن گرم است.
 גַּד: מְלַצֵר! תֵּן-לִי תֵּה אַחֵר. הַתֵּה הַזֶּה לֹא חֵם. הוּא קר
 گاد: پیشخدمت! به من یک چای دیگر بده. این چای گرم است، آن سرد است.
 גִּילָה: לֹא, לֹא, גַּד! אֶתְּה רוֹצֵה לְשִׁתּוֹת חֵם וְאֲנִי נוֹתֵנֶת לָךְ אֶת הַמִּיץ הַחֵם.
 گیلّا: نه نه! گاد! تو می‌خواهی (بنوشی) گرم بنوشی و من به تو این آب میوه گرم را می‌دهم.
 גַּד: וְאֶת רוֹצֵה לְשִׁתּוֹת קר וְאֲנִי נוֹתֵן לָךְ אֶת הַתֵּה הַקָּר. עֲכָשׁוּ הַכֹּל בְּסֻדָּר. טוֹב מְאֹד.
 گاد: و تو می‌خواهی (نوشیدنی) گرم بنوشی و من به تو این چای سرد را می‌دهم. حالا همه چیز درست است. خیلی خوب!

*** صفت مالکیت:**

حرف ל پیشوندی است که عنوان مالکیت را به فرد می‌دهد:

مذکر:	לִי (لی) برای من	לְךָ (لخا) برای تو	לוֹ (لُو) برای او
مؤنث:	לִי (لی) برای من	לְךָ (لاخ) برای تو	לָה (لاه) برای تو

با توجه به نکته فوق، جای خالی را با صفت مالکیت مناسب پر کنید:

- یورم روّצה קפה. יורם אומר למְלַצֵר: תֵּן קפה!
- גילה روّצה מיץ. יורם אומר למְלַצֵר: תֵּן מיץ!
- גד روّצה תֵּה. יורם אומר למְלַצֵר: תֵּן תֵּה!
- גילה אומרת לגַּד: אֲנִי נוֹתֵנֶת אֶת הַמִּיץ הַחֵם.
- גד אומר לגִּילָה: אֲנִי נוֹתֵן אֶת הַתֵּה הַקָּר.

• کلمات اشاره و پرسشی

זֶה (זה)	אֵיזָה? (ای زه) کدام؟	זֶה (زه) این
פֶּה (פה)	אֵיפֶה? (ای فُو) کجا	פֶּה (پُو) اینجا
מָה (مه) چه؟	מָמָה (کَمَا) چقدر	מָמָה (لاما) چرا

کلمات جدید

دهکده	مُوشاو	موشب
پیشخدمت	مِلصَر	مَلْצَر
لطفا - بفرماید	بِوقاشا	بְבַקְשָׁה
شیر	حالاو	חָלָב
آب میوه	میص	מִיץ
پر تقال	تپوز	תַּפוּז
گریپ فروت	اِشکولیت	אֶשְׁכּוּלִית
ترتیب	سِدر	סֵדֶר
ماه	خودش	חֹדֶשׁ
تاریخ	تَریخ	תַּאֲרִיךְ
می خواهد (مذکر)	رُوصِه	רוֹצֵה
دیگر	أحر	אַחֵר
سرد	قَر	קָר
گرم	حَم	חָם
کدام؟	ای زو	אֵיזו
یا	أو	או
بده به من	تِن لی	תֵּן-לִי

מספרים – شمارهها

זָכַר (מזכר)	נִקְבָּה (מונח)
11- אח-ד-עשר	אחת-עשרה
12- שנים-עשר	שתיים-עשרה
13- שלשה-עשר	שלוש-עשרה
14- ארבעה-עשר	ארבע-עשרה
15- חמשה-עשר	חמש-עשרה
16- ששה-עשר	שש-עשרה
17- שבעה-עשר	שבע-עשרה
18- שמונה-עשר	שמונה-עשרה
19- תשעה-עשר	תשע-עשרה

تمرین :

جملات زیر را با کلمات **יש** (هست) و **אין** (نیست) پر کنید:

- 1- הערב אנחנו לומדים . הערב שעות
- 2- היום אתן שותות קפה בקפה.
- היום קפה ו קלב.
- 3- בחדד הזה אין פלום.
- בחדד הזה פסא. ו שלחן.
- 4- המורה לא בא.
- בפיתה יושבים רק התלמידים והתלמידות.
- בפיתה תלמידים. ו תלמידות.
- אבל מורה.
- 5- הפועלים לא עובדים היום בבית-החרשת.
- היום עבודה.

קרא ונדבר (بخوان و صحبت کن)

א- אמור לי : בן או לא ? מה אתה רוצה? מיץ או חלב?
איזה? איזה שיעור אתה לומד עכשיו? איזה לחם אתה אוהב?
איזה מיץ אתה שותה? איזה יום היום?
איזו? איזו תמונה היא זאת? איזו ארוחה היא הטובה?
איזו תלמידה חנה , טובה או טובה מאד?
סדר- בחדר אין סדר , לפני , פסח אנחנו עושים סדר בבית.
בפסח אנחנו עושים "סדר" פסח.
לי- מה הטוב ומה הנכון ? גם לי וגם לך או לא לי ולא לך? תן - לי ותן גם לו !.

عبری بیاموزیم

درس سیزدهم

בְּחִנּוֹת – در مغازه

גְּבֵרֶת גִּדְעוֹנִי בָּאָה אֶל הַחֲנוּת

חַנּוּם גִּידְעוֹנִי בֵּה מַגָּזֶה מִי אֵיבָה .

جدید		
חנוות	חֲנוּת	مغازه
קמח	קֶמַח	آرد
חלה	חֶלָּה	نان(ویژه شبات)
נר	נֵר	شمع
דג	דָּג	ماهی
זמן	זֶמַן	زمان
מאתים	מֵאתִים	دویست
קסף	קֶסֶף	پول (سکه-نقره)
עֶרֶךְ	עוֹדֵף	باقی مانده
קונה	קוֹנֶה	می خرد
משלם	מִשְׁלֵם	می پردازد
צריך	צָרִיךְ	لازم دارد
בזول	בְּזוּל	ارزان
שלוש מאות	שְׁלוֹשׁ מֵאוֹת	سیصد
عود	עוֹד	دیگر - بازهم - هنوز
בסך-הכל	בְּסֵךְ-הַכֹּל	جمع کل
בקבוק	בְּקִבּוּק	بطری
פרדס	פְּרָדֶס	باغ (مرکبات)
מושבה	מוֹשָׁבָה	دهکده
מאה	מֵאָה	صد
ארבע מאות	אַרְבַּע מֵאוֹת	چهارصد
חמש מאות	חֲמִשׁ מֵאוֹת	پانصد
יש מאות	יֵשׁ מֵאוֹת	ششصد
שבע-مאות	שִׁבְעַת מֵאוֹת	هفتصد
שמונה-مאות	שְׁמוֹנֶת מֵאוֹת	هشتصد
تسع-مאות	תִּשְׁעַת מֵאוֹת	نهصد
אלף	אַלְף	هزار

- שלום! מה את רוצה גברתי?

- سلام! خانم، چه می خواهی؟

- آغני روצה גרות. תן לי בבקשה שני גרות גם אגני روצה דג אקוד
من شمع می خواهم. لطفا ۲ شمع به من بده. من همچنین یک ماهی می خواهم.

- آغیזה دگ את روצה؟ קטן או גדול؟

- چه نوع ماهی می خواهی؟ کوچک یا بزرگ؟

- תן לי הקטן בבקשה. בכמה עולה הדג הזה؟

- لطفا آن کوچک را به من بده. قیمت این ماهی چقدر است؟

- הדג הזה עולה בשבע - מאות וחמישים תומנים

- این ماهی 750 تومان می ارزد.

- הו! זה הרבה קסף

- اوه! این که پول زیادی است!

- לא גברתי! הדג הזה טוב מאד

- نه، خانم من! این ماهی عالی است!

אם את משלמת רק שבע - מאות וחמישים תומנים את קונה בזול

اگر تو فقط 750 تومان بپردازی، ارزان خریدی!

מה את רוצה עוד גברתי؟ את לא צריכה חלות לשבת؟

دیگر چه می خواهی، خانم! آیا نان های (مخصوص) «حلا» برای شنبه لازم نداری

- לא השבת آغني لا קונה حלות، آغني عوشة حלות בבית

- نه، من این شنبه نان مخصوص نمی خرم، من نان ها را در خانه درست می کنم.

- אם את עושة حלות - את צריכה קמח לא - כן؟

- اگر تو نان درست می کنی. تو آرد نیاز داری، این طور نیست؟

אם אין קמח אין חלה

اگر آرد نباشد، نان در کار نخواهد بود.

- תודה רבה، יש לי קמח בבית אכל גרות לשבת אין לי. לי גרות.

- خیلی ممنون، من آرد در خانه دارم. اما شمع برای شنبه ندارم. به من شمع بده.

זה הכל. آغني روצה לשلم. آغني צריכה לקחת הפיתה. אין לי זמן

همین، من می خواهم حساب را بپردازم. من باید به خانه بروم. وقت ندارم.

יש לי עוד הרבה עבודה בבית

من در خانه خیلی کار دارم.

- גם לי אין זמן היום ערב - שבת ויש הרבה קונים בקניות

- من هم وقت ندارم. امروز آدینه شنبه (جمعه) است و مشتریان زیادی در مغازه هستند

- סליחה, כמה אני משלמת לך؟

- ببخشید، من چقدر باید به تو بپردازم؟

- בבקשה, הנה החשבון: הדג - שבע - מאות וחמישים תומנים

- خواهش می‌کنم، این حساب (تو) است: ماهی، 750 تومان

והגרות מאה תומנים בסך - הכל: שמונה - מאות וחמישים

و شمع ها 100 تومان. جمع کل: 850 تومان

כמה את נותנת לי? אלה תומנים? אין לי ערך

چقدر تو به من می‌دهی؟ هزار تومان؟ من بقیه آن را ندارم!

אין לך פרוטות? הו סליחה יש לי מאתיים תומנים

پول خرد نداری؟ اوه ببخشید من 2000 تومن دارم

תני לי חמישים תומנים ערך והחשבון בסדר

به من 50 تومان دیگر بده و حساب درست می‌شود.

- שבת שלום

- شبات شالوم.

פעל - הזוהה صرف فعل حال

بیشتر افعال در زبان عبری از سه حرف اصلی (ریشه) تشکیل می‌شود. این سه حرف بر سه قسمت قرار دادی פ-לא-ל (ف-ع-ل) قرار می‌گیرند و شکل‌های مختلف صرف فعل با توجه به این ریشه‌ها انجام می‌گردد. در موارد خاص، ریشه فعل از حروفی تشکیل می‌شود که هنگام صرف، تغییر می‌کنند و یا ریشه آنها بیش از 3 حرف است. در این مبحث، ساده‌ترین حالت، یعنی افعال سه حرفی در زمان حال ساده معرفی می‌شوند.

یک فعل مانند לא מד را در نظر بگیرید. حروف اصلی آن ל - מ - ת هستند (متناظر با 3 حرف פ - ע - ל).

مصدر اکثر این افعال بر وزن לפעול هستند، یعنی ללמוד، صورت‌های مختلف آن بر حسب مفرد یا جمع بودن و مونث و مذکر بودن صرف می‌شود. در جدول زیر، مثال‌هایی از صرف افعال در زمان حال ذکر شده است. به وزن افعال در سطر اول توجه کنید. برای تمرین، خانه‌های خالی جدول را تکمیل کنید.

מصدر	معنی	مذکر (من-تو- او)	مذکر (ما - شما - آنها)	مؤنث (من - تو - او)	مؤنث (ما - شما - آنها)
		אָני - אַתָּה - הוא	אָני - אַתָּה - היא	אַתָּה - אַתָּה - אַתָּה	אַתָּה - אַתָּה - אַתָּה
לפעול		פועל	פועלת	פועלים	פועלות
ללמוד	یاد گرفتن	לומד	לומדת	לומדים	לומדות
לגמור	پایان دادن	גומר	גומרת	גומרים	גומרות
לעבוד	کار کردن(عبادت کردن)	עובד			
לעמוד	ایستادن		עובדת		
לאכול	خوردن			אוכלים	
לאהוב	دوست داشتن				אוהבות
לשתות *	نوشتن	שותה	שותה	שותים	שותות
לקנות *	خریدن		קונה		קונות
לעשות *	انجام دادن-درست کردن		עושה	עושים	
לענות *	جواب دادن	עונה	עונה		
לשבת *	نشستن	יושב	יושבת	יושבים	יושבות
ללכת	(راه) رفتن	הולך	הולכת	הולכים	
לדעת	دانستن	יודע	יודעת	יודעים	יודעות
לגור *	اقامت کردن	גר	גרה	גרים	גרות
לקום *	برخاستن	קם	קמה		
לבוא *	آمدن	בא	באה		
לצרוך *	لازم داشتن	צריך	צריכה	צריכים	צריכות
לרצות *	خواستن	רוצה	רוצה	רוצים	רצות

👉 توجه :

* در برخی صورت های صرف فعل، حالت خاص دارد.

* پس از دو فعل «خواستن» و «لازم داشتن»، فعل بعدی در حالت مصدری استفاده می شود، به عنوان مثال:

- آتةا یوشب , גם הוא روّצה لّسّکت

- آّنی شوّتها . גם آتّן צריכות לّשתות

عبری بیاموزیم

درس چهاردهم

מה לעשות؟ - چه باید کرد؟

אביגדור לומד באוניברסיטה וגר בטברון : עזרא גר באספהן , עכשו אין לו עבודה וגם הוא בא לטהרן. اویگدور در دانشگاه درس می خواند و در تهران زندگی می کند. عزرا در اصفهان زندگی می کند. اکنون او کاری ندارد و او هم به تهران آمده است.

שני החברים הזלכים ברחוב ומשוחחים: יש לי דוד, - אומר עזרא, הדוד שלי הוא פועל בבית-החרשת: این دو دوست در خیابان می روند و صحبت می کنند. عزرا می گوید: من یک عمو دارم. عموی من در کارخانه کار می کند.

דודי עובד הרבה, בבית - החרשת עובדים הרבה, עובדים קשה, אבל הם שמחים מאוד, דודי אומר: عمویم زیاد کار می کند. در کارخانه زیاد کار می کنند، سخت کار می کنند. اما آنها بسیار شادند. عمویم می گوید:

"העבודה היא שמחה", אتمול הייתי אצל דודי בבית-החרשת, הוא אמר לי: עזרא, בוא אל בית-החרשת! "کار یعنی شادی". دیروز نزد عمویم در کارخانه بودم. او به من گفت: عزرا، به کارخانه بیا!

מה לעשות؟ ללכת לבית - החרשת או לא ללכת؟ מה אפה אומר؟ چه باید کرد؟ به کارخانه بروم یا نروم؟ تو چه می گویی؟

קשה להגיד לך מה לעשות, עזרא, - אומר אביגדור, - נכון, בבית-החרשת החיים קשים اویگدر می گوید: عزرا، سخت است که به تو بگویم چه بکنی. درست است، در کارخانه زندگی سخت است.

אבל הדוד שלי אומר: העבודה היא שמחה, זה נכון! אין שמחה בחיים בלי עבודה, גם אני אומר לך: اما عموی تو می گوید: کار یعنی شادی. این درست است. در زندگی بدون کار شادی وجود ندارد. من هم به تو می گویم:

לך לבית-החרשת, עזרא! ועכשו צריך ללכת לאכול,

به کارخانه برو عزرا! و اکنون باید برای غذا خوردن برویم. ما به رستوران می رویم

אַנחנוּ הוֹלְכִים לְמִסְעָדָה לְאָכּוֹל אַרוּחַת צְהָרִים. טוֹב מְאֹד, יֵשׁ לִי תַאֲבוֹן, בְּרוּךְ הַשֵּׁם,
 מָה בֶּה רֶסְטוֹרָן מִי רוֹיֵם תָּא נָהָר בַּחוּרִים. חִילִי עָלִי אֵסֵת. מִן הֵם חֵדָא רָא שְׂכֵר אִשְׁתָּה דָרָם,

וְאֵנִי רוֹצֶה לְאָכּוֹל, הִגֵּד לִי, בְּבִקְשָׁה, אֵיפֹה אוֹכְלִים פֹּה בְּזוּל, וְטוֹב? בְּרַחוּב הַזֶּה יֵשׁ מִסְעָדָה טוֹבָה,
 וּמִן מִי חוֹאֵם גְּזָא בַחוּרִם, לְפָנָה בִּה מִן בִּגּוֹ, אֵינְךָ גְּזָא אֲרָזָן וְחוּב רָא כַּגָּא מִי חוֹרְנֵד? דִּר אֵין חֵיבָאָן רֶסְטוֹרָן חוּבִי וְכוּד דָרָד.

כָּל הַסְטוֹרְנָטִים אוֹכְלִים שָׁם, אֶתְמוּל אֶכְלֵתִי גַם אֲנִי בְּמִסְעָדָה הַזֹּאת וְהֶאֱכַל הִיָּה טוֹב מְאֹד. אַנחנוּ הוֹלְכִים!
 הֵמָּה דַנְשִׁיבִיָּאן דִּר אַנְכָּא גְּזָא מִי חוֹרְנֵד. מִן הֵם דִּירוּז דִּר אֵין רֶסְטוֹרָן גְּזָא חוֹרְדִּם וְגְּזָא חִילִי עָלִי בּוּד. מָה מִי רוֹיֵם!

בְּמִסְעָדָה – דִּר רֶסְטוֹרָן

שְׁלוֹם, חֵבְרִים! מָה אַתֶּם רוֹצִים לְאָכּוֹל? מָה יֵשׁ לָכֶם הַיּוֹם לְאַרוּחַת-הַצְּהָרִים? הִנֵּה הַתְּפָרִיט, בְּבִקְשָׁה לְקִרְוָא!
 סַלַּם דּוֹסְטָאן! שְׂמָא צֶה צִיזִי בְּרָא חוֹרְדֵן מִיל דָרִיד? אֲמוּרוּז שְׂמָא בְּרָא נָהָר צֶה דָרִיד? אֵין סוּרַת גְּזָא (מִנו) אֵסֵת. לְפָנָה בַחוּנִיד!

אַנחנוּ רוֹצִים לְאָכּוֹל וְלֹא לְקִרְוָא! בְּבִקְשָׁה, יֵשׁ לָנוּ מְרָק, דְּגִים וִירְקוֹת. מָה לְתַת לָכֶם? תְּנִי לָנוּ מְרָק.
 מָה מִי חוֹאֵם בַּחוּרִים, נֵה אֵינְכֶה בַחוּנִים! חוֹאֵשׁ מִי כֵנִם, מָה סוּפ, מָהִי וְסִבִּיבָת דָרִים. בִּה שְׂמָא צֶה בַדְהִים? בִּה מָה סוּפ בַדְהִים.

אֵיזָה מְרָק אַתֶּם רוֹצִים? מְרָק-יְרִקוֹת, בְּבִקְשָׁה, לְפָנֵי הַמְרָק תְּנִי לָנוּ מְנָה רַאשׁוֹנָה. מָה יֵשׁ לָכֶם לְמְנָה רַאשׁוֹנָה?
 שְׂמָא צֶה נּוֹע סוּפִי מִי חוֹאֵהִד? סוּפ סִבִּיבָת: לְפָנָה, קִבֵּל אֲז סוּפ בִּה מָה יִישׁ גְּזָא בַדְהִים. בְּרָא יִישׁ גְּזָא צֶה דָרִיד?

יֵשׁ לָנוּ סֵלַט חֵי. סֵלַט שְׁל עֵגְבָנִיּוֹת. וּמָה לְתַת לָכֶם אַחַר כֶּף? דְּג בְּמִיץ עֵגְבָנִיּוֹת אוּ דְג חֵי?
 סַלַּד חָאָם דָרִים. סַלַּד גּוֹגֶה פִּרְנִגִּי. וּפִס אֲז אָן בִּה שְׂמָא צֶה בַדְהִים? מָהִי דִר אָב גּוֹגֶה פִּרְנִגִּי יָא מָהִי "זֵנְדֵה"?

דְּג חֵי!!! אֲנִי לֹא מְבִין, מִי אוֹכֵל דְּג חֵי?
 מָהִי זֵנְדֵה!! מִן נִמִּי פִּהֵם. צֶה כִּסִּי מָהִי זֵנְדֵה מִי חוֹרְד?

לֹא-כֶף, חֵבְרָ! הַדְּג לֹא חֵי, לְדְגִים מִן הַיָּם שְׁלָנוּ, אַנחנוּ קוֹרְאִים "דְּג חֵי".
 אֵין טוֹר נִיסֵת רִפִּיק! אָן מָהִי זֵנְדֵה נִיסֵת. מָה, מָהִי הַיָּם דִּרִיבִי חוֹדְמָאן רָא "מָהִי זֵנְדֵה" מִי מָנִים.

אַנחנוּ קוֹנִים אֶת הַדְּגִים הָאֵלֶּה חֵיִים, זֶהוּ דְּג מִן יַם-תְּזוּר, דְּג מְצִין! טוֹב, תְּנִי לָנוּ שְׂפִי מְנוֹת דְּג חֵי.
 מָה אֵין מָהִי הָא רָא זֵנְדֵה מִי חֵרִים. אֵין מָהִי אֲז "דִּרִיבִי חֵזֵר" אֵסֵת. מָהִי עָלִי! חוּב אֵסֵת, בִּה מָה דּוּ פִּרְס מָהִי זֵנְדֵה בַדְהִים.

וְאַחֲרֵיכֵן לְמַנְהַג הָאֲחֵרוֹנָה תְּהִי לָנוּ מִרְק-פְּרוֹת קָר. הַיּוֹם חֵם מְאֹד , וְכִיּוֹם חֵם טוֹב מְאֹד
 וּפְסָא אֵלֶּיךָ לְבַרְרִים? הָאֲכָל מִצֵּינָא! גַּם אֶתְמוֹל הָיָה הָאֲכָל טוֹב מְאֹד, כֵּן, חֲבָרִים, אֲצִלְנוּ כָּל-יּוֹם הָאֲכָל טוֹב מְאֹד!

לְאֲכֹל מִרְק-פְּרוֹת קָר, סְלִיחָה, אֵין לָנוּ הַיּוֹם מִרְק-פְּרוֹת.
 כִּמְפוֹת (מִיּוֹה) חֲנֵק חוֹרֵד. בִּיחְשִׁיד, אִמְרוֹז כִּמְפוֹת (מִיּוֹה) נִדְאִירִים,

אֵין נוֹתְנָת לְכֶם לְמַנְהַג הָאֲחֵרוֹנָה פְּרוֹת, טוֹב, תְּנִי לָנוּ, בְּבִקְשָׁה, גַּם מִים קָרִים לְשִׁתּוֹת.
 מִן בֶּה עֲנוּן דִּסְר בֶּה שְׁמָא מִיּוֹה מִי דִּהֵם. חוֹב אִסְתְּ, לִפְטָא בֶּה מָא אֶב סִרֵּד בְּרָאי נוֹשִׁידִן הֵם בִּדְהִיד.

אֵין הָאֲכָל, חֲבָרִים? הָאֲכָל מִצֵּינָא! גַּם אֶתְמוֹל הָיָה הָאֲכָל טוֹב מְאֹד, כֵּן, חֲבָרִים, אֲצִלְנוּ כָּל-יּוֹם הָאֲכָל טוֹב מְאֹד!
 גְּזָא חְטוֹר אִסְתְּ, רִפְקָא? גְּזָא עָאלי אִסְתְּ! דִּירוֹז הֵם גְּזָא בִּסְיָר חוֹב בּוֹד. בִּלֵּה דוֹסְטָן, נִרְדַּ מָא הֵר רוֹז גְּזָא בִּסְיָר חוֹב אִסְתְּ!

* * *

افعال جدید (زمان حال)

מصدر	معنى	مفرد مذکر	مفرد مؤنث	جمع مذکر	جمع مؤنث	امر مفرد مذکر	امر مفرد مؤنث
לְהַבִּין	فهمیدن	מְבִין	מְבִינָה	מְבִינִים	מְבִינוֹת	בִּין	בִּינִי
לְתַת	دادن	נוֹתֵן	נוֹתְנָת	נוֹתְנִים	נוֹתְנוֹת	תֵּן	תְּנִי
לְהַגִּיד	اطلاع دادن (گفتن)	מְגִיד	מְגִידָת	מְגִידִים	מְגִידוֹת	הַגִּד	הַגִּידִי

صفات و ضميرهای ملکی

זְכָר מְזָכָר	ضمایر ملکی متصل	برای-تعلق داشتن به ل-	داشتن יש ל-	نداشتن אין ל-	تعلق داشتن به שְׁל-
אֵין	-י	לִי	יֵשׁ לִי	אֵין לִי	שְׁלִי
אֶתְהָ	-ךָ	לְךָ	יֵשׁ לְךָ	אֵין לְךָ	שְׁלְךָ
הוּא	-	לוֹ	יֵשׁ לוֹ	אֵין לוֹ	שְׁלוֹ
אֲנָחְנוּ	-נוּ	לָנוּ	יֵשׁ לָנוּ	אֵין לָנוּ	שְׁלָנוּ
אֶתְכֶם	-כֶּם	לְכֶם	יֵשׁ לְכֶם	אֵין לְכֶם	שְׁלְכֶם
הֵם	-הֶם	לָהֶם	יֵשׁ לָהֶם	אֵין לָהֶם	שְׁלָהֶם

בְּקִבָּה מוֹנֵת

אָנִי	־י	לִי	יֵשׁ לִי	אֵין לִי	שְׁלִי
אֶתְּ	־ךְ	לָךְ	יֵשׁ לָךְ	אֵין לָךְ	שְׁלָךְ
הִיא	־הָ	לָהּ	יֵשׁ לָהּ	אֵין לָהּ	שְׁלָהּ
אֲנִינִי	־נו	לָנוּ	יֵשׁ לָנוּ	אֵין לָנוּ	שְׁלָנוּ
אֶתְּךָ	־כֶּךָ	לְכֶךָ	יֵשׁ לְכֶךָ	אֵין לְכֶךָ	שְׁלְכֶךָ
הֵן	־הֵן	לָהֶן	יֵשׁ לָהֶן	אֵין לָהֶן	שְׁלָהֶן

کلمات جدید:

מסעדה	ميسعادا	رستوران	גַּד	داگ	ماهی	מים	مِים	آب
תפריט	تفریط	صورت غذا-منو	עֲבֹבָנִיָּה	عگوانیا	گوجه فرنگی	מִצֵּיִן	مِصویان	عالی
מְנָה	مانا	(پرس) غذا	יִרְקוֹת	یراقوت	سبزیجات	קֶשֶׁה	قاشه	سخت
תְּאָבוֹן	تئاوون	اشتها	פְּרוֹת	פרוט	میوه جات	חֵי	حی	زنده-خام
מֶרְק	مراق	סוּפ	יָם	يام	دریا	מִבִּין	موبین	فهمیدن
מְשׁוֹחָח	مِسوَحَح	صحبت کردن	אֶתְמוֹל	اتمول	دیروز	אֲחֵר־כֶּךָ	اخر کاخ	بعد از این
לְהַגִּיד	لهگید	اطلاع کردن	שֵׁל	شل	مال ...	שְׁפָה	سافا	زبان
הֵיָה	هایا	بود	אֵיךְ	اِخ	چطور	כֶּךָ	کاخ	اینطور
			אֶהְרֹן	اخرון	آخر			

بخوان و صحبت کن

הֵיָהּ הַיּוֹם יוֹם שְׁלִישִׁי, אֶתְמוֹל הָיָה יוֹם שְׁנַי, הַיּוֹם חֵם. אֶתְמוֹל הָיָה קָר, אֶתְמוֹל הָא לֹא הָיָה בְּפִיט, אֶתְמוֹל (אָנִי) הָיִיתִי בְּקוֹלְנוּעַ, הָיִיתִי בָּא לְפֶן, שְׁלִי לְעִזְרַע דוֹד, הַדוֹד שְׁלוֹ עוֹבֵד קֶשֶׁה, קֶשֶׁה קֶשֶׁה לְעִבוֹד בַּיּוֹם חֵם, לֹא אֶתְמוֹל לְלַמּוֹד עֵבְרִית, הַשְּׁפָה הָעֵבְרִית שְׁפָה חֹא קֶשֶׁה.

عبری بیاموزیم

درس پانزدهم

הפגשה בתחנה המרכזית ملاقات در ایستگاه مرکزی

התחנה המרכזית בטהראן, בתחנה רעש גדול, מכונית באה מכונית יוצאת.
 ایستگاه مرکزی در تهران قرار دارد. در این ایستگاه، سر و صدای زیادی است. خودرویی می آید و خودرویی می رود.

אנשים רבים, נשים וילדים הולכים ורצים, הולכים ממהרים.
 بسیاری از مردان، زنان و کودکان راه می روند و می دوند، حرکت و تعجیل می کنند.

זה יורד מן המכונית ממהר הפיתה, וזה ממהר ורץ מן הקפה אל התור למכונית.
 یکی از خودرو پیاده می شود و با سرعت به خانه می رود، و دیگری عجله می کند و از باجه به صف خودرو می دود.

אביגדור ועזרא בא אל התחנה, אביגדור הלך אל הקפה לקנות פרטים, ועזרה הלך לקנות עתון.
 اویگدور و عزرا به ایستگاه آمدند، اویگدر برای خرید بلیط به باجه رفت، و عزرا رفت که روزنامه بخرد.

עזרא קנה עתון והלך אל הקפה, והנה ראה את אבנר גדעוני עומד משוחח עם חברות וחברים.
 عزرا روزنامه ای خرید و به سمت باجه رفت. او دید که اونیگیدعونی ایستاده است و با دوستان (دختر و پسر) در حال صحبت است.

- שלום, אבנר, - קרא עזרא, - בוא אל הקפה, שם עומד אביגדור בתור, בוא מהר!
 عزرا صدا زد: سلام اونر، بیا به طرف باجه. آنجا اویگدر در صف ایستاده است. سریع بیا!

- שלום אביגדור, - אמר אבנר בשמחה, - מה שלומך؟ כמה זמן לא ראיתי אותך!
 اونر با شادی گفت: سلام اویگدر، حالت چطور است؟ چند وقت است که تو را ندیده ام!

- הו, זמן רב, זמן רב, - אמר אביגדור,
 - اویگدر گفت: او، مدت زیادی است، بله مدت زیادی است.

- לפני שנתיים וחצי גמרתי את הלמודים באולפן ונסעתי לשיכון.
 پیش از دو سال و نیم قبل، درس را در آموزشگاه ابتدایی زبان تمام کردم و به شیراز رفتم (سفر کردم).

עכְּשׁוּ אַתָּה בְּחֹר גְּדוּל, מֵה שְׁלוֹם אָבָא, מֵה שְׁלוֹם אִמָּה וְשׁוֹלְמִית הַקְּטָנָה?
 حالا تو جوان بزرگی شده‌ای. حال پدر چطور است و احوال مادر و شولمیت کوچک چطور است؟

- תּוֹדָה רַבָּה, לְכֹלֶם שְׁלוֹם, לְאֵן אַתֶּם נוֹסְעִים?
 - خیلی ممنون، همه سلامتند. شما به کجا سفر می کنید؟

- אֲנִינָנוּ רוֹצִים לְנוֹסֵעַ לְאַסְפֵּהן אֶל דּוֹדוֹ שֶׁל עֲזָרָא, אֲנִי רוֹצֵה לְרֵאוֹת אֶת הָעִיר.
 - ما می خواهیم به اصفهان برویم، نزد عموی عزرا. من می خواهم آن شهر را ببینم.

עוֹד לֹא רְאִיתִי שָׁם. לְאֵן אַתָּה נוֹסֵעַ?
 هنوز آنجا را ندیده‌ام. و تو به کجا سفر می کنی؟

אֲנִי נוֹסֵעַ עִם הַחֲבֵרִים שְׁלִי לְיִזְרָד מִשָּׁם לְכֶרְמָאן.
 - من با دوستانم به یزد و از آنجا به کرمان سفر می کنم.

- אֲבִיר! - לְרֵאוֹ הַחֲבֵרִים, - בּוֹא מְהֵרָ! עוֹד מְעַט וְאֲנִינָנוּ נוֹסְעִים.
 دوستان صدا زدند: اُونر! سریع بیا! چیزی نمانده که ما حرکت کنیم.

- שְׁלוֹם! - אָמַר אֲבִיר לְעֲזָרָא וְלְאֲבִיגַדוֹר, - לְהִתְרֵאוֹת!
 اونر به عزرا و اویگدور گفت: خدا.احافظ! به امید دیدار!

● تمرین: به صورت‌های مختلف حرف اضافه «אֶת» و صرف فعل «רָאָה - دید» توجه کنید:

יוֹסֵף וְחַנָּה הִלְכוּ בְּרַחוּב, רְאִיתִי אֶת יוֹסֵף וְרְאִיתִי גַם אֶת חַנָּה.
 یوسف و حنا به خیابان رفتند. یوسف را دیدم و حنا را هم دیدم.

רְאִיתִי אוֹתָם, אָבָל הֵם לֹא רָאוּ אוֹתִי.
 آنها را دیدم، اما آنها مرا ندیدند.

אֶמְרִיתִי לָהֶם: רְאִיתִי אוֹתְךָ, יוֹסֵף, וְגַם אוֹתְךָ, חַנָּה, רְאִיתִי, רְאִיתִי אֶתְכֶם, אֶמְרוּלִי:
 به آنها گفتم: من تو را دیدم، یوسف، و نیز تو را حنا، دیدم. شما را دیدم. به من گفتند:

אַתָּה רְאִיתָ אוֹתָנוּ, וְאֲנִינָנוּ לֹא רְאִינוּ אוֹתְךָ.
 تو ما را دیدی، ولی ما تو را ندیدیم.

● احوال پرسی : مہا شلوم؟

- مہا شلومך, יוסף מה שלומךך תנה? מה שלומכם?

حالت چطور است یوسف، و حال تو چطور است حنا؟ حال شما چطور است؟

- شلומי טוב, שלומה טוב, שלומנו טוב! - ומה שלום אבא ושלום אמא?

- حالم خوب است، حال او (مونث) خوب است، حال مان خوب است. و حال پدر و احوال مادر چطور است؟

- شلومو טוב שלומה טוב! شلومם טוב!

حال او (مرد) خوب است و حال او (زن) خوب است. حالشان خوب است!

کلمات جدید

فارسی	تلفظ	عبری
ایستگاه	תַּחְנָה	תַּחְנָה
اتومبیل - خودرو	מְכוּונִית	מְכוּונִית
صدا - همهمه	רֵעֵשׁ	רֵעֵשׁ
باجه - گیشه - صندوق	קוּיָא	קִפָּה
کارت - بلیت	כָּרְטִיס	כָּרְטִיס
نویت - صف	תוֹר	תוֹר
وسط - میان	אִמְצַע	אִמְצַע
آخر	סוּף	סוּף
ملاقات - تماس -	יִגִּישָׁא	פְּגִישָׁה
جوان	בַּחוּר	בַּחוּר
مرکزی	מֵרְכִזִי	מֵרְכִזִי
زیاد	רַב	רַב
خارج شد	יָצָא	יָצָא
یابین رفت (بیاده شد)	יָרַד	יָרַד
دوید	רָצַח	רָצַח
خندید	צָחַק	צָחַק
مسافرت کرد -	נָסַע	נָסַע
دید	רָאָה	רָאָה
زود - با عجله	מְהֵרָה	מְהֵרָה
قبل از	קִדְמָה	קִדְמָה
همیشه	תָּמִיד	תָּמִיד
مرا	אוֹתִי	אוֹתִי
حالت چطور است؟	מַה־	מַה־

صرف زمانی فعل

עֲבָר זמן گذشته (קִדְמָה) (قبلاً)		הוֹדָה זמן حال (עֲכָשָׁו) اکنون
הֵם אֲנֵיהָ (מזכר)	הוּא או (מזכר)	
יִשְׁבוּ	יִשֵּׁב	יּוֹשֵׁב
עֲמִדוּ	עֲמֵד	עוֹמֵד
גָּרְמוּ	גָּמַר	גוֹמֵר
יִרְדּוּ	יִרַד	יּוֹרֵד
אֲכָלוּ	אָכַל	אוֹכֵל
אָמְרוּ	אָמַר	אוֹמֵר
כָּתְבוּ	כָּתַב	כוֹתֵב
לָמְדוּ	לָמַד	לוֹמֵד
קָרְאוּ	קָרָא	קוֹרֵא
יֵצְאוּ	יָצָא	יוֹצֵא
יִדְעוּ	יָדַע	יּוֹדֵעַ
נָסְעוּ	נָסַע	נוֹסֵעַ
שָׁאָלוּ	שָׁעַל	שוֹאֵל
אָהְבוּ	אָהַב	אוֹהֵב
צָחְקוּ	צָחַק	צוֹחֵק

درس شانزدهم

عبری بیاموزیم

הִירְחוֹן בֵּינָה וּמִטְרוּתוֹ מַהְנַמֵּה «בֵּינָה» וְהַדְּפָאָה אֵן

לְכַבּוֹד קוֹרְאִים נְכֻבָּדִים שְׁלוֹם רַב הִירְחוֹן בֵּינָה הַמוּגָשׁ לָכֶם
سلام فراوان بحضور خوانندگان محترم
ماهنامه بینا که به شما (خوانندگان عزیز) تقدیم می گردد

יֹצֵא לְאוֹר עַל יְדֵי מַעְרַכְתּוֹ שֶׁל וַעַד יְהוּדֵי טְהֵרָאן
לְפַעוֹל לְמַעַן מִטְרוּת פְּלִלִיּוֹת שֶׁל
הַחֲנוּךְ

بوسیله هیئت تحریریه انجمن کلیمیان تهران منتشر می شود
بخاطر هدفهای همگانی و اصولی فرهنگ و
تربیت

לְשֵׁרֵת מִטְרוּת פְּנִימִיּוֹת יְהוּדֵי אֵירָאן
בְּדֶרֶךְ פְּלִל הִירְחוֹן יְבִיא לְקוֹרְאָיו
הַעֲנִינִים הַלּוֹ
و برای خدمت آرمانهای داخلی یهودیان ایران می باشد
بطور کلی ماهنامه بینا اطلاعاتی در موضوعات زیر تقدیم
خوانندگان می کند

1 דְּבָרֵי יוֹשֵׁב רֹאשׁ הַחֲנֻקָּה וַעַד יְהוּדֵי פָּרָס מַעְרַכְתּוֹ א' יִשְׁעִיאִי
سخنان رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان ایران و هیئت تحریریه آقای یشایایی = سرمقاله

2 יְדִיעוֹת עַל אֲרָגוֹנִים שֶׁל וְקָהְלָה
اطلاعاتی درباره سازمانهای انجمن کلیمیان

3 עֲנִינֵי חֲגִים וְצוּמוֹת
مطالبی درباره اعیاد و روزه ها

4 סְפוּרִים וְשִׁירִים שֶׁל הַמְּשׁוֹרְרִים יְהוּדֵי פָּרָס
داستانها و اشعار شاعران یهودی ایران

5 **חֲדָשׁוֹת שׁוֹנוֹת עַל חַיֵּי יְהוּדֵי עָרֵי פָּרָס**
اخبار گوناگون درباره زندگی یهودیان شهرهای ایران

6 **יְדְעוֹת עַל הַיְהוּדִים בְּעוֹלָם**
اطلاعاتی درباره یهودیان جهان

7 **מְאָמְרִים עַל עֲנִינֵי חֲנוּךְ מוֹסֵר וְחֻבְרָה**
مقالاتی درباره مسائل تربیتی و فرهنگ، اخلاق و اجتماع

8 **דְּבָרִים בְּעֲנִינֵים אֶקְטוֹאֲלִיִּים**
مطالبی درباره مسائل روز (عصر حاضر)

9 **מְאָמְרִים מְדַעֵי וְדְבָרֵי חֻכְמִים**
مقالات علمی و گفتار دانشمندان

10 **עֲנִינֵי לְשׁוֹן הַקּוֹדֶשׁ וְדִקְדוּק**
موضوعات مربوط به زبان مقدس (عبری) و گرامر

11 **תְּשֻׁבָּה, חִידוֹת, וְשַׁעֲשׁוּעִים לְיִלְדֵים**
جدول، معما، و سرگرمی برای بچه ها

12 **לְקוּיֵי פְּסוּקִים שֶׁל תּוֹרָה**
گلچینی از آیات تنخ (کتب مقدس یهود)

13 **סוּף סוּף עַל יְלָדֵי הַזְּמַן**
و بالاخره درباره تحولات و رویدادهای زمان

קוּרְאִים הַיְקָרִים מְחַקְּקֵים מוֹזְמָנִים בְּזוֹה

از خوانندگان عزیز پیشرفته (در زبان قومی) دعوت می شود

לפרסם מפרי עטם בנושאים הנזכרים לעיל

برای انتشار آثار قلم خود درباره مطلب فوق

לשלוח לנו מאמרים דוקא בתחום החנוף היהודי

مقالات مخصوصا در زمینه های فرهنگ یهودی برای ما بفرستند

כי בינה רוצה לעשות כמיטב יכלתו

زیرا بینا می خواهد آنچه برای بهتر شدن مقدر است انجام دهد.

בכל הכבוד בינה

با تقدیم احترامات بیکران بینا

מלים חדשות لغת جدید

זכר	מחترم	משורר	שاعر	ארגון	سازمان (تشکیلات)
זרחון	ماهانه	ידיעות	اطلاعات (اخبار)	ועד הקהילה	انجمن محلی یهود
מטרה	هدف	מאמר	مقاله	חדשות	اخبار
מונש	تقديم شده	אקטואלי	واقعی	נושא	مطلب - موضوع
יוצא לאור	منتشر می شود	מדעי	علمی	יכלת	توانایی (امکان)
בגליות	کلی - اصلی	תשבץ	جدول	תחום	حد - زمینه - مرز
ענין	موضوع	שעשוע	اسباب بازی (سرگرمی)	חידה	معما
ועד	انجمن - شورا	ילדי הזמן	تحولات زمان	פנימיות	داخلي
הנהלה	هیأت مدیره	מיטב	بهترین	פרסום	انتشار (شهرت)
מערכת	هیأت تحریریه				

תנ"ך (תורה, נביאים, כתובים) תورات, کتاب پیغمبران و نوشته های مقدس

עברי ביאמוזימ

דנס הַפְּדֵהֻם

מְקוֹם טוֹב לְאַשְׁתִּי מְכָנִי חוֹב בְּרַאֵי הַמְּסַרְמ!

אַדוֹנֵי הַקְּפֵאֵי! תֵּן לִי כְּרֵטִיס לְאַשְׁתִּי!
אָאִי בְּלִיט־פְּרוֹשׁ! בֵּה מִן בְּלִיט בְּרַאֵי הַמְּסַרְמ בֵּה.

אַשְׁתִּי אָמְרָה שֶׁהִיא צְרִיכָה מְקוֹם טוֹב. לֹא רֵאשׁוֹן וְגַם לֹא אַחֲרוֹן...
הַמְּסַרְמ גַּפְּת גַּאֵי חוֹבִי (דֵּר אַטוּבוֹס) מִי חוֹאֵד. נֵה אוֹל וְנֵה דֵּר אַחַר ...

הִיא אֹמֶרֶת שֶׁהִיא אוֹהֶבֶת תְּמִיד בְּאַמְצַע לְשִׁבָּת.
אוּ מִי גּוֹיֵד כֵּה דוֹסֵת דַּרֵּד הַמִּישֶׁה דֵּר וּסְט בְּנִשִּׁינֵד.

לֹא, לֹא בְּאַמְצַע, רַק קְצֵת מִן הַצֵּד, כִּי מְשֻׁמָּל וְקְצֵת מִיְמִין... אַתָּה מְבִינֵ?!
אַלְתֵּה נֵה (כַּמֵּלָל) דֵּר וּסְט, כִּפְּט כִּמִּי דוֹר אַז (סַנְדְּלִי) כְּנָרִי, אִינ־טוֹר: כִּמִּי אַז כְּפּ וְכִמִּי אַז רַאסֵת, מִי פִּהְמִי?

מְקוֹם שְׁיִישׁ בּוֹ אֲוִיר וְשֵׁאִינ בּוֹ רוּחַ. מְקוֹם עַל-יַד חִלּוֹן, חִלּוֹן לֹא סְגוּר,
גַּאֵי כֵּה דֵּר אַן הוּא בַּאשֵׁד, וְבַד דֵּר אַן נוֹזֵד. גַּאֵי כְּנַר פִּנְגֵּרֵה, פִּנְגֵּרֵה-אֵי כֵּה בִּסְתֵה נִבַּאשֵׁד,

רַק חִלּוֹן פִּתּוּחַ. גַּם וִילּוֹן צְרִיךְ עַל הַחִלּוֹן...
כִּפְּט פִּנְגֵּרֵה בַּז, הַמְּכִנִּין לַאזֵּם אֵסֵת פִּנְגֵּרֵה, פֵּרֵדֵה הַמְּ דַּאשֵׁתֵה בַּאשֵׁד.

מְקוֹם שֶׁהַנּוֹסֵעַ הַשֶּׁכֵּן אֵינּוּ יֵשֵׁן וְאֵינּוּ מְעַשֵּׂן וְאֵינּוּ מְבִיט כָּל רִגְעַ בְּעֵתוֹן אוּ בְּשַׁעוֹן.
גַּאֵי כֵּה מְסַפֵּר מְגַאוּר אַן נְחוּאֵבֵד וְסִיגָר נִכְשֵׁד וְהֵר לַחֲזֵלֵה (הַמְּ) דֵּר רוֹז־נַמֵּה יַא בֵּה סַאעֵת חִיֵּרֵה נִשׁוּד.

ועוד אשתי אמרה לי, שהיא צריכה נהג טוב. נהג לא זקן ולא צעיר,
 همسرهم همچنین به من گفت که او می خواهد (اتوبوس) راننده خوبی هم داشته باشد. راننده‌ای که نه پیر و نه جوان باشد.

שיודע ומכיר כל מקום, כל עיר.

که همه جا را به خوبی بداند و تمام شهر را بشناسد .

הגברת והאדון רצו מהר מין הקפה אל המכונית,

آن زن و مرد سریع از باجه به طرف اتوبوس دویدند ،

אבל המכונית כבר יצאה מן התחנה ונסעה. אמרתי לה, בא מהר! – אמרה הגברת,

اما اتوبوس قبلاً از ایستگاه خارج شده و رفته بود. آن زن گفت: من به تو گفتم که سریعتر بیا ،

ואתה עומד כל הזמן על יד הקפה ומדבר בלי סוף עם הקפאי!

و تو تمام این مدت کنار باجه ایستاده بودی و بدون پایان با متصدی باجه صحبت می کردی!

נטיות – פעיל , עבר: صرف فعل در باب פעיל، زمان گذشته

או (مرد)	הוא	או (زن)	היא	אני	تو (مرد)	אתה	تو (زن)	את
סגר	בסת	סגרה	סגרת	סגרת	סגרת	סגרת	סגרת	סגרת
אכל	אכל	אכלה	אכלתי	אכלתי	אכלתי	אכלתי	אכלתי	אכלתי
פתח	בاز کرد	פתחה	פתחתי	פתחתי	פתחתי	פתחתי	פתחת	פתחת
גמר	تمام کرد	גמרה	גמרתי	גמרתי	גמרתי	גמרתי	גמרת	גמרת

کلمات جدید:

מְקוֹם	מַאֲוּוּם	אָוִיר	אָוִיר	אָוִיר	אָוִיר	אָוִיר	אָוִיר
מָקָן – جَا	هوا	لحظه	می شناسد	مکیر	مکیر	مکیر	مکیر
צֶדֶק	סֵדֶק	רֹוּחַ	רֹוּחַ	רֹוּחַ	רֹוּחַ	רֹוּחַ	רֹוּחַ
کنار	باد	بست	نگاه می کند	مبیط	مبیط	مبیط	مبیط
שְׂמָאל	שְׂמֹול	שֶׁמֶשׁ	שֶׁמֶשׁ	שֶׁמֶשׁ	שֶׁמֶשׁ	שֶׁמֶשׁ	שֶׁמֶשׁ
چپ	آفتاب	باز کرد	بد	رع	رع	رع	رع
יְמִין	יָמִין	אֹור	אֹור	אֹור	אֹור	אֹור	אֹור
راست	نور	خوابید	کمی	قِصَات	قِصَات	قِصَات	قِصَات
חֶלְוִין	חֶלוֹן	שָׁחִין	שָׁחִין	שָׁחִין	שָׁחִין	שָׁחִין	שָׁחִין
پنجره	همسایه ، همنشین	دود می کند، سیگار می کشد	قبلا	کوار	کوار	کوار	کوار
וִילוֹן	וִילוֹן	נָהָק	נָהָק	נָהָק	נָהָק	نָהָק	نָהָק
پرده	راننده	خواهش می کند		موقش	موقش	موقش	موقش

تمرین: لَهטوت:

افعال زیر را به شکل مذکور صرف کنید:

פִתַח נוشت

לָמַד אִמוּחַת

קָרָא خَوَانِد

יָדַע דָּאָנִסַת

יָשַׁב נִשְׁסַת

אָהַב דּוּסַת דָּאָשַׁת

אָל הַקּוֹרְאִים (سخنی چند) با خوانندگان

בְּרוּךְ הוּא הַיְרַחֵן "בִּינָה" זָכָה לְהַדִּים חַיִּוּבִים

بحمداله ماهنامهٔ بینا با استقبال بی نظیری

מִצַּד אֲנִשֵׁי שֵׁם וְאֲנִשֵׁי חֲנוּךְ בִּיחוד יְהוּדִים בְּפָרָס וּשְׂאָר אֲרָצוֹת.

از طرف افراد مهم (اجتماع) و شخصیت‌های روشنفکر فرهنگی مخصوصاً یهودیان در ایران و سایر کشورها مواجه گشته است.

כָּל הַתְּגוּבוֹת הַדְּגִישׁוּ אֶת הַצּוֹרֵךְ הַחֲשׁוֹב בְּקִיּוּמוֹ שֶׁל כְּתָב עֵת יְהוּדֵי בְּאֶרֶץ זו.

کلیه نظرات نیاز مبرم و ضروری بوجود و بقاء نشریه‌ای یهودی در این کشور،

הַעֲזוֹר לְהַפְצַת הַמְּסוֹרֶת , הַתְּרָבוֹת וְהַשְׁפָּה שֶׁל עִמְנוּ.

که به نشر فرهنگ و تقویت ارکان مذهبی و اخلاق و زبان قومی، کمک می‌نماید تأیید و تأکید نموده‌اند.

תְּגוּבוֹת נִלְהוֹבוֹת נִתְקַבְּלוּ מִקּוֹרְאִים נִכְבָּדִים בְּעָרֵי הַשָּׂדֶה הַרְחֹקוֹת מִטְּהֶרָאן שְׂעָרַיִן

استقبال و عکس‌العمل‌های هیجان‌انگیزی از خوانندگان گرامی که دور از تهران در شهرستان‌های دوردستی که هنوز

נֹתְרוּ בְּהֵן יְהוּדִים הַצְּמֵאִים לְמִלְּהָ עֵבְרִית וְלְהַרְגֵּשׁת קֶשֶׁר עִם הָעָם.

یهودیانی در آن زندگی می‌کنند و تشنهٔ یک کلمهٔ عبری بوده و در خود احساس تماس و رابطه با جامعه خود می‌کنند، دریافت داشتیم.

עַל מְנַת שִׁיְרַחֵן "בִּינָה" יוֹכַל לְשַׁרֵּת אֶת מְטְרוֹתָיו בִּיְעִילוֹת.

به خاطر اینکه «ماهنامهٔ بینا» افتخار خدمت‌گزاری در راه اجرای آرمانهای خود را هرچه موثرتر داشته باشد،

הִנְנוּ מְבַקְּשִׁים אֶת הַקּוֹרְאִים הַיְקָרִים לְהַשְׁתַּתֵּף בּוֹ בְּאוֹפֵן פְּעִיל.

از خوانندگان عزیز تقاضا داریم که بطور فعالانه و مؤثری تشریک‌مساعی فرموده ،

לְכַתּוֹב לָנוּ מְכַתְּבִים (בְּעֵבְרִית אוּ בְּפָרְסִית) הַמְּסַפְּרִים עַל חַיֵּיהֶם וְנוֹשְׂאִים יְהוּדִים שׁוֹנִים.

برای ما نامه و مقالاتی (به عبری یا فارسی) که حاکی از مسائل مختلف زندگی یهودی هستند، نگاشته و برای ما ارسال دارند.

אפילו ידיעות על היהודים בעולם מאמרים על עניני חנוך חברה

حتى اطلاعاتی دربارهٔ یهودیان جهان، مقالاتی دربارهٔ مسائل تربیتی و اخلاق، اجتماع،

ועניני אקטואליים ועל ילדי הזמן. במדת האפשר נפרסם את השאלות עם תשובות בצדן.

و مطالبی دربارهٔ مسائل روز و رویدادهای زمان. سعی بلیغ خواهیم داشت که سؤالات (مکاتبه کنندگان) را با جواب در کنارشان منتشر کنیم.

בדוע שהירחון "בינה" יוצא לאור על ידי מערכת של ועד יהודי טהראן.

مشخص است که «ماهنامهٔ بینا» توسط هیئت تحریریه انجمن کلیمیان تهران منتشر می‌شود.

הכתבת "בינה" היא: טהראן רחוב שיך האדי מספר 385 קומה שלישית.

آدرس «بینا»: تهران خیابان شیخ‌هادی شماره 385 طبقهٔ سوم می‌باشد.

ובסוף המערכת מודה בכל לב בזה לכל העוזרים והמסייעים בהוצאת "בינה"

و در پایان هیأت تحریریه بدینوسیله از کلیهٔ آنانی که در نشر «بینا»

בכתבת חלק מאמרים, תרגום, עצה, והדרכה. בכל הכבוד בינה.

با نوشتن پاره‌ای از مقالات، ترجمه، مشاوره و راهنمایی ما را کمک و پشتیبانی می‌نمایند صمیمانه تشکر می‌نماید. با تقدیم احترامات زیاد «بینا»

מלים חדשות لغات جدید

זָכָה	מוּפָק שָׁד	יְעִילוּת	סוּדְמַנְד - רַאנְדְמַאן	קֶשֶׁר	רַאבְטֶה - גֶרֶה	מְדָה	אִנְדַאזֶה - סַנְגֶש
הָד	אִנְעַאס - פֶרִיַאד שַאדִי	מְסִיעַ	כֶמֶכ־כֶנְנֶדֶה	שָׁרַת	חֶדְמַת	קוּמָה	טֶבְקֶה - קַד
אֲנָשִי שֵׁם	אִפְרַאד מְהֵם אִתְמַאע	נִלְהַב	בֶה הִיגַאן אִמְדַן	בְּיָתֵר	זִיַאדִי	בְּכָל לֵב	אִז סַמִיַם לֵב
תְּגוּבָה	וַאֲכַנְש - עַכְס־עַמְל	הֶפְצָה	אִתְשַׁאֲר - תִירַאז	רְחוּק	דוּר - בַעִיד	תְּגוּמָם	עַמְל תְּרַגְמֶה־כֶרְדַן
הֶדְגִישוּ	תַאֲכִיד־כֶרְדַנְד	עַל מְנַת	בַחְאֻטֶר - בֶה מַנְזוּר	חֶבְרָה	אִנְגְמַן - אִתְמַאע	עֶצָה	מְשׁוּרַת - פֶנְד
כְּתָב עַת	מַגְלֶה - נִשְׁרִיעֶה	הֶרְגָשָׁה	אִחְסַס - עַאפֶה	חֲנוּךְ	תְּרִיבִית - תַעֲלִיַם	הֶדְרָכָה	רַהֲנַמַיִי - רֶהְבְרִי

עברי ביאמוזימ

דנסא תזדחמ

כױה דמאונד הר דמאונד

אבנר בא מדמאונד שמח מאד וספר לאמא: היום היתה העליה יפה מאד.
 «אבנר» אז דמאונד בסיאר خوشحال برگشت ו برای مادر تعریف کرد: امروز صعود بسیار زیبایی کردیم.

בשעה שבע בבקר יצאנו מטהראן במכונית לבומהן
 דר ساعت هفت صبح با اتوبوس از تهران به بومهن حرکت کردیم.

המכונית היתה מלאה נערים מן הנער העובד. וכלם שרו יחד. היתה שמח מאד.
 اتوبوس پر از جوانان کارمند بود و همه شعر می خواندند ، خیلی خوش گذشت.

מבומהן עד רודהן נסענו במכונית. בדרך דמאונד עברנו כפרים רבים והילדים קראו לנו בשמחה: שלום! שלום!
 از بومهن با اتوبוס به رودهن رفتیم. در راه دماوند از دهکده‌های زیادی عبور کردیم و بچه‌ها با شادی ما را صدا می‌زدند: سلام! سلام!

בדמאונד פגשנו את החברים שלנו מכל הארץ מן הצפון ועד הדרום. כל הרחובות הדמאונד היו
 מלאים בני-נער שמחים ושרים.

דר דמאונד دوستانمان را از تمام کشور، شمال تا جنوب ملاقات کردیم. تمام خیابان‌های دماوند پر از پسران جوان بود که ایستاده
 بودند و شعر می‌خواندند.

בשעה חמש בבקר. יצאנו מדמאונד ברגל. האויר היה קר. בחודש אדר השמש עוד לא נותנת חם הרבה.
 در ساعت پنج صبح از رودهن پیاده خارج شدیم. هوا سرد بود. در ماه اذار خورشید دیگر گرمای زیادی نمی‌دهد.

אחרי שעתים היינו כבר בראש-פנה.

بعد از دو ساعت به اول راه رسیده بودیم.

שם ישבנו רבע שעה. יושבים ומביטים על ההרים מסביב. מה יפים הרי הצפון!
 آنجا یک ربع نشستیم، نشسته و به کوههای اطراف خیره شده بودیم. کوههای شمال چه زیبا هستند.

בצהרים באנו בפלור. אחרי ארוחת-הערב אמרו לנו חברי-רודהן:

بعد از ظهر به پلور رسیدیم. بعد از عصرانه دوستان رودهنی به ما گفتند:

לא טוב ללכת בלילה! אם אתם רוצים לישון אצלנו. בבקשה! יש לנו מקום בשבילכם.

درست نیست در شب حرکت کنید. اگر می‌خواهید پیش ما بخوابید، بفرمایید! ما برای شما جا داریم.

- תודה רבה. אמרנו -. באמת רוצים לישון אצלכם.

گفتیم: متشکریم، حقیقت آن است که ما دوست داریم نزد شما بخوابیم.

בבקר הלכנו לדמאונד. שם עמדנו על ראש הקר ושרנו.
 صبح به دماوند رفتیم. آنجا بالای قلّه ایستادیم و شعر خواندیم.

הדרך ארקה היא ורבה. כלם הלכים בדרך עד סופה אבל אני לבד צועד ושורר בשמחה:
 הללויה הללו!

«این راه طولانی است و زیاد؛ همه ما تا آخر راه می‌روییم ولی من تنها قدم می‌گذارم و به شادی شعر می‌خوانم. مدح بگویند خدا را، مدح بگویند.»

لغات جدید

עליה	علیا	صعود	עד	עד	تا	שר	شار	أواز خواند
נער	נער	جوان	בעד	بعد	برای	עבר	عاور	عبور کرد
דרך	דרך	راه	בשביל	بیشویل	برای	מלא	ماله	پُر
רגל	רגל	پا	באמת	به امت	به حقیقت	צפון	صافن	شمال
הר	هر	کوه	סביב	ساویو	اطراف	דרום	دارم	جنوب
לילה	لیلا	شب	ארקה	أروکا	طولانی	לבד	لود	به تنهایی
כפר	کفار	دهکده	סופה	سوفاه	آخر آن	מספר	مسیپر	تعریف می‌کند
שמח	سامح	شاد	צעד	صاعد	قدم برداشت	יצא	یاصا	خارج شد

صرف فعل

فعل بودن - گذشته - مرد	הייתי	היית	היה	היה	היינו	הייתם	היו
فعل بودن - گذشته - زن	הייתי	היית	היתה	היתה	היינו	הייתן	היו
به خاطر - مرد	בשבילי	בשבילך	בשבילו	בשבילנו	בשבילכם	בשבילן	בשבילם
به خاطر - زن	בשבילי	בשבילך	בשבילה	בשבילנו	בשבילכן	בשבילן	בשבילן

عبری بیاموزیم

درس یستم

הבקר دیدار

אביגדור ועזרא באו לבקר אצל הדוד חיים בפרמאן
«אויגדור» ו «עזרא» برای دیدن עمو «חיים» به کرمان رفتند.

- שלום עליכם! - קרא עזרא לדוד חיים. - הבאתי אורח אתי. באתי עם חברי. בבקשה להפיר! - עזרא به עمو حיים گفت: سلام بر شما! یک میهمان با خودم آورده‌ام. با دوستم آمده‌ام. بفرمایید (باهم) آشنا شوید.

- זהו חברי אביגדור, שלמד יחד אתי באולפן לעברית לפני שנתיים. זהו דודי חיים!
این، دوستم اویگدور است که با من در آموزشگاه زبان عبری، دو سال است درس می‌خواند. و ایشان هم عموی من، حיים است.

- עליכם שלום - אמר חיים, - ברוכים הבאים! אנחנו שמחים מאד לאורחים בפרמאן.
- حיים گفت: سلام بر شما. خوش آمدید! ما از حضور میهمانان در کرمان بسیار خوشحال هستیم.

- אביגדור רצה לראות פרמאן והזמנתי אותו ל«ארג-בם»
- اویگدور می‌خواست کرمان را ببیند و من او را برای (دیدن) ارگ بم دعوت کردم.

- יפה עשית, עזרא! בבקשה לשבת! סליחה, חברים, אני רוצה לקרא לאשתי. - کار خوبی کردی، عזرا! بفرمایید بنشینید! خواهش می‌کنم، دوستان، من می‌خواهم همسر را صدا بزنم.

- חנה, בואי הנה! עזרא בא והביא אתו אורח. יש לנו שני אורחים. אורחים יקרים.
بבקשה להפיר את אשתי חנה! حنا! بیا! اینجا عזرا آمده و با خودش میهمان آورده. ما دو میهمان داریم، میهمان‌های عزیز بفرمایید با همسر حنا آشنا شوید!

- אני שמחה מאד להפיר אותך, אביגדור, - אמרה חנה. - אני מפירה אותך כבר מקדם.
عزرا ספר לנו הרבה על חברו הטוב, אביגדור. עכשו אני מפירה אותך מקרוב ואני שמחה מאד. - حنا گفت: اویگدور! من از آشنایی با تو خیلی خوشحالم، من تو را از قبل می‌شناسم، عזرا درباره، دوست خوش، اویگدور زیاد برای ما صحبت کرده است. حالا من با تو از نزدیک آشنا می‌شوم و بسیار خوشحالم.

- גם אני מכיר אתכם מקדם. עזרא ספר לי על דודו חיים ודודתו חנה, והיום באתי לבקור. אני רוצה להכיר אתכם, את האנשים בפרמאן, וגם את המקום, את ארג-בס. -
 من هم شما را از قبل می‌شناسم. عزرا برای من درباره عمویش و زن عمویش حنا، تعریف کرده بود
 وامروز برای دیدن آمدم. من مایلیم که با شما، با مردم کرمان، و با مکان ارگ بم، آشنا شوم.

- سلیחה، אני לא יודעת במה לכבד אתכם-אמרה חנה،-אולי אתם רוצים לאכול? באתם
 מדרך החוקה. - חنا گفت: ببخشید، من نمی‌دانم چگونه از شما پذیرایی کنم، شاید مایل هستید چیزی
 بخورید؟ شما از راه دوری آمده‌اید.

- תודה רבה, -ענו אביגדור ועזרה-אנחנו לא רעבים. אכלנו ארוחת-צהרים טובה ביזד
 לפני הנסיעה. - اویگدور و عزرا گفتند: خیلی ممنون، ما گرسنه نیستیم. ما ناهار خوبی در یزد قبل از
 حرکت خوردیم.

- اولى אתם רוצים לשותות דבר-מה؟ חם או קר؟ -שאלה חנה.
 - حنا پرسید: شاید چیزی برای نوشیدن میل دارید؟ گرم یا سرد؟

- اولى אתם رוצים يין؟ -שאל חיים. حיים پرسید: شاید آب انگور می‌خواهید؟

- אביגדור שותה יין, ואני - תה, - ענה עזרא, - כוס תה טוב לשותות בכל מקום ובכל
 זמן. - عزرا گفت: اویگدور آب انگور می‌نوشد و من، چای. نوشیدن یک پیاله چای در هر زمان و
 مکان خوب است.

- איזה יין אתה אוהב, אביגדור? שאל חיים, - יין מתוק או חמוץ.
 - حיים پرسید، چه نوع آب انگوری میل داری اویگدور؟ شیرین یا ترش؟

- מתוק, רק מתוק, - אמר אביגדור, - اویگدور گفت: شیرین، فقط شیرین.

- חנה שמרה על השלחן תה ויין, והביאה גם עוגות. חنا בר روی میز چای و آب انگور
 گذاشت، و همچنین کلوچه هم آورد.

- בבקשה לאכול עוגה, - אמרה חנה. - חنا گفت: بفرمایید کلوچه بخورید.

- תודה רבה, - אמר אביגדור, אכל מן העוגה ואמר: העוגה, באמת, טובה מאד. -
 اویگدور گفت: خیلی ممنون. او از کلوچه خورد و گفت: این کلوچه، حقیقتاً بسیار عالی است.

נְטִיּוֹת - עֶבֶר (صرف فعل زمان گذشته) – باب فَعَلَ

מصدر	אָנִי	אַתָּה	הוּא	אֲנִחנוּ	אַתֶּם	הֵם
קנינות	קנייתי	קנייתך	קניה	קניינו	קנייתם	קניו
לצללות	עליתי	עלייתך	עלה	עלינו	עליתם	עלו
לשתות	שתיתי	שתיתך	שתה	שתינו	שתיתם	שתו
לרצות	רציתי	רציתך	רצה	רצינו	רציתם	רצו
לעשות	עשיתי	עשיתך	עשה	עשינו	עשיתם	עשו
לענות	ענייתי	ענייתך	ענה	ענינו	ענייתם	ענו

אֲתִי בִּמְנָ (بودن)

זָכַר (مرد) : אֲתִי, אֲתָךְ, אֲתוֹ, אֲתֶנּוּ, אֲתֶכֶם, אֲתֶם . נָקְבָה (זן) : אֲתִי, אֲתָךְ, אֲתָה, אֲתֶנּוּ, אֲתֶכֶן, אֲתֶן.

דוֹכָה	שָׁלִי זֶן עֲמוּי מֵן	דוֹכְתִי זֶן עֲמוּיִם	אִשָּׁה	שָׁלִי הֶמְסֵר מֵן	אִשְׁתִּי הֶמְסֵרֵם
דוֹכָה	שָׁלְךָ זֶן עֲמוּי תוֹ	דוֹכְתְךָ זֶן עֲמוּיִת	אִשָּׁה	שָׁלְךָ הֶמְסֵר תוֹ	אִשְׁתְךָ הֶמְסֵרֵת
דוֹכָה	שָׁלוֹ זֶן עֲמוּי אוֹ	דוֹכְתוֹ זֶן עֲמוּיִשׁ	אִשָּׁה	שָׁלוֹ הֶמְסֵר אוֹ	אִשְׁתוֹ הֶמְסֵרֵשׁ

کلمات جدید

אֲרוּחַ	אוֹרֵיחַ میهمان	מְתוּק	מֵתוּק شیرین	הִבִּיאַ	הוּוּ آورد	אוּלִי	אוּלִי شاید
עוּגָה	עוּגָה کلوچه	חֶמוֹץ	חֶמוֹץ ترش	לְהִזְמִין	لِהִזְמִין دعوت کردن	הִנָּה	הִנָּה اینجا
כּוֹס	כּוֹס لیوان – پیاله	רָעֵב	רָעֵב گرسنه	מְקַבֵּל	مَقْبُول قبول کردن – پذیرفتن	חֶבֶל	חֶבֶל حیف – افسوس
יָקָר	יָקָר عزیز – گران	שָׁבַע	سَوَّع سیر	שָׁם	سَام گذاشت	אֲתוֹ	אֲתוֹ با او
קָרוֹב	قَارِو نزدیک	לְבַקֵּר	لِوَقَر عبادت – بازدید – دیدن کردن	לְכַבֵּד	لِخَبِید پذیرایی کردن		احترام گذاشتن

הימים הראשונים בכפר - روزهای اولیه زندگی در روستا

כאנו אל המקום הזה לפני שלש שנים. כשבאנו הנה לא היה כאן פלום, רק אדמה. ما سه سال پیش به این مکان آمدیم. هنگامی که به اینجا آمدیم، هیچ چیز نبود جز زمین.

אמרו לנו כי האדמה היא טובה וגם מים יש כאן. به ما گفتند این زمین خوب (حاصلخیز) است و آب هم آنجا موجود است.

לא עברו ימים רבים וראינו כי לא די באדמה טובה ובמים, האדמה צריכה גם אדם היודע לעבוד.

روزهای زیادی نگذشته بود که متوجه شدیم فقط زمین خوب و آب کافی نیستند، زمین به فردی نیاز دارد که با کار آشنا باشد.

ואנחנו לא ידענו פלום בעבודה ולא ידענו פלום בחקלאות. و ما نه چیزی از کار می دانستیم و نه هیچ چیز از کشاورزی.

מכפר אחד בא אלינו מדריו חקלאי ותיק, והתחלנו ללמד את עבודת-האדמה. از یک روستا، یک معلم باتجربه کشاورزی نزد ما آمد و یادگیری کار زمین را شروع کردیم.

– “אין-דבר, אמר לנו המדריו, – כל התחלות קשות. כשבאתי בכפר לפני עשרים שנה, היה לנו קשה יותר!”
آن معلم به ما گفت: « هیچ مسئله‌ای نیست، همه آغازها مشکل‌اند. حدود بیست سال پیش هنگامی که به آن روستا رفتم، اوضاع برای ما سخت تر بود.»

ימים קשים היו לנו הימים הראשונים בכפר. וקשה יותר היה בחرف, כשירד גשם. روزهای اولیه در روستا برای ما ایام سختی بودند. سخت تر از آن در زمستان بود، هنگامی که باران می آمد.

בחדש שבט ירדו הרבה גשמים. הדרך אל הכפר היתה מלאה מים. והמכונת המביאה לנו את הפל מן העיר, לא יכלה לעבור בדרך.

در ماه شواط (بهمن) باران سنگینی می‌بارید، راه روستا پر از آب بود، و اتومبیلی که همه چیز را برای ما از شهر می‌آورد، نمی‌توانست از آن راه گذر کند.

آز עוד לא היה לנו כביש. גם חשמל לא היה לנו. בערב ישבנו לאור מנורה. آن زمان هنوز راه شوسه نداشتیم، برق هم نداشتیم. شب زیر نور چراغدان می‌نشستیم.

במים של גשם לא הביאו לנו נפט מן העיר והדלקנו גרות. ואם לא היה גר - ישבנו בחשך.

در ایام بارانی، برایمان از شهر نفت نمی‌آوردند و شمع روشن می‌کردیم. و اگر شمع هم نبود، در تاریکی می‌نشستیم.

כך חיינו אז, רבים לא יכלו לחיות חיים קשים אלה, והלכו אל העיר. آن زمان اینچنین زندگی می‌کردیم، خیلی‌ها نمی‌توانستند چنین سخت زندگی کنند، و به شهر می‌رفتند.

הם הלכו ובאו חדשים. עכשו אנחנו, ברוך השם, תשעים ויש משפחות. آنها می‌رفتند و افراد جدیدی می‌آمدند. شکر خدا، ما اکنون 96 خانوار هستیم.

יש לנו כביש, יש לנו חשמל, יש לנו בית-ספר וגן-ילדים. ما راه داریم، برق داریم، مدرسه و مهدکودک داریم.

(صرف فعل - مؤنث - زمان گذشته)							
مصدر	אני	את	היא	אנחנו	אתן	הן	
خریدن	קניתי	קנית	קנתה	קנינו	קניתן	קנו	
خواستن	רציתי	רצית	רצתה	רצינו	רציתן	רצו	
نوشتن	שתיתי	שתית	שתתה	שתינו	שתיתן	שתו	
دیدن	ראיתי	ראית	ראתה	ראינו	ראיתן	ראו	
انجام دادن	עשיתי	עשית	עשתה	עשינו	עשיתן	עשו	

کلمات جدید

חֶרֶף حُورِف زمستان	אָדָמָה آدَامَا زمین	חֶקְלָאוֹת حَقْلَاؤُوت کشاورزی	מְדַרְיָן مَدْرِيخ معلم - راهنما	אָדָם آدَام آدم
חֶשֶׁךְ حُوشِخ تاریکی	מְנוֹרָה مُنُورَا چراغ - شمعدان	חֶשְׂמֵל حَشْمَل برق	כְּבִישׁ کَوِيش راه شوسه	גֶּשֶׁם گِشِم باران
כָּאֵן کَان اینجا	יָכוֹל يَاخُول می تواند	לְהַדְלִיק لِهَدْلِيْق روشن کردن (آتش)	בַּעַל بَعْل صاحب	כְּפָר کَفَار روستا
כִּי کِي زیرا	יּוֹתֵר يُوتِر بیشتر	אֵז آز آنگاه	בֵּין بَيْن میان	כִּי کِي کافی

درس بیست و نهم

عبری بیاموزیم

בְּדִיחוֹת לְטִיפֵהָ (בְּדִיחוֹת)

הָאוֹרְחִים יָשְׁבוּ וְשׁוֹחָחוּ עִם בְּעַל-הַבַּיִת וּבְעַלְת-הַבַּיִת וְהִנֵּה נִכְנסוּ לְחֶדֶר יֶלֶד וַיִּלְדָּה.
מִיְהַמָּנָן נִשְׁטֵתָה בּוֹדְנָה וּבָא אֲחָאֵי סַחְבַּחָנָה וְחַנַּם סַחְבַּחָנָה סַחְבְּתָה מִי כְּרָדְנָה, כִּי פִּסְרִיכָה וְ
דַּחְטְרִיכָהֵאֵי וָרֵד אֶתָּא שְׁדָנָה:

- בּוֹאוּ הִנֵּה, יֶלְדִים! - אָמַר חַיִּים, - בְּבִקְשָׁה לְהַפִּיר אֶת בֵּיתִי וְאֶת בְּנֵי הַקֶּטָן.
חַיִּים גָּמַל: בְּיָמֵי אֵינְךָ! חֹשֶׁשׁ מִי כִנֵּם בָּא דַּחְטָרָה וְפִּסְרָה כּוֹכְכִים אֲשֶׁרָה שׁוֹיֵד.

- מַה שְׁמֶךָ, יֶלֶד? - שָׁאַל אֲבִיגְדוֹד. - שְׁמִי דָנִי, - עָנָה הַיֶּלֶד
אוֹיגְדוֹר פִּרְסִיד: פִּסְרָה (חַנַּם), אִסְמֵת כִּיִּסְתָה? פִּסְרִיכָה חֹבָב דָּד: אִסְמֵת «דָּנִי» אִסְתָּ.

- וְיָמָה שְׁמֶךָ, יֶלְדָה? - שְׁמִי בְּתִיָה, עָנְתָה הַיֶּלְדָה.
- וְאִסְמֵת תּוֹ כִּיִּסְתָה דַּחְטָרָה (חַנַּם)? דַּחְטְרִיכָה חֹבָב דָּד, אִסְמֵת «בְּתִיָה» אִסְתָּ.

- אֶת מִי אֶתְּ אוֹהֶבֶת יוֹתֵר, אֶת אָבָא אוֹ אֶת אִמָּא? - שָׁאַל עֲזָרָא.
עֲזָרָא פִּרְסִיד: כִּיִּסְתָה רַבִּי שְׁטֵר דּוֹסֵת דָּרִי, פִּדֵר רָא יָא מֵדֵר רָא?

- אֲנִי לֹא יוֹדְעַת ...

- מִן נְדָנָם

- מְדוּעָ אֶתְּ אוֹמְרֶת "לֹא יוֹדְעַת"? בְּאוֹלְפָן לְמִדְנָה "אֲנִי יוֹדְעַת", כִּי לְמִדְנָה בְּדַקְדוּקָה
הָעֵבְרִי.

- כִּיִּסְתָה מִיִּסְתָה "מִן נְדָנָם"? דֵּר אֲמוֹזֶשְׁגָה יָד גְּרַפְתִּים (כִּיִּסְתָה בְּגוֹיִים) «נִמִּי דָנָם», דִּסְטוֹר זְבָן עֵבְרִי רָא
אִינְכִינִין אֲמוֹחְתִים.

- אֲנִי לֹא מְדַבֶּרֶת דְּקוּדוּקָה, אֲנִי מְדַבֶּרֶת עֵבְרִית! - עָנְתָה הַיֶּלְדָה.
דַּחְטְרִיכָה גָמַל: מִן דִּסְטוֹר זְבָן סַחְבְּתָה נִמִּי כִנֵּם, מִן עֵבְרִי סַחְבְּתָה מִי כִנֵּם!

- דְּנִי, לָךְ וּסְגוֹר אֶת הַחֲלוֹן! - אָמְרָה חֲנָה לְיֵלֶד, - קָר בַּחוּץ!
חנא به پسربچه گفت: دانی، برو و پنجره را ببند، بیرون سرد است.

- וְאִם אָסְגוֹר אֶת הַחֲלוֹן, יִהְיֶה חֵם בַּחוּץ? - שָׁאַל דְּנִי.
دانی پرسید: و اگر پنجره را ببندم، آیا بیرون گرم می شود؟

- דְּנִי הוּא חָכָם מְאֹד, - אָמְרָה בְּתִיָּה וְצַחֲקָה.
بتیا گفت: «دانی خیلی عاقل است» و خندید.

- כָּךְ הֵם הַיְלָדִים שָׁלְנוּ. הִרְבָּה בְּדִיחוֹת מְסַפְּרִים עַל הַיְלָדִים הָאֵלֶּה, - אָמְרָה חֲנָה - אֶסְפֵּר
לָכֶם בְּדִיחָה מִבֵּית-הַסֵּפֶר.

חנא گفت: بچه های ما این گونه اند. لطیفه های زیادی درباره این بچه ها تعریف می کنند، یک لطیفه از
مدرسه برایتان تعریف می کنم:

הַמּוֹרָה נִכְנָס לַכֶּתֶף וְשׂוֹאֵל אֶת הַתְּלָמִידִים: מִי לֹא בָּא הַיּוֹם לַשְּׁעוּרָה? מִי חָסֵר?
معلم به کلاس وارد می شود و می پرسد:
غایب است؟
- چه کسی امروز به کلاس درس نیامده؟ کی

הַתְּלָמִידִים אֵינָם עוֹנִים. מְדוּעַ אֵינְכֶם עוֹנִים? - שׂוֹאֵל הַמּוֹרָה.
دانش آموزان جواب نمی دهند.
- معلم می پرسد: چرا جواب نمی دهید؟

- הַמּוֹרָה! - אָוֶמֶר דְּנִי, - הַתְּלָמִידִים הַחֲסֵרִים אֵינָם פּוֹה עֵכָּשׁוּ, וְאֵינָם יְכוּלִים לַעֲנוֹת ...
دانی می گوید: - آقای معلم! دانش آموزان غایب الان اینجا نیستند، و نمی توانند جواب دهند!

אָמַר חַיִּים: הִנֵּה עוֹד בְּדִיחָה:
حییم گفت: این هم یک لطیفه دیگر:

דְּנִי הֵלֵךְ עִם חֲבֵרוֹ אֱלִימֶלֶךְ לַחֲנוּת לַקְּנוֹת גַּפְרוֹרִים. נָתַן לוֹ בַּעַל-הַחֲנוּת קַפְסֶת-גַּפְרוֹרִים.
دانی با الیملیخ دوستش برای خریدن کبریت به مغازه رفتند. مغازه دار به او یک قوطی کبریت داد.

פָּתַח דְּנִי אֶת הַקַּפְסָה, הִבִּיט עַל הַגַּפְרוֹרִים וְאָמַר:
دانی قوطی را باز کرد، به کبریت ها نگاهی انداخت و گفت:

- אָנִי צָרִיךְ גַּפְרוּרִים שְׂרָאשִׁיָּהֶם לְמַעַלָּה, וּפְהָ בְּקַפְסָה הַזֹּאת כָּל הַגַּפְרוּרִים רָאשִׁיָּהֶם לְמַטָּה.
 מן כְּבִרִיתֵיהֶם מִי חוֹאֵם כֵּה שֶׁרְשָׁן רוּ בֶּה בָּלָא בָּשָׂד, וּ דְרֵי אֵינן קוּטִי תֵּמָם צוֹב־כְּבִרִיתֵהָ שֶׁרְשָׁן רוּ בֶּה
 פֶּאִינן אֵסֵת.

- חֲבֵל, -אָמַר בְּעַל־הַחֲנוּת, - אֵינן לִי גַפְרוּרִים אַחֲרַיִם, רַק גַּפְרוּרִים אֶלֶּה יֵשׁ לִי.
 מְגָזֶה־דָר גָּפֵת : חִיפ, כְּבִרִיתֵהָ דִּיגְרִי נִדָּרַם, פֶּקֶט אֵינן כְּבִרִיתֵהָ רָאֵרַם.

יִצְאוּ הַיְלָדִים מִן הַחֲנוּת. צָחַק דְּנִי וְאָמַר לְאַלְיִמְלֶךְ:
 בִּיחֵהָ אִז מְגָזֶה חָרָג שִׁדְּנָה, דָּנִי חֲנִידָה וּ בֶּה אֵימֶלֶךְ גָּפֵת:

- רוֹאֶה אֶתָּה, פֶּמָּה טַפֵּשׁ בְּעַל־הַחֲנוּת! הוּא אָמַר שְׂאֵינן לוֹ גַּפְרוּרִים שְׂרָאשִׁיָּהֶם לְמַעַלָּה!
 מִי בִּינִי צְחָדֵר סָחֵב מְגָזֶה נָדָן אֵסֵת ! גָּפֵת כְּבִרִיתֵהָ מִי כֵּה שֶׁרְשָׁן רוּ בֶּה בָּלָא בָּשָׂד נִדָּרַד!

- לְמָה אֶתָּה צוֹחֵק? -אָמַר אֶלְיִמְלֶךְ, - אוּלֵי, בְּאַמֶּת, אֵינן לוֹ גַּפְרוּרִים אַחֲרַיִם ...
 אֵימֶלֶךְ גָּפֵת : בְּרִי צִי מִי חֲנִידָה? שָׂאֵיב וָאֶעָבֵר כְּבִרִיתֵהָ דִּיגְרִי נִדָּרַד...

کلمات جدید:

ראש זָרוּשׁ	سر	חויץ חֹוֹץ	خارج - بیرون	חכם חָכָם	عقل - اندیشمند	נולד נִוֹלָד	متولد (شده) آینده - عاقبت کار
קפסה קוּפְסָה	جعبه - قوطی	בדיחה בְּדִיחָה	لطیفه - حکایت شیرین	טפיש טַפֵּשׁ	نادان - ابله	למעלה לְמַעַלָּה	رو به بالا
גפרור גַּפְרוּר	(چوب) کبریت	שמים שָׁמַיִם	آسمان	חסר חָסֵר	كسر - کم ناقص	למטה לְמַטָּה	رو به پایین
דקדוק דִּקְדוּק	دستور زبان	אלהים אֱלֹהִים	خداوند (فرشته خدا)	נכנס נִכְנָס	وارد می شود	מדוע מַדּוּעַ	چرا؟

אַרמון גולסטאַן כאַך גלסטאַן

חברי היקר והאהוב מר סולִימאַני אַני מְקוֹנָה שְׁאַתָּה עִם כָּל בְּנֵי מִשְׁפַּחְתְּךָ בְּרִיאים וְשְׂמֵחִים. דוּסַת עֶזִיז וּמְחֻבָּב, אָאָי סִלִּימַנִי אִמִּידוֹאַרַם כִּי חוּדוֹת וּתְמַאם אֵהַל פִּאִמִּילַת סִלַּמַּת וּחוּשְׁחַל בַּאִשִּׁיד. אֶתְמוֹל קִבְּלַתִּי אֶת מִכְתָּבְךָ הַיָּקָר וְשְׂמֵחַתִּי מְאֹד אֵינְךָ יוֹדֵעַ אֵיזָה עֲנֵג גְּרָמָה לִי קְרִיאַת מִכְתָּבְךָ. דִּירוֹז נַאֵמָה בַּאֲרִזְשַׁת רַא דִּרִיַּאֲף דַּאֲשַׁתֵּם וּבִסִּיַּאֲר חוּשְׁחַל שְׁדַּם, נִמִּי דַּאֲנִי כִּי חוּאֲנִדַן נַאֵמַהַת בַּאֲעַחַת כֵּה לְדַתִּי בְּרַאֲי מִן שְׁדַּ.

שְׁאַלְתָּ אוֹתִי אֵיזָה דְּבַר חֲדָשׁ רְאִיתִי בְּזִמַּן הָאַחֲרוֹן בְּעִיר הַבִּירָה. פֶּרְסִידָה בּוּדִי כִּי אַחִירָא כֵּה כִּיז תַּזֵּה־אֵי רַא דִּר פַּאֲיַתְחַת דִּידֵה־אֵם. בַּא וְאַסְפֵּר לְךָ דְּבַר מְעַנִּין

בִּיא תַא בְּרַאֲיַת מוּזוּעַ גַּאֲלַב תוּזֵה־אֵי רַא תַּעֲרִיֵף כִּנֵּם. לְפָנַי שְׂבוּעִיִּים הֶלְכְנוּ עִם חֲבֵרֵי הַמְעַרְכַּת "בִּינָה" לְרַאֲוֹת אֶת אַרְמוֹן גּוֹלְסְתַאן. דּוּ הַפְּתֵה קִיַּל בַּא דּוּסְטַאן הֵיַּתְּ תַּחֲרִירֵה «בִּינָא» בֵּה תַּמַּאשַׁי כַּאַח גִּלְסְטַאן רַפְתִּיֵם. אַרְמוֹן גּוֹלְסְתַאן הוּא אַרְמוֹן יָפֵה וְגָדוֹל שְׁנִבְנָה עַל יְדֵי הַמְּלָכִים הַקּוֹדְמִים שְׁל אֵירַאן מִשׁוֹשְׁלַת קַאֲגֵ'אַרְיָה. כַּאַח גִּלְסְטַאן, כַּאַח זִיבִיא וּבִזְרָגִי אֵסַת כִּי תוּסַף סִלַּטִּיַן קִדִּיֵם אֵירַאן אַז סִלְסִלֵה קַאֲגַרִיֵה בְּנַא שְׁדַּה אֵסַת. הָאַרְמוֹן הַזֶּה נִמְצָא בְּצִפּוֹנוֹ שְׁל רְחִבַּת אַרְךָ חֲצָרוֹ הוּא גָדוֹל מְאֹד אֵינ כַּאַח דִּר שְׁמַאֲל מִידַאן אַרְכַּ וְאַעַף אֵסַת חֵיאַף אַן בִּסִּיַּאֲר בִּזְרָג אֵסַת. יֵשׁ בּוֹ עֲצִים עֲבִים וְזִקְנִים גְּנוֹת יְפוֹת וּבְרִכּוֹת גְּדוֹלוֹת. דִּרְחַת־אֵי קַטּוֹר וּכְהִנְסַאֲל, בַּאֲגֵּה־אֵי זִיבִיא וּחוּז־אֵי בִּזְרָגִי דַּאֲרַד. מְזִרְקוֹת יְפוֹת שׁוֹפְכוֹת מִים חַיִּים בְּבְרִכּוֹת.

פוֹאַר־הַאֵי קִשְׁנִגִּי אָב רׁוֹאן בֵּה מִיַּאן חוּז־הַאֵי מִי־רִיזְנַד. עֲלִינוּ מִמְדְּרָגוֹת הָאַרְמוֹן וְנִכְנְסֵנוּ לְאוֹלָם גָּדוֹל. אַז פִּלֵּה־אֵי קַצֵּר בַּאֲלַא רַפְתֵּה וּוַאֲרַד תַּאֲלַר בִּזְרָג שְׁדִיֵם. כָּל הַקִּירוֹת וְהַתְּקֵרָה שְׁל הָאוֹלָם הַזֶּה מְקֻשְׁטִים בְּמַרְאֹת קִטְנוֹת וְגָדוֹלוֹת תְּמַאֲ דִּיבּוֹאַר־הַאֵי וּסְפַף אֵינ תַּאֲלַר בַּא אֵינֵה־הַאֵי כּוּכָק וּבִזְרָג מִזִּיַן שְׁדַּה אֵסַת. שְׂטִיחִים יְקָרִים מְכֻסִּים אֶת הַרְצָפָה שְׁל כָּל חֲדָרֵי הָאַרְמוֹן. קַאֲלִי־הַאֵי גְרַאנְהַאֲיִי קַף תְּמַאֲ אַתַּף־הַאֵי קַצֵּר רַא פּוּשַׁאֲנִידֵה־אַנְד. כְּתוֹף הָאַרְוֹנוֹת נְרַאִים פְּלִים עֲתִיקִים וִיקָרִים. דִּרְמִיַן גִּנְגִּינֵה (וִיטֵרִיַן)־הַאֵי זֶרְפ־הַאֵי אַנְטִיַק וּגְרַאנְהַאֲיִי דִּידֵה מִי־שׁוֹנַד. מִיַּנִּים שׁוֹנִים שְׁל פְּלִי זֵיַן עֲתִיקִים אַנוֹאַ מִחְתַּף אַז אִסְלַח־הַאֵי קִדִּיֵמי.

כְּמוֹ חֶרֶב, פְּגִיזוֹן, קֶשֶׁת, אֶשְׁפָּה, רוֹמַח, מִגֵּן, שְׂרִיזוֹן, רוֹבָה וְכוּ' רְאִינוּ שְׁם. מִתְּל שְׁמִשִּׁיר, חֲנַגֵּר, כִּמַּאן, תְּרַכּוּשׁ, נִיזֵה, סִיַּר, זֵרֵה, תַּפְנִג וּגְיֵרֵה רַא דִּר אַנְגַּא דִּידֵם.

כּסא המלכות הָיָה יָפֵה מְאֹד.

تخت سلطنتی بسیار زیبا بود.

אֲלֵפֵי חֲתִיכוֹת שֶׁל יְהֻלּוּם, בְּרֻקָּת, וְאָדָם מְקַשְׁשִׁים אֶת הַכּסֵּא הַזֶּה

هزاران قطعه الماس، زمرد و یاقوت این تخت را مزین کرده‌اند.

בְּקִצּוֹר כָּל מָה שֶׁאֶכְתָּב מֵהַיּוֹפֵי שֶׁל הָאֲרָמוֹן הַזֶּה עֲדֵיכֵן מֵעַט הוּא.

خلاصه هر چه از زیبایی این قصر بنویسم هنوز کم است.

אֲנִי מְקַוֶּה שֶׁתּבוֹא לְטַהֲרָאן וְתִרְאֶה אוֹתוֹ בְּעֶצְמְךָ

امیدوارم که به تهران آمده و خودت آن را ببینی.

כְּעַת אֵין לִי לְהוֹסִיף יוֹתֵר מְזֵה

فعلاً بیش از این چیزی ندارم اضافه کنم.

וּבְאֵי-סִבְלָנוֹת רַבָּה אֲנִי מְחַפֶּה לְמַכְתָּבְךָ הַיְקָר

با کمال بی‌صبری منتظر نامه عزیزت هستم.

הַרִישֵׁת שְׁלוֹם רַבָּה לְכֹל בְּנֵי הַמְשֻׁפָּחָה לְקְרוֹבִים וְלִדְיָדִים

سلام زیاد به همه اهل فامیل، خویشان و دوستان برسان.

חֲבֵרָה לְתָמִיד

אֶהְרֹן

דוֹסֵת הַמִּישְׁגָּה תוֹ אֶהְרֹן (הָאֶהְרֹן).

מְלִים חֲדָשׁוֹת כְּלָמַת גְּדִיד

אֶהְרֹן	לֵדָת - חוֹשִׁי	אוֹלָם	תּוֹלָר - סָלָן	פְּגִיוֹן	חֲנַגֵּר	יְהֻלּוּם	אַלְמָס
בִּירָה	פַּיִתְחָת	חֲתָרָה	סֻפָּף - אוֹךְ	קֶשֶׁת	כִּמָּן	בְּרֻקָּת	זֶמְרֵד
אַרְמוֹן	قصر - کاخ	מְקַשֵּׁשׁ	תְּרִינִין שְׂדֵה	אַשְׁפָּה	תְּרַכֵּשׁ	אָדָם	יָאוֹת - עֻקִּי
שׁוֹשֶׁלֶת	سلسله	מְרָאָה	אַיִנֶּה	רוֹמַח	נִיזֵה	סִבְלָנוֹת	صبر - شکیبایی
רַחֲוָה	מִידָן - וְסִיעַ	שְׁטִיחַ	قالی - فرش	מַגֵּן	סִפֵּר	תָּמִיד	הַמִּישֶׁה - דָּאִים
בְּרֻחָה	חוֹצ - אֶסְתַּחַר	אַרְוֹן	דּוֹלָב - גִּנְיִנֶה	שְׁרִיוֹן	זֶרֶה	יָדִיד	דּוֹסֵת
מְזֻרְקָה	فواره	כְּלֵי יָד	אַסְלַח - סְלַח	רוֹבָה	תִּפְנִיג	יּוֹפֵי	זִיבָאִי
מְדֻרְגָּה	پله - درجه	חֲרֹב	شمشیر	חֲתִיכָה	قِطْعָה - תִּיכֶה	מְעִינִין	جالب

חֲכִמַת הָרֶב חַרְדְּמֵנִי פִישׁוֹאֵי רוּחָנִי יְהוּדִי

לְפָנַי שָׁנִים רַבּוֹת בְּמוֹצָאֵי יוֹם הַכַּפּוֹרִים הִתְחִילוּ הַיְהוּדִים בְּעִיר אַחַת לְבְנוֹת אֶת הַסּוּכּוֹת
 چندی سال پیش در شب خروج از کیپور (روزه بزرگ) در یکی از شهرها یهودی ها شروع به ساختن
 سوکا (سایبان) کردند.

وְכָל אַרְבַּעַת הַיָּמִים שָׁבִין יוֹם הַכַּפּוֹרִים וְחַג הַסּוּכּוֹת הָיוּ כָּל הַיְהוּדִים עֹסוּקִים בְּבִנְיַן הַסּוּכּוֹת.
 و تمام چهار روز بین کیپور و عید سوکا را همه ی یهودی ها به ساخت سوکا مشغول بودند.

וְלֹא רַק הָאֲנָשִׁים הַגְּדוֹלִים הָיוּ עֹסוּקִים בְּמִצְוָה זוֹ אֲפִילוּ הַיְלָדִים הַקְּטָנִים עֲזְרוּ לָהֶם בְּבִנְיַן
 הסוכות.

و نه فقط افراد بزرگ به این فریضه مشغول شدند بلکه اطفال در ساخت سوکا به ایشان کمک کردند.

הַיְלָדִים הָלְכוּ אֶל הַיַּעַר וְקָצְצוּ עֵנָפִים שִׂיחָהּ סֶכֶף בְּשִׁבְלֵי הַסּוּכּוֹת.
 بچه ها به جنگل رفته و شاخه های درخت برای پوشش سایبان بریدند.

וְכֹאשֶׁר נִגְמְרוּ הַסּוּכּוֹת קָשְׁטוּ אוֹתָן הַיְלָדִים בְּתַמּוֹנוֹת שׁוֹנוֹת וְתָלוּ בְּכָל סֶכֶה מִיַּי פִּרוֹת.
 و همینکه ساخت سایبان تمام شد. بچه ها آنرا با تصاویر مختلف تزئین کرده و انواع میوه ها در هر سوکا
 آویزان کردند.

בַּיּוֹם הָרִאשׁוֹן שֶׁל חַג הַסּוּכּוֹת בָּא אֶל הָעִיר הַהִיא שֶׁר הַמְּדִינָה הוּא הֵלֶךְ בְּרַחוּבוֹת לְרֵאוֹת אֶת
 הָעִיר

در روز اول عید سوکوت حاکم وقت برای دیدن در خیابان های شهر عبور میکرد.

בְּאֶשֶׁר עָבַר שֶׁר הַמְּדִינָה בְּרַחוּבוֹת הַיְהוּדִים רָאָה אֶצֶל כָּל בֵּית עוֹמֵד בֵּית קָטָן.

همینکه حاکم به خیابان یهودیها رسید مشاهده کرد که در جلوی هر خانه، خانه‌ای کوچک قرار دارد.

שָׁאַל אֶת רֹאשׁ הָעִיר: מָה הֵם הַבָּתִּים הַקְּטָנִים הָאֵלֶּה?

از شهردار پرسید این خانه‌های محقر چیست؟

עָנָה רֹאשׁ הָעִיר: אֵלֶּה הֵן סִכּוֹת שֶׁבָּנוּ לָהֶם הַיְהוּדִים

شهردار جواب داد: این سایبان‌های موقتی می‌باشد که یهودیها برای خودشان ساخته‌اند.

צָוָה שַׂר הַמְּדִינָה בְּכַעַס: מִהָר שֶׁלַח לְקָרָא לִי אֶת רֵב הַיְהוּדִים

حاکم با عصبانیت دستور داد: فوراً کسی را بفرست تا پیشوای مذهبی یهودیها را احضار کند.

שֶׁלַח רֹאשׁ הָעִיר שׁוֹטֵר וְקָרָא לְרֵב . הָרֵב בָּא עֲמֵד לְפָנַי רֹאשׁ הַמְּדִינָה וְאָמַר מָה חֲפִצָּתְךָ

אֲדוֹנָי?

شهردار پاسبانی را مأمور کرد پیشوای مذهبی یهودیها را احضار کرد پیشوا بحضور حاکم حاضر شد و

گفت آقا چه میخواهید؟

מִהָר צָוָה אֶל הַיְהוּדִים שֶׁלְךָ לַהֲיוֹס אֶת הַבָּתִּים הַקְּטָנִים שֶׁלְכֶם.

فوراً به یهودیان دستور بده که خانه‌های محقرتان را خراب کنند.

אָמַר הָרֵב : אֵי אֶפְשָׁר לַהֲרוֹס אֶת הַבָּתִּים הָאֵלֶּה בְּיוֹם אֶחָד תֵּן לָנוּ זְמַן שֶׁל עֶשְׂרֵה יָמִים

پیشوای مذهبی یهودیها گفت: خراب کردن این خانه‌های محقر در یک روز میسر نخواهد شد به ما ده

روز مهلت بدهید.

אָמַר שַׂר הַמְּדִינָה : טוֹב אֲנִי נוֹתֵן לָכֶם זְמַן שֶׁל עֶשְׂרֵה יָמִים לַהֲרוֹס אֶת כָּל הַבָּתִּים הַקְּטָנִים

שֶׁלְכֶם !

حاکم گفت: بسیار خوب، من به شما فرصت میدهم که تمام این خانه‌های محقرتان را خراب کنید.

וְכֵן הָיָה כְּעֵבֶר עֶשְׂרֵה יָמִים עָמְדוּ הַיְהוּדִים וְהָרְסוּ אֶת הַסִּכּוֹת שֶׁלָּהֶם כְּדָת וְכַדִּין

و همینطور شد در انقضای ده روز یهودیان مطابق اصول دین و آئین خود سایبانهای خود را خراب

نمودند.

مبلیس هؤنشوت - کلمات جدید

غير ممکن	ایئ اُفشار	ای اُفشار	خشم - اوقات تلخی	گَعَسْ	فِلاَس	سایبان - کیوسک	سوکا	سُکھا
کشور - ایالت	مدینا	مَدِینَا	شاخه - شعبه	عاناف	لَاف	مشغول	عاسوق	لَافِک
پاسبان - مأمور	شوطر	شَوِطَر	پوشش - سقف موقتی	سَخاخ	سَکَک	ساختمان	بِینیان	بَیْیَن
شهردار	رؤش هاعیر	رَأش هَاعِیر	تزئین - آرایش	قیشوط	کَشوِط	کممک	عزیر	لَافِک
آئین - قانون - داوری	دین	دِین	عکس - شکل	تَمونا	تَمونَا	حتی	اَفیلو	اَفِیلو
مذهب - دین	دات	دَات	وزیر - حاکم	سَر	سَار	جنگل	یَعِر	یَعار
			خراب کردند	هارسو	هَارسو	خردمندی، حکمت، عقل	حُخما	حَکْمَا

عبری بیاموزیم

درس بیست و پنجم

תְּקִיבָה = دستور زبان

تعداد حروف ریشه افعال در زبان عبری ثابت و از این حیث به سه گروه دو حرف اصلی [קָם] (بلند شد)، سه حروف اصلی [פָּתַח] (نوشت)، چهار حرف اصلی تقسیم شده‌اند [צָלַץ] (زنگ زد)، هر گاه در فعلی، در تمام حالات صرف (زمان‌های گذشته، آینده و حال و امر و نهی و منفی و مصدر) تمام حروف ریشه باقی بماند و حتماً ملفوظ هم باشد آن فعل را فعل سالم گویند مثال פָּתַח (فعل نوشتن) که در تمام حالات صرف سه حرف اصلی آن باقی می‌ماند و تلفظ می‌شود که به آنها פְּעֻלִים שְׁלֵמִים یعنی افعال کامل یا سالم می‌گویند.

اما فعلی که در هر مورد از حالات صرف یک یا دو حرف از حروف ریشه آن حذف یا غیر ملفوظ شود آن فعل را فعل ناقص می‌گویند مثال הִיאָ קָזְיָה (او می‌خرد) הֵם קָזְיִים (آنها می‌خرند) که حرف ה در فعل اول غیر ملفوظ و در فعل دوم حذف شده است یا אֲנִי נֹפֵל מִן אֶפֶל מִן خَوּאֵם افتاد که حرف נ در آینده حذف شده است. که به این افعال פְּעֻלִים חֲסֵרִים یعنی افعال ناقص می‌گویند.

הַבְּנֵינִים باب‌های افعال

افعال عبری دارای ۷ باب یا בְּנֵינִים هستند که اسامی آنها بشرح زیر است:

باب اول = בְּנֵינִי פְּעֵל (קָל) : که ساده‌ترین باب‌ها می‌باشد و بر فاعلیت دلالت می‌کند و فاعل، کار را به سادگی انجام می‌دهد مثال הִיאָ שֹׁמֵרָה او نگهداری می‌کند. (سوم شخص زمان گذشته این باب ریشه فعل است مثل שָׁמַר نگاه داشت)

باب دوم = בְּנֵינִי נִפְעֵל : که شکل مجهول باب اول است مثال: הִיאָ נִשְׁמָרָה او نگهداری می‌شود.

باب سوم = בְּנֵינִי פְּעִיל : مانند باب اول (פְּעֵל) ولی با شدت عمل زیادتر است مثل אֲנִי שֹׁמֵר מִן می‌شکنم در باب اول (פְּעֵל) می‌باشد که در باب سوم (פְּעִיל) میشود אֲנִי מְשַׁמֵּר מִן خُرد می‌کنم.

باب چهارم = בְּנֵינִי פְּעִיל : شکل مجهول باب سوم (פְּעִיל) است که در آن کار بشدت انجام پذیرفته است. مثال הָעֵצִים נִשְׁבְּרוּ هیزم‌ها خُرد شدند.

باب پنجم = בְּנִין הַפְּעִיל : فاعل، کار را برای شخص دیگری انجام می‌دهد و به عبارت دیگر در این باب دو فاعل وجود دارد مثال הוא מְדַבֵּר אֶת הַיָּר או شمع را روشن می‌کند، که هم او و هم کبریت هر دو فاعل می‌باشند ولی فاعل دوم به قدری مشخص است که لازم به ذکر آن نیست.

باب ششم = בְּנִין הַפְּעִל : شکل مجهول باب پنجم (הַפְּעִיל) است که کاری به وسیله دو فاعل انجام پذیرفته است مثال הַיָּר הִדְלִק = شمع (بوسیله کسی) روشن شد.

باب هفتم = בְּנִין הַתְּפִיל : در این باب فاعل و مفعول در یک شخص یا شیئی می‌باشد مثال הוא הִתְפַּלֵּל او (در حق خود) نماز خواند. הוא הִתְאַבֵּד او خودکشی کرد.

یادآوری: در درس‌های قبلی (۱۳ و ۱۵) اشاره‌ای به صرف افعال در زمان حال و گذشته شده است و اکنون به صرف چند فعل مختلف در زمان آینده در باب פִּעֵל (که بر فاعلیت دلالت می‌کند می‌پردازیم) بد نیست بدانیم که صرف فعل خواستن (خواهم، خواهی، خواهد...) در زبان فارسی و حروف א, ת, י, נ, ט, י, נ, ט, י در زبان عبری (در مذکر) و א, ת, נ, ט, י, נ, ט, י (در مؤنث) در زمان آینده معادل یکدیگر هستند. (و همانطور که خواهیم، خواهی، خواهد...) در فارسی جلو فعل نوشته میشود (خواهم رفت، خواهی رفت، خواهد رفت...) و آنها علامت زمان آینده می‌باشند حروف א, ת, נ, ט, י, ن, ט, י هم در عبری جلو فعل می‌آیند و علامت زمان آینده هستند.

נְטִיּוֹת זְמַן עָתִיד סָרְف זְמַן אִינְדֵה

פְּרוֹשׁ = מְעִנִי	אֲנִי =	אַתָּה =	אַתָּה =	הוּא = או	הִיא = او
من	تو	تو	تو	(مؤنث)	(مؤنث)
אָבֹא	תָּבֹא	תָּבֹא	תָּבֹא	יָבֹא	תָּבֹא
אָשֵׁב	תָּשֵׁב	תָּשֵׁב	תָּשֵׁב	יָשֵׁב	תָּשֵׁב
אָדַע	תָּדַע	תָּדַע	תָּדַע	יָדַע	תָּדַע
אָקְרָא	תָּקְרָא	תָּקְרָא	תָּקְרָא	יָקְרָא	תָּקְרָא
אָרְצָה	תָּרְצָה	תָּרְצָה	תָּרְצָה	יָרְצָה	תָּרְצָה
אָכְתֵּב	תָּכְתֵּב	תָּכְתֵּב	תָּכְתֵּב	יָכְתֵּב	תָּכְתֵּב
אָפְתַח	תָּפְתַח	תָּפְתַח	תָּפְתַח	יָפְתַח	תָּפְתַח

פרוש = معنی	אַנקנו = ما	אַתם = شما	הם = آنها	אַתן - הן שما- آنها (مؤنث)
خواهم آمد...	נבוא	תבואו	יבואו	תבאנה
خواهم نشست...	נשב	תשבּו	ישבו	תשכנה
خواهم دانست...	נדע	תדעו	ידעו	תדענה
خواهم خواند...	נקרא	תקראו	יקראו	תקראנה
خواهم خواست...	נרצה	תרצו	ירצו	תרצנה
خواهم نوشت...	נכתב	תכתבו	יכתבו	תכתבנה
باز خواهم کرد...	נפתח	תפתחו	יפתחו	תפתחנה

تذکر: در زمان آینده در تمام افعال (۷ باب)

- ۱- اول شخص مفرد مذکر و مؤنث یک شکل دارند. ۲- اول شخص جمع مذکر و مؤنث نیز یک شکل دارند. ۳- دوم شخص مفرد مذکر و سوم شخص مفرد مؤنث یک شکل دارند. ۴- دوم شخص و سوم شخص جمع مؤنث یکی است. برای مثال فعل **שׁוּם (לְשׁוּם)** گذاشتن در زمان آینده:

זָכָר	מזכּר	אָשׁוּם	תָּשׁוּם	יָשׁוּם
נְקֻבָּה	مؤنث	אָשׁוּם	תָּשׁוּמִי	תָּשׁוּם
		خواهم گذاشت	خواهی گذاشت	خواهد گذاشت

זָכָר	מזכּר	נָשׁוּם	תָּשׁוּמוּ	יָשׁוּמוּ
נְקֻבָּה	مؤنث	נָשׁוּם	תָּשׁוּמוּנָה	תָּשׁוּמוּנָה
		خواهیم گذاشت	خواهید گذاشت	خواهند گذاشت

בְּמָה מְשֻׁפָּטִים בְּתַחוּם זְמַן עָתִיד چند جمله در زمینه زمان آینده

- ۱- בַּשְּׂבוּעַ הַבָּא מֵרֵשׁעֵי אִי רֹאשׁ הַהֲנֵהֲלֹת וְעַד יְהוּדֵי פָּרַס יִלְךְ אֶצְלָ פְּבוּד נְשִׂיא הַמְּדִינָה מֵרֵשׁעֵי אִי וְיִדְבֵּר עַל בְּעִיּוֹת שֶׁל יְהוּדֵי פָּרַס.

هفته آینده آقای یسعیائی، رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان ایران، نزد رئیس جمهور محترم جناب آقای خاتمی خواهد رفت و درباره مسائل یهودیان ایران صحبت خواهد کرد.

۲- במאמר ראשי הפא "בינה" אדון עורך ראשי יכתב מאמר על דבר הסרטים ששדרו מטלויזיה נגד היהודים.

در سرمقاله آینده بینا آقای سردبیر درباره فیلم‌های ضد یهودی که از تلویزیون پخش شده است مقاله‌ای خواهد نوشت.

۳- "אני מאמין באמונה שלמה שיבא מלך המשיח".

"من ایمان کامل دارم که ماشیح (ناجی جهان) خواهد آمد."

۴- במכתבי הפא אכתב לך על הירחון בינה ומטרותיו.

در نامه آینده‌ام برایت درباره ماهنامه بینا و هدفهای آن خواهم نوشت.

۵- הירחון בינה יביא לקוראיו מאמרים שונים על ענייני מדעי , חנוכה , מוסר ,
וחקרה.

ماهنامه بینا مقالات گوناگون درباره مسائل علمی، تربیتی و فرهنگی و اخلاق و اجتماع تقدیم خوانندگان خواهد کرد.

۶- קשה לי לדבר עברית אשתדל ללמוד היטב עברית.

برایم مشکل است که عبری صحبت کنم سعی خواهم کرد عبری را بهتر یاد بگیرم.

۷- שרה ורחל מחר תבאנה אצלנו והן תדברנה על חתונת חנה ויהודה.

سارا و راحل فردا نزد ما خواهند آمد و آنها درباره جشن عروسی حنا و یهودا صحبت خواهند کرد.

۸- בשנה הבאה כבר אני לא אלמד כי זקנתי.

در سال آینده دیگر من تدریس نخواهم کرد چونکه پیر شده‌ام.

۹- "בינה המקדש וברנה שם נעלה ושם נשיר שיר חדש."

معبد مقدس آباد خواهد شد و با ترنم به آنجا به زیارت خواهیم رفت و در آنجا سرود تازه خواهیم خواند.

מלים חדשות لغات جدید

رئيس جمهور	نسی همدینا	נשיא המדינה
سردبیر	عُورِخ راشی	עורך ראשי
سرمقاله	مَتمار راشی	מאמר ראשי
ایمان دارم	مَتمین	מאמין
معبد مقدس	میقداش	מקדש
عليه - ضد	نِگد	נגד
مقام محترم	کُوود	כבוד
علمی	مداعی	מדעי
تربیت	حینوخ	חינוך
ترنم - سرود	رِנאنا	רננה
اخلاق	موسار	מוסר
بخوبی - کاملاً	هَطو	היטב
انجمن - اجتماع	حَوَرا	חברה
ایمان - اعتقاد	امونا	אמונה
سرود خواهیم خواند	ناشیر	נשיר

דקדוק دستور زبان

علامات اسامی مؤنث

اصولاً هر اسمی یا مذکر است یا مؤنث علامات اسامی مؤنث عبارت است از:

۱ - هر اسمی که در مفرد به حرف ה ختم شود

مثال: מַחְבֵּרֶת = دفتر דֶּלֶת = در חַנּוּת = دکان

۲ - هر اسمی که در مفرد به صدای ה ختم شود

مثال: מְנוּרָה = شمعدان שִׁמְלָה = لباس שִׁירָה = شعر

۳ - اسامی اعضای از بدن که زوج هستند

مثال: יָד = دست רֶגֶל = پا לַיִן = چشم

۴ - اسامی شهرها و کشورها و نقاط جغرافیائی دنیا

مثال: יְהוּדָא = تهران יְרוּשָׁלַיִם = اورشلیم

۵ - اسامی ای که مشخص است و علامتی ندارد

مثال: אֶסְתֵּר = استر מִרְיָם = میریام

الف) برای اینکه بخواهیم فعلی یا کلمه‌ای یا اسم مذکری تبدیل به مؤنث کنیم به آخر کلمه حرف ה یا ת اضافه می‌کنیم مثال:

פָּר = گاو نر מוֹנֵת آن می‌شود פָּרָה = گاو ماده

יָלֵד טוב = پسر بچه خوب מוֹנֵת آن می‌شود יָלְדָה טובָה = دختر بچه خوب

אוֹכֵל = می‌خورد מוֹנֵת آن می‌شود אוֹכֶלֶת

בָּא = می‌آیم מוֹנֵת آن می‌شود בָּאָה = می‌آیم

ب) چنانچه آخر اسمی یا فعلی حرف ה باشد برای اینکه بخواهیم به مؤنث تبدیل کنیم حرکت פגול (א) را به حرکت קמץ (א) تغییر می دهیم. مثل:

מורה = معلم مرد مؤنث آن می شود מורה = معلم زن
 היילד בוכה = پسر بچه گریه می کند مؤنث آن می شود היילדה בוכה = دختر بچه گریه می کند
 קשה - קשה = לא קשה ללמוד עברית = یاد گرفتن عبری سخت نیست مؤنث آن می شود
 העברית שפה לא קשה = زبان عبری زبان سختی نیست

پ) اسامی یا کلماتی که مذکر هستند و در آخر آن حرکت חריק (אי) و حرف (י) می باشند مؤنث آنها حرف ה یا حرف ת به آخر کلمه یا اسم اضافه می گردد مثل:

יהודי = مرد یهودی مؤنث آن می شود יהודיה یا יהודית = زن یهودی
 لاברי = مرد یهودی مؤنث آن می شود لاברה یا لاברית = زن یهودی
 נברי = مرد غریب مؤنث آن می شود נברה یا נברית = زن غریب

ت) اسامی ای که آخر آن حرف ל می باشد و این حرف جزء ریشه آن کلمه نمی باشد برای اینکه به مؤنث تبدیل کنیم حروف ית به آخر آن اسم اضافه می کنیم مثل:

רחמן = رحیم یا פתחן = کارمند دفتری یا ماشین نویس مرد مؤنث آن می شود רחמנית یا פתחנית

تذکر = اصولاً اسمی که دارای علامت مؤنث نیست مذکر است.

طریقه جمع بستن کلمات، اسامی و افعال

۱) معمولاً اسامی یا افعال مؤنث با پسوند حروف ות و اسامی یا افعال مذکر با پسوند ים جمع بسته می شود مثال:

דלת = در جمع مؤنث آن می شود דלתות
 חלון = پنجره جمع مؤنث آن می شود חלונות
 זינת כותכת = زینت می نویسد جمع مؤنث آن می شود זינת ושהנאז ושהנאז כותכות =
 زینت و شهناز می نویسند

۲) اگر مذکر و مؤنث با هم باشند صفت و فعل و عدد مذکر بر آنها بکار برده می شود مثل:

הילדים והילדות לומדים יחד پسر بچه ها و دختر بچه ها با هم تحصیل می کنند

۳) پسوند یم علامت تشبیه (جمع زوجی) است مثل:

יומים = دو روز

שנתיים = دو سال

חודשים = دو ماه

ידיים = دو دست

۴) معدودی از اسامی (که انگشت شمار هستند) بر خلاف قاعده دستور زبان جمع بسته می شود مثل:

אב = پدر جمع آن می شود אבות = پدران

אשה = زن جمع آن می شود נשים = زنان

۵) غالباً چیزهائی که واحد طبیعی ندارد نام عبری آنها یا بصورت جمع یا بصورت مفرد وجود دارد مثل:

זקב = طلا

קמאה = کره

מים = آب

מכתב = نامه

۱- בת דודתי היקרה שרונה הנחמדה שלום רב וברכה.

دختر خاله عزیزم، شاروناه دوست داشتنی سلام زیاد و دعای خیر (برکت)

۲- אני מקנה שאת וכל בני משפחתך בריאים ושמחים.

امیدوارم که خودت و تمام اهل فامیلت سلامت و شاد هستید.

۳- אם תרצי לדעת משלומי ברוך ה' אני בריאה ואין לי שום דאגה כי אם ראות פניך היקר.

اگر از حال من بخواهی بحمدالله سلامت و جزء دوری دیدار تو نگرانی ندارم.

۴- שרונה האהובה לפני חדש קבלתי את מכתבך היקר ושמחתי מאד.

شاروناه محبوب یک ماه قبل نامه عزیزت را دریافت کردم و خیلی خوشحال شدم.

۵- בְּלִי סֶפֶק אֶת מִתְאוּנְנֵת עָלַי שְׁלֵמָה לֹא כְּתִבְתִּי לָךְ מִכְתָּב זֶה זְמַן רַב וְלֹא הוֹדַעְתִּי לָךְ עַל מַצְבִּי
 بدون شک از من گله‌مندی که چرا مدت مدیدی است که برای تو نامه ننوشته‌ام و تو را از حال خود با خبر
 نکرده‌ام

۶- הָיֹוֹת שְׁלֹא בָּאתָ עַד עַכְשָׁיו לְטְהָרָאן הַגְּדוֹלָה אֵינְךָ יוֹדַעַת עַד כְּמָה שְׁהַעִיר הַזֹּאת גּוֹרְמָה צָרוֹת
 לְאָדָם.

نظر به اینکه تا بحال به تهران بزرگ نیامده‌ای نمیدانی که این شهر چقدر انسان را گرفتار می‌کند.

۷- אִם תְּבוֹאִי פֶּעַם לָעִיר הַזֹּאת אֶת תְּבִינִי אֶת אֲמִיתוֹת דְּבָרֵי

اگر یک دفعه به این شهر بیایی بصدق گفتار من پی خواهی برد.

۸- אֲנִי נִמְצָאת בְּבֵית הַסֵּפֶר רוֹהֵי שָׂאד וּמְלַמְּדֵת מִן הַבְּקָר עַד הָעֶרֶב אֶפִּילוּ אֶת אַרוּחַת הַצְּהָרִים אֲנִי
 אוֹכֵלֶת שָׁם.

من صبح تا عصر در مدرسه روحی شاد هستم و تدریس میکنم حتی نهار را در مدرسه میخورم.

۹- רֵאשִׁי מִתְעַיֵף מִוְכוּחִים עִם עֲשָׂרוֹת תְּלֻמִּידוֹת בְּאֶפֶן שְׁכַבְעֶרֶת אֲנִי בָּאָה הַבֵּיתָה עֵינָה

سرم بر اثر بحث با ده‌ها محصل خسته میشود بطوریکه عصر خسته به منزل می‌آیم.

۱۰- וְאִז עָלַי לְהִתְכוּנֵן עַל הַשְּׁעוּרִים שֶׁל מָחָר אוּ הַכֵּנֶת אַרוּחַת הָעֶרֶב.

و آنوقت بایستی برای دروس فردا خود را آماده یا شام حاضر کنم.

۱۱- בַּיּוֹם שֶׁשִׁי גַם בֵּן אֲנִי טְרוּנְדָה בְּרַחֲמֵי וּבְהִכְנַת צָרְכֵי שַׁבַּת קֹדֶשׁ

در روز جمعه هم گرفتار حمام رفتن و تهیه لوازم شنبه مقدس هستم.

۱۲- גַּם בַּשַּׁבָּת שְׂאֲנִי פְנוּיָה אֶת יוֹדַעַת שְׂאֲסוֹר לְכַתּוֹב מִכְתָּב.

در شبات (شنبه) هم که فرصت دارم خودت میدانی که نامه نوشتن قدغن است.

۱۳- אִם בֵּן אֶת תְּבִינִי בְּעֶצְמֶךָ שְׂאֵם עַד עַכְשָׁיו לֹא שְׁלַחְתִּי לָךְ מִכְתָּב זֶה לֹא מִחֲמַת שְׂכָחָה אוּ חֶסֶר

יְדִידוּת.

بنابراین خودت پی می‌بری (میفهمی) که اگر تا بحال برایت نامه نفرستاده‌ام این از روی فراموشی و بیوفائی نیست.

۱۴- כַּעַת שְׁמַצְאָתִי פְּנָאֵי כְּתָבְתִי לָךְ אֶת הַמְּלִים הַלְלוּ לְאוֹת יְדִידוֹת.
 حال (فعالاً) که فرصت پیدا کردم این چند کلمه را برایت برای اظهار صمیمیت نوشتم.

۱۵- עֲכָשׁוּ אֲנִי חוֹשֶׁכֶת שֶׁהַבְּנֵת לָמָּה לֹא הִסְפַּקְתִּי לְכָתוֹב לָךְ מִכְּתָב וּמִקְנֵה שֶׁהַתְּשׁוּבָה תִּשְׁלַחֵי לִי
 בקרוב

حالا من فکر می کنم که فهمیدی چرا فرصت نکرده ام که برایت نامه بنویسم و امیدوارم که جواب آن را بزودی
 برایم خواهی فرستاد.

۱۶- הַזְרִי, אָחִי, וְאַחֵיוֹתַי בְּרוּךְ ה' הֵם בְּרִיאִים כִּלְנוּ מוֹסְרִים דְּרִישַׁת שְׁלוֹם רַבָּה לְכָל בְּנֵי מִשְׁפַּחְתְּךָ
 والدینم، برادرانم و خواهرانم بحمدالله سلامت هستند و همگی ما سلام زیاد به تمام اهل فامیلت میرسانم.

۱۷- הָאוֹהֶבֶת אוֹתְךָ מֵלֵב וְנֶפֶשׁ בֵּת דּוֹדְתְךָ הִל אָרָאם
 کسیکه تو را از جان و دل دوست دارد دختر خاله تو - دل آرام

מְלִים חֲדָשׁוֹת לְגַת כְּדִיד

בריאה	ברי آه	سلامت هستم
דודה	דודא	עמה - خاله - זן עמו - זן דאיי
דוד	דוד	עמו דאיי - شوهر עמה - شوهر خاله
ראות	ראוט	دیدار - دید
דאגה	דאגא	دل واپسی - نگرانی
מתאוננת	מית אנט	گله مندی - شکایت داری
מצב	מצאב	وضعیّت - موقعیت
וכוח	וי کוח	بحث - منظره
נחמדה	נחמאדה	دوست داشتنی - زیبا
אמיתיות	אמי تیوت	راستی - صداقت - حقیقت
טרוד	طارود	گرفتار - مشغول
הכנה	הכאנה	تدارک - تهیه
מחמת	مخمت	به علت - بخاطر
ידידות	ידיدوت	دوستی - صمیمیت
פנאי	פנאי	فرصت - مجال
הורים	هوریم	والدین

תרגיל = تمرین

נא הפוך את השמות והפעלים נקביים שנמצאים במכתב לזכריים לطفא' אסאמי ו אفعال مونث را که در این نامه وجود دارند به مذکر تبدیل کنید.

למשל = مثال:

בן דודי היקר רמי הנחמד שלום רב וברכה

پسر عمومی عزیزم رامی دوست داشتنی سلام زیاد و دعای خیر (برکت)

דַּקְדּוּק דְּסֵטוֹר זְבָן

(جوابهای کلمات پرسشی)

۱) اگر پرسیده شود: מִי (کی)، בְּמִי (به کی)، מִמֵּי (از کی)، אֶת מִי (از کی، کی را) בְּמִי (مثل کی).
در جواب این کلمات پرسشی اسم مربوطه را یادآور می شویم.
مثال:

מִי הוּא חֲבֵר-כְּנֶסֶת מֵצַד יְהוּדֵי פָּרָס?

نماینده مجلس از طرف یهودیان ایران چه کسی است؟

אֲדוֹן מוֹרִיס מוֹעֲתֵמֵד הוּא חֲבֵר-כְּנֶסֶת מֵצַד יְהוּדֵי פָּרָס

آقای موريس معتمد نماینده مجلس از طرف یهودیان ایران است.

אֶת מִי אֶתָּה שׁוֹאֵל?

از کی تو سؤال می کنی؟

אֲנִי שׁוֹאֵל אֶת הַמּוֹרֶה (מְהַמּוֹרֶה)

من از معلم سؤال می کنم

۲) اگر پرسیده شود: מַה (چه)، בְּמַה (با چه)، עַל מַה (روی چه)، מִמַּה (از چه)، מַהוּ = מַהִי (آن چیست)، מַה זֶה = מַה זֹאת (این چیست)، מַה אֵלֶּה (اینها چه هستند). در جواب اسم شیء مربوطه را یادآور می شویم.
مثال:

מַה אָמַר אֲדוֹן יִשְׁעִיאִי (ראש ההנהלת ועד יהודי פָּרָס) לְיְהוּדֵי טְהֶרָאן בְּנוֹגַע לְטִיּוּלִים בְּאֶזֶר שְׂמִירָאן בְּמוֹצָאֵי

שְׁבָתוֹת וּמוֹעֲדִים?

آقای ישعיאיי (رئیس انجمن کلیمیان ایران) درباره گردش در منطقه شمیران در شبهای یکشنبه و اعیاد به کلیمیان تهران چه گفته است؟

הוּא אָמַר לָהֶם לֹא לְהַפְרִיעַ לְאֲנָשֵׁי שְׁגָרִים בְּאֶזֶר שְׂמִירָאן, וְאַתֶּם יְכוּלִים לְלַכֵּת לְפָרְקִים וְגַנִּים שְׂנִמְצָאִים בְּטְהֶרָאן.

او به آنها گفته است: که مزاحم مردم ساکن در ناحیه شمیران نشوید و شما می توانید به پارکها و باغاتی که در تهران موجود است بروید.

מַה זֶה?

این چیست؟

זֶה יְרַחֵן בֵּינָה

این ماهنامه بینا است.

۳) اگر پرسیده شود: **אֵיפֹה = אֵייה (کجا)، לָאֵן = אָנֶה (به کجا)، מַאיֵן (از کجا).**

در جواب اسم محل و آدرس را یادآور می‌شویم.

مثال:

אֵיפֹה אַתָּה גָּר?

کجا تو ساکن هستی؟

אֲנִי גָּר בְּטֶהֱרָאן.

من در تهران ساکن هستم.

מַאיֵן אַתָּה?

اهل کجا هستی؟

אֲנִי מְשִׁירָאז.

من اهل شیراز هستم.

۴) اگر پرسیده شود: **מָתִי = אֵימָתִי (کی)، מָמָתִי (از کی)، לְמָתִי (برای کی)، עַד מָתִי (تا کی)**

در جواب زمان مربوطه را ذکر می‌کنیم.

مثال:

מָתִי אַתָּה מִתְחִיל אֶת הָעֲבוּדָה?

کی تو کار را شروع می‌کنی؟

אֲנִי מִתְחִיל אֶת הָעֲבוּדָה בְּשָׁעָה שְׁבַע וְחֲצִי

من کار را در ساعت ۷/۵ شروع می‌کنم.

”עַד מָתִי קוֹרִין אֶת שְׁמַע בְּעֶרְבִין?”

تا کی در شبها **שִׁמַע** (آیه توحید نماز مغرب) را می‌توان خواند؟

”חֲכָמִים אוֹמְרִים עַד חֲצוֹת. רַבֵּן גַּמְלִיאֵל אוֹמֵר עַד שְׁיַעְלָה עֲמוּד הַשַּׁחַר”

”دانشمندان یهود می‌گویند تا نیمه شب. ربان گملیئل (از علمای تراز اول یهود) می‌گوید تا سپیده صبح.”

۵) اگر پرسیده شود: **מִדּוּעַ (چرا)، לָמָּה (چرا)، מִפְּנֵי מָה (بخاطر چه)، עַל מָה (درباره چه)**

در جواب دلیل و علت را یادآور می‌شویم.

مثال:

לָמָּה אֲדוֹן פְּלוֹנִי כָּבֵד לֹא מְלַמֵּד בְּבֵיתוֹ סֵפֶר וְלֹא נוֹאֵם בְּבֵית הַכְּנֶסֶת פּוֹל ג'וֹפִי?

چرا آقای فلانی، دیگر نه در مدارس تدریس می‌کند و نه در کنیسه‌ی پل چوبی سخنرانی می‌کند؟

בגלל ששני בחורים חסרי-דעת מהלכות עלבו לו בבית הכנסת פול ג'ובי
به علت اینکه دو جوان نادان از قوانین مذهبی در کنسای پل چوبی به او توهین کرده‌اند.

מדוע אתה רוצה להשתתף בבחירות של נשיא המדינה?

چرا میخواهی در انتخابات رئیس جمهوری شرکت کنی؟

مفنی שהנני רוצה חובה לעצמי להשתתף.

برای اینکه وظیفه خود میدانم که شرکت کنم.

6) اگر پرسیده شود: האם = ה (آیا)

در جواب اول בן (بله) یا לא (نه) گفته، بعد جواب میدهیم.

مثال:

האם אתה רוק? آیا تو مجرد هستی?

לא، אני נשוי.

خیر، من متاهل هستم.

הכתבת את המכתב?

آیا نامه را نوشتی؟

כן، כתבתי את המכתב.

بله نامه را نوشتم.

7) اگر پرسیده شود: איזה = איזו (کدام)، באיזה = באיזو (در کدام)، מאיזה = מאיזو (از کدام)، איזהו = איזוהי (کدامیک =

چه کسی) در جواب نام مورد لزوم را یادآور میشویم.

مثال:

איזה לחם אתה אוהב?

چه نانی تو دوست داری؟

אני אוהב לחם ברברי.

من نان بربری را دوست دارم.

איזהו מכבד?

چه کسی محترم است؟

המכבד את הפריות.

کسی که مردم را محترم می‌شمارد.

۸) اگر پرسیده شود: آیف (چطور)، آیکه (چگونه)، در جواب چگونگی را شرح می دهیم.

مثال:

آیف مרגיש החולה؟

حال بیمار چطور است؟

ברוך ה', הוא מרגיש טוב.

خدا را شکر حالش خوب است.

"איכה ישבה בך העיר רבתי עם؟"

"چگونه شهری که پر از مخلوق بود، تنها نشسته است؟"

"גלתה יהודה מעני ומרב עבודה"

"به سبب مصیبت و سختی بندگی، یهودا جلای وطن کرده است."

۹) اگر پرسیده شود: כמה (چند تا)، در جواب عدد ذکر می کنیم.

مثال:

כמה תלמידים נעדרים היום؟

امروز چند دانش آموز غایب هستند؟

תלמיד אחד נעדר היום.

امروز یک دانش آموز غایب است.

مלים ہڈشوت لغات جدید

معنی	تلفظ	لغت
سپیدہ صبح	عمود ہشحر	عمود ہشحر
نیمہ شب	حصوت	ہضوت
نطق - سخنرانی	نئوم	نئوم
نادان	حسر دعت	حسر دعت
توہین - بی احترامی	علیون	علیون
انتخابات	بحیروت	بحیروت
محترم - ارجمند	مخوباد	مخوباد
گردش - تفریح	طیبول	طیبول
باغ	گن	گن
بخاطر - برای	بیگلل	بیگلل
تنہا - در انزوا	باداد	باداد
نماینده مجلس	حور کنت	حور کنت
در خصوص - درباره	بنگع	بنگع
ناحیہ - منطقه	ازر	ازر
مزاحمت - تولید مانع	ہفراعا	ہفراعا
وظیفہ - عمل واجب	خووا	خووا
پارک - تفرجگاہ	پرق	پرق
کار - بندگی - عبادت	عودا	عودا
فلانی	پلنی	پلنی
غایب - مفقود	نعدار	نعدار

האותיות העבריות מתחלקות לחמש קבוצות

حروف عبری (از نظر تلفظ) به پنج دسته تقسیم میشوند

- 1) אותיות גרוניות (حروف حلقی) = א - ה - ח - ע (א - ه - ح - ع)
- 2) אותיות לשונית (حروف زبانی) = ד - ל - ט - נ - ת (ד - ل - ط - ن - ت)
- 3) אותיות שפתיות (حروف لبی) = ב - ו - מ - פ (ب - و - م - ف (پ))
- 4) אותיות שנית (حروف دندانی) = ז - ס - צ - ר - ש (ز - س - ص - ر - ش)
- 5) אותיות חכיות (حروف کامی یا سقی) = ג - י - פ - ק (گ - ی - ک - ق)

”ו” החבור ואو ربط

الف) حرف ”ו” به معنی ”و” در اول کلمه نوشته میشود و اصولاً علامت آن ”ו” است مثل: בית וְשָׁדָה (خانه و صحرا) אֶרֶץ וְשָׁמַיִם (زمین و آسمان)

مثال:

אָב הַרְחֵמֵן תֵּן בְּנֵי כַח וּבְרִיאוֹת וְזַכְּנוּ לְהַתְּרַחֵק מִתְּאַוֹת תַּעֲנוּגֵי וְהַכְּלִי הָעוֹלָם הַזֶּה. ای پدر رحمان به ما نیرو و سلامتی بده و ما را موفق گردان تا از هوسها و لذات پوچ این دنیا دوری کنیم.

המורה אָמַר : אִם תִּרְצוּ לְלַמֵּד בְּהַצְלָחָה שְׂעוּרִים רַבִּים אַתֶּם צְרִיכִים לְהַקְשִׁיב הַיָּטֵב לְדַבְּרֵי הַמּוֹרֶה וְתַכְתְּבוּ תְּרַגְלִים שׁוֹנִים וְלֹא לְהַחְמִיץ אֶת הַהִזְדַּמְנוֹת. וְהַצְלָחָה תְּלוּיָה בְּהַתְּמַדָּה. معلم گفت: اگر میخواهید با موفقیت درسهای زیادی بیاموزید شما بایستی به حرفهای معلم به خوبی گوش کنید و تمرینات مختلف بنویسید و فرصت را از دست ندهید. و لازمه موفقیت پشت کار است.

ب) هرگاه کلمه مربوط با یکی از حروفی که از لب تلفظ میشود (ב-ו-מ-פ) و یا - شروع شده باشد حرکت ”ו” به ”ו” تبدیل میشود مثل: בַּגְּ וּבֵית (باغ و خانه). חֲדָשׁ וְנִתְּקָה (جدید و قدیم). דָּוִד וּמִשָּׁה (داوید و موسی) יָדִים וּפְגִימ (دست و صورت) קָרָא וְכָתַב (بخوان و بنویس)

مثال:

ה” ישמר צאתך ובוأףך מעתה ועד עולם. خداوند نگهدار خروجت و ورودت باشد از حالا تا ابد.

אָמַר רַפָּאֵל לְדָוִד וּמְרִים (חֲתָן וּפֶלֶה) אָנִי מְאַחַל לָכֶם חַיִּים טוֹבִים אֲשֶׁר וְעֵשֶׂר וּבָנִים צְדִיקִים וּבְחֻמִּים.

رفائل به داوید و میریام (داماد و عروس) گفت: من برای شما زندگی خوب، سعادت و ثروت و فرزندان درستکار و عاقل آرزو میکنم.

ج) در صورتیکه کلمه با حرفی شروع شود که حرکت **י** یا **י** یا **י** داشته باشد، واو ربط با حرف اول کلمه هم صدا میشود. مثل: תּוֹרָה וְעִבּוּדָה (تورات و عبادت یا کار). קַח וְאָחַז (بگیر و بخور) מָטוֹס וְאָנִיָּה (هواپیما و کشتی)
مثال:

וּזְכַרְתֶּם אֶת כָּל מַצּוֹת ה' וְעִשִּׂיתֶם אֹתָם וְלֹא תִחֲוּרוּ
و بیاد بیاورید تمام فرامین الهی را و آنها را انجام دهید تا منحرف نشوید

אָמְרוּ דָוִד וּמְרִים לְרַפָּאֵל : מוֹדִים לָךְ מְקַרְבִּי לֵב עַל הָאֲחֻלִּים שָׁלַךְ וְאֶנְחֲנוּ מְקוּיִם לְהַשְׁתַּתֵּף בְּקִרְוֵי בְּחֻגֵיגַת חֲתוּנָתְךָ .
داوید و میریام به رفائل گفتند: ما از تبریکات تو از صمیم قلب تشکر می کنیم و ما امیدواریم که بزودی در جشن عروسی تو شرکت کنیم.

د) هرگاه کلمه ای یا اسمی با حرف **י** شروع شده باشد **י** ربط تبدیل به **י** میشود.
مثال:

שָׁרָה וַיהוָה (سارا و یهودا). יְלָדִים וַיִּלְדוּת (پسر بچه‌ها و دختر بچه‌ها) در این صورت حرکت حرف **י** حذف و حرف **י** غیر ملفوظ میشود. مثال:

לְמַעַן יִרְבוּ יְמֵיכֶם וַיְמֵי בְנֵיכֶם
تا اینکه عمر شما و عمر فرزندانان زیاد شود

רְאוּבֵן שְׁמַעוֹן לֵוִי וַיהוָה .
رئوین، شیمعون، لوی و یهودا

ه) در کتب مقدس گاهی **י** הפופ (واو تبدیل کننده) بر سر فعل آینده می آید و زمان آن فعل را به گذشته تبدیل میکند مثل: יֵלֵךְ (خواهد رفت) וַיֵּלֶךְ (رفت) יִדְבֹר (سخن خواهد گفت) וַיְדַבֵּר (سخن گفت) و همینطور گاهی **י** بر سر فعل گذشته می آید و زمان آن فعل را آینده می کند مثل: דְּבַר (سخن گفت) וַדְבֹר (سخن خواهد گفت) הָיָה (بود) וְהָיָה (خواهد بود)
مثال:

וַיֵּצֵא יַעֲקֹב מִבְּאֵר שֶׁבַע וַיֵּלֶךְ חֲרָנָה
يعقوب از بئر شوع خارج شد و به حاران رفت.

וַיִּנְתְּחֵי עֵשָׂב בְּשָׂדֵךְ לְבָהֱמָתֶךָ וְאָכְלָתְּ וְשָׂבַעְתְּ
برای چارپایانانت در صحرای تو علوفه خواهم داد بخوری و سیر شوی.

مبلیم ٲنشوت لغات مشكل

معنی	تلفظ	لغت
ارتباط - انشاء	حیور	חבור
نیرو - اقتدار	كُوْنَح	כוח
موفق گردان ما را	زَکِنُو	זכנו
دور - بعید	راخوق	רחוק
هوس - مراد - شهوت	تاوا	תאוה
لذت - خوشی - عیش	تَعْنُوْگ	תענוג
چیز پوچ	هول	הכל
بخوبی - (کاملاً)	هطو	היטב
متفاوت - مختلف	شونه	שונה
فرصت از دست دادن	هَحْمَاصا	החמצה
توجه - گوش دادن	هَقْشَاوا	הקשבה
موفقیت - خوشبختی	هَصْلَاحا	הצלחה
وابسته - مربوط - معلق	تالوی	תלוי
قدیم	واتیق	ותיק
موقعیت - فرصت	هیزْدَمِنوت	הזדמנות
استقامت - پشتکار	هَتَمادا	התמדה
خوشی - سعادت	أشِر	אשר
ثروت - فراوانی	عُوشِر	עושר
هوایما	ماطوُس	מטוס
کشتی	أنی یا	אניה
تبریک - دعای خیر	ایحول	אחול
از صمیم قلب - از ته دل	مِیقِرِو لُو	מקרّب لب
داماد - قهرمان	حاتان	חתן
عروس	کلا	כלה
تشکر می کنیم	مُودیم	מודים
جشن - تشریفات	حَگِیگا	חגיגה
گیاه - علف - سبزی	عَسُو	עשב
صحرا - مزرعه	ساده	שדה
حیوان اهلی - بهائم	بهما	בהמה
حالا	عَنا	עתה

סדר ליל הפסח

ترتیب مراسم شب عید پסح

(א) קדש : בעל הבית מקדש על היין וכלם שותים כוס ראשונה.

(۱) קדש = صاحبخانه قیدوش (دعای) آب انگور را می گوید و کلیه افراد (خانواده) پیاله اول را می نوشند.

(ب) ורחץ : نوتלים ידיים وایנם مبرכים "על נטילת ידיים".

(۲) اورخص = دستها را می شویم ولی براخای (دعای) «על نطילת ידיים» را نمی گویم.

(ג) כרפס : توبלים כרפס במי מלח או בחומץ ומברכים "בורא פרי האדמה" ואוכלים.

(۳) کرپس = کرفس را در سرکه یا آب شور فرو برده و براخای (دعای) «هااداما» گفته و می خوریم.

(ד) יחץ : לוקחים המצה האמצעית משלש המצות ומחצים לשתיים, החלק הגדול צופנים אותה לאפי קומץ.

(۴) יحص = از سه گرده نان فطیر، وسطی را گرفته و دو نصف می کنیم، قسمت بزرگ تر را برای مراسم «أفیقومن» پنهان می کنیم.

(ה) מגיד : מגביהים את הקערה וקוראים "הא לחמא". הבן שואל "מה נשתנה"? עונה לו עבדים היינו וכלה.

(۵) مگید = سینی مصا را بلند کرده و «ها لحمًا» را می خوانیم. پسر (فرد کوچک خانواده) می پرسد امشب چه خبر است...؟! و (بزرگ خانواده) به او جواب می دهد: «عوادیم هاینو» در مصر غلام بودیم و الی آخر.

(و) رחצה : نوتלים ידיים לסעדה ומברכים "על נטילת ידיים".

(۶) رخصا = برای صرف خوراک دستها را می شویم و براخای (دعای) «عَل نطيلت ידיים» را می گویم.

(ז) מוציא : לוקחים את המצות ומברכים ברכת המוציא.

(۷) موصی = مصاها (۲تا و نصف) را می گیریم و براخای (دعای) «هُمُوصِي» را می گویم.

(ח) מצה : لוקחים את המצה העליונה והפרוסה ומברכים "על אכילת מצה" ואוכלים.

(۸) مصا = مصای بالایی و آن نصفه را گرفته و براخای (دعای) «عَل أَخِيلَت مَصَا» را ادا می کنیم و می خوریم.

ט) מרור : לוקחים כזית מרור וטובלים בתרוסת ומברכים "על אכילת מרור".

9) מרור = به قدر دانه زیتون (حدود سی گرم)، سبزی تلخ (کاهو) را در حلق (مخلوطی از میوه و ادویه و شراب) می‌زنیم و پس از آن براخای (دعای) «על אכילת מרור» را می‌گوییم.

י) פורק : لוקחים כזית מהמצה השלישית וכזית תזרת וכוכבים וטובלים בתרוסת יחד ואומרים "זכר למקדש" ואוכלים בלי ברכה.

10) گورخ = حدود سی گرم از مصای سومی را گرفته و در (حدود سی گرم) کاهو پیچیده، در حلق زده با خواندن جمله «زخرمیقداش» بدون براخا می‌خوریم.

יא) שלחן עורך : אוכלים סעודה ונוהגים לאכול תחילה ביצים ואחר כך דגים ובשר.

11) شولحان عورخ = مشغول صرف شام می‌شویم و رسم است که ابتدا تخم مرغ و ماهی و بعد گوشت می‌خورند.

יב) צפון : לאחר הסעודה מוציאים את "האפיקומן" שצפנו ואוכלים ממנו (בלי ברכה).

12) صافون = پس از صرف شام «افيقومن» را که پنهان کردیم، بیرون آورده و مقداری از آن را (بدون براخا) می‌خوریم.

יג) ברוך : מוזגים כוס שלישית ומברכים עליה "ברכת המזון".

13) بارخ = پیاله سومی را آماده می‌کنیم و بعد از خواندن "دعای بعد از خوراک" می‌نوشیم.

יד) הלל : מוזגים כוס רביעית וגומרים עליה את ההלל ושותים אותה.

14) هلل = پیاله چهارم را پس از پایان خواندن سرود "הלל" می‌نوشیم.

טו) נרצה : שרים כמה שירים בשמחה ובלב טוב וגומרים.

15) نیرصا = چند سرود با شادی و دل خوشی می‌خوانیم و (مراسم را) به پایان می‌بریم.

חסל סדור פסח פהלקתו, ככל משפטו וחקתו, כאשר זכינו לסדר אותו, בן גזפה לעשותו. (אמן)

اینک که کلیه مراسم و فرائض پسح پایان می‌پذیرند، (امیدواریم) چنانچه (امشب) به خوبی موفق به برگزاری این مراسم شدیم (در سالهای آینده نیز با خوشی و شادمانی) موفق شویم مراسم این عید را بجا آوریم. (آمین)

مبلیہ لغات

معنی	تلفظ	لغت
صاحبخانه	بَعْل هَيْبِيت	بַעַל הַבַּיִת
پیالہ - گیلاس - جغد	حُس	כּוּס
عمل گرفتن (شستن دست قبل و بعد از غذا)	نطیلا	נְטִילָה
آب نمک (آب شور)	مِه مَلَح	מֵי מַלַח
سرکہ	حُمص	חֻמְץ
پنہان می کنیم	صُفْنِیم	צוֹפְנִים
نصف می کنیم	مَحْصِیم	מְחַצִּים
و غیرو	وِخولِه	וְכֹלָה
زیتون	زَییت	זֵית
وسطی	امصاعیت	אֶמְצָעִית
حَلِق (مخلوطی از میوه، ادویہ و شراب)	حَرُوسِت	חַרוֹסֶת
بالایی	عَلِیونا	עֲלִיוֹנָה
کاهو	حَزَرِت	חֲזֵרֶת
می بیچیم	کُورخِیم	כוֹרְכִים
فرو می بریم (میزنیم)	طُوولِیم	טוֹבְלִים
تیکہ	پروسا	פְרוֹסָה
تخم مرغ - بیضہ	بِصا	בֵּיצָה
پایان پذیرفت	حاسل	חָסַל
قانون - قاعدہ، تئوری	هالاخا	הִלְכָה
موفق شویم	نیزکہ	נִזְכָּה

חג השבועות

عيد شاوועوت

(א) השנה, שנת ה'תשס"ו ה'חג חל בימי ששי ו'שבת ו', ז' בסיון .

- امسال, سال ۵۷۶۶ عيد (شاوועوت) در روزهای جمعه و شنبه ششم و هفتم ماه سیوان مصادف می باشد.

(ب) חג השבועות חל ביום שלאחר מ"ט ימי ספירת העומר.

- عيد شاوועوت پس از چهل و نهمین روز شمردن ایام "عומר" واقع می شود.

(ג) יום מתן תורה היה בשנה בסיון כתוב: בחודש השלישי לצאת בני ישראל מארץ מצרים

- روز اعطای تورات در ششم ماه (عبری) سیوان واقع گردید طبق (آیه) وارده : در ماه سوم خروج بنی اسرائیل از مصر....

(ד) בשנת ה' את התורה בהר סיני צפור לא ציצה, עוף לא פרח, שור לא געה.

- موقعی که خداوند تورات را در کوه سینای عطا فرمود, گنجشک چهچه نزد, پرنده پرواز نمود, گاو صدا نکرد.

(ה) מלאכים לא עפו, שרפים לא אמרו "קדוש", הים לא זע אלא העולם שותק ומחריש ויצא הקול

"אנכי ה' אלהיך". - فرشتگان به پرواز درنیامدند و ملائکه اسرافیل کلمه "قادوش" را ادا ننمودند, دریا تکان نخورد مگر آنکه جهان در حال سکوت محض قرارگرفت و صدای "من هستم خدا خالقت" طنین انداز گردید.

(ו) יום קדוש זה יום מתן תורתנו בו נתנה תורת א-ל ל'שכא-ל אליה התקשר העם לנצח.

- این روز مقدس, روز اعطای تورات ما که در همین روز شریعت الهی به بنی اسرائیل اعطا گردید و با آن بنی اسرائیل بستگی ابدی یافت.

(ז) חג זה מזכיר לנו להעלות את נפשותינו לקדושה חגיגית.

- این عيد به خاطر ما می آورد که بدان وسیله روح و جان خود را به قدوسیت این جشن ارتقاء دهیم.

(ח) עם ישראל קבל את חרותו האמתית הנפשית הרוחנית רק על ידי קבלת התורה מהר סיני.

- بنی اسرائیل با پذیرفتن تورات از کوه سینا, آزادی حقیقی روحانی را کسب کرد.

ט) התורה מטַהַרְת אַת הַנֶּפֶשׁ גַּם אֶת הַגּוּף.

- תורות روح و جسم را پاک و منزه می‌سازد.

י) התורה מְשַׁחֲרַת אֶת הָאָדָם מִכַּבְּלֵי הַפְּרִיצוֹת.

- تورات انسان را از بندهای منحرف کننده رهایی میدهد.

יא) התורה מְרוּמַמֶּת אֶת הָאָדָם מִשְׁפְּלוֹת בְּהִמּוֹת.

- تورات انسان را از پستی حال حیوانی بلند می‌کند.

יב) התורה מְכַנִּיֶסָה לְחוּף לֵב הָאָדָם זוֹהַר הַמוֹסֵר.

- تورات در درون قلب انسان نور معرفت و اخلاق منعکس می‌سازد.

יג) התורה מְכַנִּיֶסָה לְחוּף נֶפֶשׁ הָאָדָם טוֹהַר הַמַּדּוֹת הַטּוֹבוֹת.

- تورات در درون روح انسان پاکی خصایل نیک را داخل می‌کند.

יד) מְנַהֵג לְאָכּוֹל מְאֻכְלֵי חֵלֶב טְבוּלִים בְּדִבְשׁ.

- رسم است که خوراکیهای لبنی (لبنیات) مخلوط با عسل بخورند.

טו) בְּרֵב יְהוּדֵי פָּרַס נוֹהֲגִים שֶׁחֲתָן מְבִיא לְבֵית כֶּלֶה מְאֻכְלֵי חֵלֶב כְּמוֹ: שִׁיר בְּרִנְג' (אוּרְזוֹ+חֵלֶב), פְּרִנֵּי

(אוּרְזוֹ כְּתוּשׁ עִם סוּכָר), חֵלֶבָה לְשִׁמַּח וּלְכַרֵּךְ אֶת הַכֶּלֶה וּמִשְׁפַּחְתָּהּ.

- در اکثر یهودی‌های ایران رسم است که داماد برای خانواده عروس خوراکیهای لبنی مثل: شیر برنج (برنج + شیر) ،

فرنی (برنج کوبیده با شکر) و حلوا برای شاد کردن و تبریک گفتن به عروس و خانواده‌اش می‌برد.

טז) הַזִּכְרָה: כְּמוֹ שֶׁחַג הַפֶּסַח אֵינוֹ חָל בְּיָמִים ב', ד', ו'; כֶּף גַּם חַג הַשְּׁבֻעוֹת , אֵף פֶּעַם לֹא חָל בְּיָמִים

ג', ה', ז'.

- یادآوری: همانطور که (اول) عید پסح (فطیر) هیچگاه در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه اتفاق نمی‌افتد همینطور

هم (اول) عید شاوووعوت هیچوقت در روزهای سه‌شنبه، پنج‌شنبه و شنبه واقع نمی‌گردد.

מגלים = لغات

לغت	تلفظ	معنی
קָל	حال	مصادف می شود
סְפִירָה	سَفِیرָا	شمارش
מִתַּן תּוֹרָה	מִתַּן תּוֹרָא	اعطاء تورات
צְפוּר	صִיּוּר	گنجشک - پرنده
צִיָּצָה	صִיּוּצָא	چهچه زد
עוֹף	عُف	پرنده - مرغ
פָּרַח	פָּאֵרַח	پرید - غنچه داد
שׁוֹר	שׁוּר	گاو نر
גָּעָה	גָּעָא	ماغ کشید (صدا کرد)
זָע	זָע	جنبید - تکان خورد
מִחְרִישׁ	מִחְרִישׁ	ساکت می ماند - خاموش می ماند
נֶצַח	נֶצַח	ابد - جاویدان
חֲגִיגָה	חֲגִיגָא	جشن تشریفات
חֵרוֹת	חֵרוֹת	آزادی
כְּתוּשׁ	כְּתוּשׁ	کوبیده شده
אֲמִתִּי	אֲמִתִּי	واقعی - حقیقی
נֶפֶשׁ	נֶפֶשׁ	جان - روح - روان
מְטַהֵר	מְטַהֵר	پاک می کند - تصفیه می کند
מְשַׁחֵר	מְשַׁחֵר	آزاد می کند - رها می کند
מְרוֹמֵם	מְרוֹמֵם	بلند می کند
כָּבֵל	כּוֹל	زنجیر - طناب - کابل
זוֹהַר	זוֹהַר	نور - درخشندگی - فجر

بی حیائی - افسارگسیختگی	پریصوت	פְּרִיצוֹת
پند - اخلاق	موسار	מוֹסָר
خصلت - اندازه	میداً	מִדָּה
خوراک	مأخال	מֵאָכַל
پارس - ایران	پارس	פָּרַס
هیچ گاه - هرگز	أف یعم	אִף פֵּעַם
یادآوری - اخطار	هزکارا	הַזְכָּרָה
برنج	أرز	אֲרִז
در اکثر	بروو	בְּרַב

שיחת רעים گفتگوی دوستانه

בעברית קלה با زبان عبری ساده

א) שלום כוד יקירי מה שלומך? מה שלום משפחתך? לא רואים אותך פנראה שאינך חושב עלי כלל, נכון?

1) سلام داوود عزیزم حالت چطوره؟ خانواده چطورند؟ مثل اینکه تو اصلاً به فکر من نیستی، درسته؟

ב) שלום לך רחים היקר, ברוך ה' אני בריא וגם כל בני המשפחה בריאים ושמחים.

2) سلام به تو رحیم گرامی بحمدالله من و تمام اهل خانواده سلامت و شاد هستیم.

ג) אין דבר שאטה לא חושב עלי אבל אני מקווה שתמיד תהיה בריא ומצלח אפילו אם לא תחשב עלי.

3) اهمیت نداره که تو به فکر من نیستی ولی من امیدوارم که همیشه سلامت و موفق باشی حتی اگر هم درباره من فکر نکنی.

ד) מה אטה אומר? היה בטוח שאני אותו הידיד הקודם והאמתי שלך ואי אפשר שאשבח אותך,

4) چی میگی؟ مطمئن باش که من همان دوست قدیمی و واقعی تو هستم و غیرممکن است که تو را فراموش کنم.

ה) לרע המזל שלי לא יכלתי להפגש עמך הייתי עסוק מאד בכמה עסקים ולא היה לי פנאי להפגש ארך אפילו

לא הספקתי לכתב מכתב להורי או להתקשר להם.

5) از کم سعادتی من بوده که نتوانستم تو را ملاقات کنم، سخت مشغول چند معامله بودم حتی من فرصت نکرده‌ام برای پدر و

مادرم نامه بنویسم یا با آنها تماس بگیرم.

ו) טוב! אומר לי מה אטה עושה בימים אלה? למה נהיית כל כך רזה? האם יש לך סבל רב? אם עבודתך

הנוכחית היא קשה, בחר לך עבודה אחרת.

7) خوب! به من بگو این روزها چکار می‌کنی؟ چرا اینقدر لاغر شده‌ای؟ آیا زحمتت خیلیه؟ اگر کار فعلیت سخته، کار دیگه‌ای

برای خودت انتخاب کن.

ז) לא חברי האהוב, עבודתי אינה קשה אני מוכר כלי חשמלי כמו מקרר, מנקה, קומקום, תנור, מונה חשמלי, פיר, מכונת גלוח, מטחנה חשמלית וכדומה.

ז) نه دوست محبوبم کارم مشکل نیست من فروشنده لوازم برقی مثل یخچال، اطو، قوری، بخاری، کنتور برقی، اجاق، ماشین صورت تراشی، آسیاب برقی و امثال آنها هستم.

ח) סבת הרזון שלי היותי רחוק מהמשפחה.

ט) علت لاغری من دور بودن از خانواده می باشد.

ט) באיזה עיר גרים הוריה? האם מרוצים בני המשפחה מעבודתם?

ז) در کدام شهر پدر و مادر (والدینت) ساکن هستند؟ آیا اهل فامیل از کارشان راضی هستند؟

ז) הורי נמצאים בשיכון, אבי הוא צורך ברוך ה" הוא מרוצה מעבודתו.

ז) والدین من در شیراز هستند پدرم زرگر می باشد و بحمدالله او از کارش راضی است.

יא) אחי הקטן בהזדא הוא לומד באוניברסיטה בפקולטה לחקלאות וגם אחותי שרונה היא התחתנה לפני כמה חדשים עם בחור יזדי.

ז) برادر کوچکم بهزاد، او در دانشگاه در دانشکده کشاورزی تحصیل می کند، خواهرم شارونا هم چند ماه قبل با یک جوان یزدی ازدواج کرد.

יב) דוד! כמה ילדים יש לך? וכמה נפשות במשפחתך? ומה שמם?

ז) داوود! چند تا بچه داری؟ خانواده ات چند نفرند؟ و اسم آنها چیست؟

יג) יש לי שלשה ילדים שני בנים ובת אחת ומשפחתנו בת חמש נפשות, שם בני הבכור מהרדא והשני משה ושם בתי הקטנה מהנאז.

ז) سه اولاد دارم دو پسر و یک دختر خانواده ما شامل ۵ نفر است اسم پسر ارشدم (اولزادم) مهرداد و دومی مשה و اسم دختری کوچکم مهناز است.

13) מה עושים הילדים? ומה העסק שלהם?

14) بچه‌ها چکار می‌کنند؟ و شغل آنها چیه؟

15) מהרדאד הוא רופא שנים, משה הוא עוסק עם אבי בצורפות בעיר שיראז גם מהנאז השנה נכנסה לאוניברסיטה.

15) مهرداد دندانپزشک و مשה در شیراز با پدرم مشغول زرگری است و مهناز هم امسال وارد دانشگاه شده.

16) רחמים החביב ספר לי גם אתה קצת על מצבך וחייד.

16) رحيم جان (محبوب)، تو هم کمی درباره اوضاع زندگیت برایت تعریف کن.

17) בסדר חביבי אספר לך בקצור בצורה מפתח.

17) به چشم عزیزم به طور خلاصه و فهرست‌وار برایت تعریف می‌کنم.

18) אני כבר פנסיונר מצד משרד החינוך והתרבות מקבל משכורת חדשית בערך שלש מאות אלה תומאן.

18) من فعلاً از طرف اداره آموزش و پرورش بازنشسته هستم و حقوق ماهیانه در حدود سیصد هزار تومان دریافت می‌کنم.

19) והמשכורת בגלל היקרות אינה מכסה את ההוצאות.

19) و به علت گرانی (تورم) این حقوق جوابگوی مخارج نیست.

20) יש לי ספרייה בבית מלא ספרים שונים ומעניינים, רב הזמן אני מעיז, ברוך השם יש לי חשק לעיין.

20) در منزل کتابخانه‌ای دارم پر از کتاب‌های گوناگون و جالب بیشتر اوقات مطالعه می‌کنم خدا را شکر علاقه مفرضی برای مطالعه کردن دارم.

21) משפחתנו בת שש נפשות, שני בנים ושתי בנות כלם נשואים יש לי מהם شמונה נכדים.

21) خانواده ما شامل 6 نفر است، 2 پسر و 2 دختر، تمامشان ازدواج کرده‌اند و از آنها 8 نوه دارم.

כב') ועוד פעמים פעמים כתבתי ובעזרת השם עוד אכתב מאמרים דתי בשפה עברית ופרסית "לירחון בינה" שיוצא לאור על ידי מערכת של ועד יהודי טהראן.

כז) و ديگه، بارها برای مجله «ماهنامه بینا» که توسط هیئت تحریریه انجمن کلیمیان تهران منتشر میشود مقاله‌های مذهبی به زبان عبری و فارسی نوشته‌ام و انشاالله (با کمک خدا) باز هم خواهم نوشت.

כג) אתה יכול לקרא בו מאמרים מועילים ומעניינים כמו חיייהם ונושאים יהודיים שונים ידיעות על היהודים בעולם.

כז) تو می‌توانی در این (مجله) مقاله‌های مفید و جالب مثل مسائل (موضوع) مختلف زندگی یهودی‌ها و اطلاعات درباره یهودیان جهان بخوانی.

כד) ועוד מאמרים על עניני מדעי, חנוכה, מוסר, וחקרה ועניני אקטואליים ועל ילדי הזמן ביחוד מאמר ראשי של אדון עורך ראשי שקל הקורא מתענג ומתפלא

כז) و ديگه (تو می‌توانی در این مجله) درباره مسائل علمی، تربیتی و فرهنگی، اخلاق و اجتماع و مطالبی در مسائل روز تحولات و رویدادهای زمان (بخوانی). به خصوص سرمقاله‌ی آقای سردبیر که هر خواننده‌ای لذت می‌برد و تعجب می‌کند.

כה) דוד! תבוא מחר אלינו הביתה ואספר לך יותר מזה, אחכה לך.

כז) داوید! فردا بیا منزل نزد ما تا برایت بیشتر از این تعریف کنم، منتظرت خواهم بود.

כו) רחים היקר! אני מצטער מאד שלא אוכל להיות מחר בטהראן, כבר אגחנו עומדים לנסוע לשיראז לראות המשפחה לראש השנה.

כז) رحيم عزيز! من خیلی متاسفم که نمی‌توانم فردا در تهران باشم چون ما به مناسبت سال نو (اول سال) در حال مسافرت به شیراز برای دیدار خانواده هستیم.

כז) אשריך דוד, אני מקווה שתראה את פניהם בשמחה, דרישת שלום רבה לכל בני המשפחה לקרובים ול ידידים ומאחל לכם פריאות, נסיעה והצלחה טובה. שלום להתראות, שנה טובה.

כז) خوش به حالت داوید، من امیدوارم که آنها را با شادی زیارت کنی. سلامتی، سفر خوش و موفقیت برای همگی شما آرزو می‌کنم. سلام زیاد به تمام اهل فامیل، خویشان و دوستان برسان. خداحافظ – به امید تجدید دیدار، سال نو مبارک (باشد).

השיחה הזאת נכתב כפי בקשות הקוראים הנכבדים. این گفتگو بر مسב درفواست فوانندگان ممتزم نوشته شده است.

مکلیم لغات

معنی	تلفظ	لغت	معنی	تلفظ	لغت	معنی	تلفظ	لغت
مطمئن - یقین	باطوئح	בטוח	کشاورز - فلاح	חֲפָאִי	חקלאי	عزیزم - گرامیم	یقیری	יקירי
شانس - اقبال	مزال	מזל	دانشکده	فاقولطا	פקולטה	از قرار معلوم - ظاهراً	کنیرته	בנראה
دوست - همنوع	رئع	רע	فهرست - کلید	مفتیح	מפתח	کامیاب - موفق	موصلح	מצלח
لاغر - کم حاصل	رازه	רזה	بازنشسته	پنسیونار	פנסיונר	دوست - محبوب	یادید	ידיד
علمی	مداعی	מדעי	حقوق - اجرت	مسکرت	משכרת	واقعی - خالص	امیتی	אמתי
انجمن - شورا	وعد	ועד	متاهل هستند	نسوئیم	נשואים	برقی - الکتریکی	حشملی	חשמלי
مخصوصاً - بویژه	ب بیحود	ביחוד	هزینه - خرج	هوصانا	הוצאה	یخچال	مقارر	מקרר
متأسفم	میصطعر	מצטער	کتابخانه	سیفری یا	ספריה	اطو	مکھص	מגהץ
درخواست - تقاضا	دریشا	דרישה	هیئت تحریریه	معرخت	מערכת	قوری	قوم قوم	קומקום
مسافرت - حرکت	نسیعا	נסיעה	مقاله - گفته	مئمار	מאמר	بخاری - چراغ خوراک پزی	تنور	תנור
موفقیت - خوشبختی	هصلاحا	הצלחה	انشالله - بیاری خدا	بعزرت هشیم	בעזרת השם	کنتور - شمارنده	مونه	מונה
خوشا به حال تو	اشرخا	אשריך	سرمقاله	مئمار راشی	מאמר ראשי	اجاق - فر خوراک پزی	کیرا	כירה
اجتماع - شرکت	جورا	חברה	سردبیر	عورخ راشی	עורך ראשי	ماشین صورت تراش	میخونت گیلوئح	מכונת גלוח
به امید تجدید دیدار	لهیتراوت	להתראות	رویدادهای زمان	یلده هزمان	ילדי הזמן	آسیاب	مطحنا	מטחנה
میل - علاقه زیاد	حشیق	חשק	متأسفم	میصطعر	מצטער	زرگر	صورف	צורף

דְּקָדוּק = دستور زبان

שָׁא = دو نقطه زیر حرف (ָ) را شوا گویند.

יש לנו שני מיני שָׁא : שָׁא נָע, שָׁא נַח. בְּחֻמְשָׁה זְמַנִּים הַשָּׁא הוּא נָע:

دو نوع «شوا» داریم: متحرک یا صدا دار و ساکن یا بی حرکت. در ۵ مورد «شوا» متحرک یا صدا دار است:

(א) שָׁא בְּרֵאשִׁי הַמִּלָּה הוּא תָּמִיד נָע כְּמוֹ: שָׁמַע, שָׁלְמָה, לְעוֹלָם, שָׁבוּ

۱= همیشه در اول کلمه «شوا» صدا دار است مثل: שָׁמַע (بشنو)، שָׁלְמוּ (سلیمان)، لְעוֹלָם (برای همیشه)، שָׁבוּ (بناشینید).

(ב) שְׁנֵי שָׁאִים רְצוּפִים בְּתוֹךְ הַמִּלָּה, הֶרְאֵשׁוּן נַח וְהַשְׁנִי נָע כְּמוֹ: אֶפְרָסִמוֹן, נִכְסְפָה, זָכְרָךְ, עֶבְרָךְ

۲= دو «شوا» که در وسط کلمه پی در پی واقع شوند اولی ساکن و دومی صدا دار میباشد مثل: אֶפְרָסִמוֹן (خرمالو)، נִיחְסִיפָה (مشتاق است)، זִיכְרֵךְ (یاد تو)،

עוֹדֵךְ (بنده‌ی تو).

(ג) שָׁא מִתַּחַת לְאוֹת דְּגוּשָׁה הוּא נָא כְּמוֹ: קָבְלוּ, סִפְרוּ, דְּבַרוּ, תִּתְּנוּ

۳= «شوا» چنانچه زیر حرفی که در دل آن داگش (نقطه) است واقع شود صدا دار است مثل: קִיבְלוּ (دریافت کردند)، סִפְרוּ (تعریف کنید)، דִּבְרוּ (صحبت

کردند)، תִּתְּנוּ (بدهید).

(ד) שָׁא אַחֲרֵי תְנוּעָה גְדוּלָה (ָ ; ֵ ; ִ ; ֶ ; ֹ ; ֺ) הוּא נָע כְּמוֹ: בָּרְכוּ, יִלְכֶה, עִירָךְ, לוֹמְדִים, סוֹסָךְ

۴= شوا بعد از حرکات بزرگ (آ، ا، ای، اُ، او) صدا دار می‌باشد مثل: בָּרְכוּ (برکت کنید)، יִלְכֶה (برویم)، עִירָךְ (شهر تو)، לוֹמְדִים (یاد می‌گیریم). سوسخا

(اسب تو).

(ה) שָׁא מִתַּחַת לְאוֹת הֶרְאֵשׁוּנָה מְשַׁתִּי אוֹתִיּוֹת דּוּמוֹת הוּא נָע כְּמוֹ: הִלְלוּ, גִּלְלוּ, יִבְרְכְךָ, רִבְבוֹת

۵= شوا زیر حرف اول از دو حرف مشابه صدا دار می‌باشد مثل: הִלְלוּ (مدح گویند)، גִּלְלוּ (غلطاندند)، יוֹרִיחָ (برکت کند تو را)، רִיבּוֹת (دهها هزار).

הַעֲרָה: שָׁא תַּחַת הָאוֹתִיּוֹת גְּרוּנִיּוֹת (א, ה, ח, ע) הוּא תָּמִיד נַח כְּמוֹ: נֶאֱדָר, נֶהֱפָךְ, יַחְדּוֹ, שְׁמַעֲתִי

تبصره: شوا زیر حروف حلقى (א, ה, ח, ע) همیشه ساکن می‌باشد. مثل: נִתְדָר (جلیل)، נֶהֱפָךְ (وارونه شد)، יַחְדּוֹ (با هم)، שְׁמַעֲתִי (شنیدم).

– שְׁנֵי שָׁאִים רְצוּפִים אוֹ שָׁא אֶחָד בְּסוֹף הַמִּלָּה שְׁנֵיהֶם נַחִים כְּמוֹ: הִלְכָה, אֶתְּ, וַיִּשָּׁתְּ, וַיִּשָּׁק

دو شوا پی در پی یا یک شوا در آخر کلمه هر دو ساکن می‌باشند. مثل: הִלְכָה (رفتی)، אֶתְּ (تو)، וַיִּשָּׁתְּ (نوشتید)، וַיִּשָּׁק (نوشتید).

– כָּל שָׁא שָׁבָא אַחֲרֵי "ו" בְּתַחֲלִיל הַמִּלָּה, הוּא נַח כְּמוֹ: וּבְקוֹמָךְ, וּבְקוֹמָךְ

هر شوایی که پس از "ו" در ابتدای کلمه، می‌آید ساکن می‌باشد مثل: אוֹחְתּוֹתָם (بنویسید آنها را)، אוֹוֹقוּמָחָ (در برخواستنت).

בְּעֵבְרִית יֵשׁ לָנוּ שְׁנֵי מִינֵי תְנוּעוֹת: דַּר (זִבָּן) עִבְרִי ۲ נֹעַ חֲרֻק דַּרְיִם:

א) הַתְנוּעוֹת הַגְּדוֹלוֹת הֵן: ַ (קִמְצָן גְּדוֹל) כְּמוֹ אָב. ֵ (צִירָה) כְּמוֹ אֵם. ִ (חִירִיק גְּדוֹל) כְּמוֹ אִישׁ. ֶ (חֹלֶם) כְּמוֹ דוֹד. ֹ (שׁוֹרֵק) כְּמוֹ גּוֹף.

=1 חֲרֻקַּת בְּזֵרֵק עֲבָרְתֵּנָה: אִ מִתְּלֵ אִ (מֵדָר), אִ מִתְּלֵ אִשׁ (מֵרֵד), אִ מִתְּלֵ דוֹ (עִמּוֹ יָא דַּבִּי), אוּ מִתְּלֵ גּוֹף (בִּדֵן, גִּסְמ).

ב) הַתְנוּעוֹת הַקְּטַנוֹת הֵן: ֶ (פִּתַח) כְּמוֹ גֵן. ֶ (סְגוּל) כְּמוֹ בְּגֵד. ֶ (חִירִיק קְטָן) כְּמוֹ אִשָּׁה. ֶ (קִמְצָן קְטָן) כְּמוֹ אֲזַנִּי. ֶ (קִבּוּץ) כְּמוֹ דְבִים.

=2 חֲרֻקַּת כּוֹכֵק עֲבָרְתֵּנָה: אִ מִתְּלֵ גֵן (בַּאֲג), אִ מִתְּלֵ בְּגֵד (לְבַשׁ), אִ מִתְּלֵ אִשָּׁה (זֵן), אִ מִתְּלֵ אֲזַנִּי (גּוֹשׁ מֵן), אוּ (קּוּבוּס) מִתְּלֵ דוּבִים (חֲרֻסְהָ).

הֵא הִדְיָעָה = הַאֵ מַעְרַף (חֲרֻף תַּעְרִיף)

בְּרַאֵ מַעְרַף כְּרֵדֵן אִסְמִי יָא כְּלֵמַהֵ אִ הַ' הִדְיָעָה (חֲרֻף תַּעְרִיף) דַּר אִוֵל אֵן מִי נֹוִיסִים וּ דַּר דַּחֵל חֲרֻף בַּעַד אֵן בְּגַז חֲרֻף חֲלֻקִי (א, ה, ח, ע, ו) חֲרֻף א, ה, וּ (נִקְטֵה דַּר דְּרוֹן חֲרֻף) מִי גְדַרְיִם.

1- מַעְמּוּלָא חֲרֻקַּת הַ מַעְרַף פִּתַח (א) מִי בַשֵּׁד מִתְּלֵ: סִפֵּר = כְּתָב (נָא מִשְׁחָשׁ) הִסְפֵּר = אֵן כְּתָב (מִשְׁחָשׁ). מְלִךְ = פַּדְשָׁה הַמְּלִךְ = אֵן פַּדְשָׁה. יָר = שִׁמַּע הַיָּר אֵן שִׁמַּע. חֲדָר = אִטַּף הַחֲדָר אֵן אִטַּף.

2- כְּנַנְיֵה כְּלֵמַהֵ יָא אִסְמִי בַּ חֲרֻף הַ, הַ, וּ שְׂרֻוֹעַ שְׂדֵה בַשֵּׁד בַּהֵ גַאֵי חֲרֻקַּת הַ חֲרֻקַּת הַ נֹוִשְׂתֵה מִישׁוּד וּ דַּר אִיֵן חֲרֻף נִקְטֵה (תַּשְׂדִּיד) לַאֲזַם נֵדַרַד מִתְּלֵ: הַרִים = כּוֹהֵה הַהַרִים = אֵן כּוֹהֵה. חֲכָם = דַּנְשְׁמֵנַד (עַאֻל) הַחֲכָם = אֵן דַּנְשְׁמֵנַד. עֲשִׂיר = תְּרוֹמֵנַד הַעֲשִׂיר = אֵן תְּרוֹמֵנַד.

3- כְּנַנְיֵה כְּלֵמַהֵ יָא אִסְמִי יֵק סִילַבִּי בַשֵּׁדֵכֵה בַּ חֲרֻף הַ, הַ, וּ שְׂרֻוֹעַ שְׂדֵה בַשֵּׁד בַּגַּאֵי חֲרֻקַּת הַ חֲרֻקַּת הַ נֹוִשְׂתֵה מִישׁוּד מִתְּלֵ: הַר = כּוֹה הַהַר = אֵן כּוֹה. חָם = בְּדַר שׁוּהַר יָא בְּדַר זֵן. עָם = מֵלַת הַעָם = אֵן מֵלַת.

4- קִבֵּל אֵז חֲרֻף א, ל, וּ הַאֵ מַעְרַף (ה) בַּ חֲרֻקַּת קִמְצָן (ה) שְׂרֻוֹעַ מִישׁוּד מִתְּלֵ: אִישׁ = מֵרֵד הַאִישׁ = אֵן מֵרֵד. עִיר = שְׁהַר הַעִיר = אֵן שְׁהַר. רֵאשׁ = סַר הַרֵאשׁ = אֵן סַר.

בִּסְ בַּטּוֹר כְּלִי חֲרֻקַּת הַ הִדְיָעָה (הַאֵ מַעְרַף) בַּ שְׂרַאֻטֵּ פּוֹק פִּתַח (ה), קִמְצָן (ה) וּ סְגוּל (ה) מִי בַשֵּׁנַד.

משלים מתנ"ך ומדברי חכמים

چند مثال از تنخ (کتاب مقدس یهود) و گفتار دانشمندان در زمینه حرف تعریف (ה' הידיעה)

(1) "בְּרֵאשִׁית בָּרָא אֱלֹקִים אֶת הַשָּׁמַיִם וְאֶת הָאָרֶץ". (בראשית א'/א')

1= خد-اوند در ابتدا آسمان و زمین را آفرید. (کتاب پیدایش ۱-۱)

(2) "וַיִּרְא אֱלֹקִים אֶת הָאָדָם כִּי טוֹב". (בראשית א'/ד')

2= خد-اوند روشنایی را دید که خوب است. (کتاب پیدایش ۴-۱)

(3) "אִשָּׁא עֵינַי אֶל הַהָרִים מֵאֵין יִבָּא עֲזָרִי: עֲזָרִי מֵעַם ה'". (תהלים קכא/א')

3= چشمانم را بسوی کوهها بلند می‌کنم (می‌دوزم) که از کجا به من کمک می‌رسد: کمک من از جانب خد-ا است. (مزامیر داوود ۱-۱۲۱)

(4) "בְּרוּךְ הַגִּבּוֹר אֲשֶׁר יִבְטַח בֵּה" וְהָיָה ה' מִבְּטָחוֹ" (יְרֵמְיָהוּ יז/ז)

4= متبارک باشد آن شخصی که (مردی که) امیدش به خد-ا است و توکلش با خد-ا است. (کتاب ارمیاء ۷-۱۷)

(5) "אֲשֶׁרֵי הָעַם שְׂכָכָה לוֹ". אֲשֶׁרֵי הָעַם שָׁה" אֱלֹהֵינוּ". (תהלים קמד/טו)

5= خوشا به حال آن قومی که چنین سرنوشتی دارد. خوشا به حال آن ملتی که خد-ا اوند خد-ای اوست. (مزامیر داوود ۱۵-۱۴۴)

(6) הָאוֹרְחִים אוֹמְרִים: "הֲרַחֵמֶן הוּא יִבְרַךְ אֶת הַחַתָּן וְהַכֶּלֶה בְּכַנִּים טוֹבִים לְעִבּוֹדָתוֹ יְתִבְרַךְ". (תְּחִלָּה)

6= مهمانها می‌گویند: خد-ای رحمن این عروس و داماد را با فرزندان نیک در راه عبادت خد-ا اوند برکت دهد. (دانشمندان یهود)

(7) "הֲרַחֵמֶן הוּא יַחֲיֵינוּ וַיִּזְכְּנוּ וַיִּקְרְבוּנוּ לַיְמֹת הַמְּשִׁיחַ וְלִבְנֵי בֵּית הַמִּקְדָּשׁ וְאִמְרוּ אִמֵּן". (תְּחִלָּה)

7= خدای رحمن، ما را زنده و کامیاب (موفق) بدارد و به ایام ماشیح (منجی موعود) و آبادی خانه مقدس (قدس شریف) نزدیک گرداند. و بگویید آمین. (دانشمندان یهود)

(8) חֲכָמִים: "לֹא הַמְדַרְשׁ עֲקָר אֶלָּא הַמְעֻשָּׂה".

8= دانشمندان یهود: به عمل کار برآید به سخنرانی نیست. (اصل موعظه نیست بلکه عمل است)

(9) רַבָּנִים: "הַמְלַבֵּין פְּנֵי חֲבֵרוֹ כְּאֵלוֹ הַרְגוּ".

9= علمای طراز اول یهود: کسی که دوستش را خجالت می‌دهد (صورتش را سفید میکند) مثل اینکه او را کشته است.

(10) "הַצּוֹר תָּמִים פָּעֵלוּ... צְדִיק וְיִשָּׁר הוּא". (דְּבָרִים לב'/ד')

10= آن پروردگاری که کارش بی عیب است عادل و درستکار (شایسته) است. (تثنیه ۴-۳۲)

פרוש המלים معنی لغات

רֵאשִׁית	רִשִׁית	ابتدا - نویر	אֹרֶחַ	أَرِيح	مهمان - رهگذر
בָּרָא	בָּרָא	آفرید	הִרְחִימֵנוּ	هَارِحَمَان	خدای رحمن و رحیم
וַיִּרְא	وَيَر	دید	וַיִּזְכְּנוּ	وَيُزَكِّنُو	موفق بدارد ما را
אֹר	أُر	روشنایی	וַיִּקְרְבֵנוּ	وَيُقَارِنُو	نزدیک گرداند ما را
אָשָׂא	أَسَا	بلند می‌کنم	בִּנְיָן	بَيْنَان	آبادی - ساختمان
עִזָּר	عَزِر	کمک - اعانات	מִדְרָשׁ	میدرّاش	تفسیر آزاد - پژوهش
גָּבַר	گُور	مرد - خروس	עֵקָר	عيقار	اصل - ریشه
מִבְטָא	ميوطا	توکل - اعتماد	הַמְלִיכִין	همليين	کسیکه خجالت می‌دهد
אֶשְׂרִי	أَشْرِي	خوشا (بحال)	צוּר	صور	پروردگار - صخره پناه
עַם	عام	قوم - ملت - مردم	תְּמִים	تاميم	کامل - بی عیب - پاکدل
יְדִיעָה	يَدِيعَا	معرفه - آگاهی	יָשָׂר	ياشار	شایسته - درستکار

حروف کتابی و دستخطی:

حروف کتابی	א	ב	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	כ	ך	ל
מכתב אדמתי	א	ב	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	כ	ק	ל

حروف کتابی	מ	ם	נ	ן	ס	ע	פ	פ	ף	צ	ץ	ק	ר	ש	ש	ת
מכתב אדמתי	M	m	N	n	S	e	P	P	F	3	ץ	Q	R	e	e	T

مثال:

דַּרְצָה עֲלֵה יְקָרְךָ אִין = هر که ظلم بکارد بلا خواهد دروید.



آیا می‌دونستید لذت مطالعه و درصد یادگیری با کتاب‌های چاپی بیشتره؟
کارنیل (محبوب‌ترین شبکه موفقیت ایران) بهترین کتاب‌های موفقیت فردی
رو برای همه ایرانیان تهیه کرده

از طریق لینک زیر به کتاب‌ها دسترسی خواهید داشت

www.karnil.com

با کارنیل موفقیت سادست، منتظر شما هستیم

 Karnil  Karnil.com

